


بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ





رهبر معظم انقلاب اسلامی (مد ظله العالی):

«آن تأثیری که گفتار یک انسان در یک مجلس - رو به رو،  
با گزینش مخاطبین، با انتخاب مطلب لازم - در ذهن  
مخاطبین می‌گذارد، به کلی با هر نوع تبلیغ دیگر متفاوت  
است. این نوع تبلیغ است که برکات الهی با آن هست.»



## سفیر بشارت

راهکارهای کاربردی در تبلیغ چهره به چهره

ره توشه راهیان نور - نوروز ۱۳۹۶

ویژه بشیران جوان

تهیه و تدوین:

دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم

معاونت فرهنگی و تبلیغی

گروه تأمین منابع

عنوان و نام پدیدآور: سفیر بشارت: راهکارهای کاربردی در تبلیغ چهره به چهره، ره‌توشه راهیان نورنوروز ۱۳۹۶ ویژه بشیران جوان/ تهیه و تدوین دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، معاونت فرهنگی و تبلیغی، گروه تأمین منابع مشخصات نشر: مؤسسه بوستان کتاب، ۱۳۹۵.  
مشخصات ظاهری: ۱۳۲ص.  
شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۰۹-۱۷۹۷-۸  
وضعیت فهرست‌نویسی: فیبا  
موضوع: اسلام -- تبلیغات  
موضوع: Islam -- Missions  
موضوع: اسلام -- مطالب گونه‌گون  
موضوع: Islam -- Miscellanea  
موضوع: اسلام -- عقاید -- مطالب گونه‌گون  
موضوع: Islam -- Doctrines -- Miscellanea  
موضوع: اخلاق اسلامی  
موضوع: Islam ethics  
شناسه افزوده: حوزه علمیه قم. دفتر تبلیغات اسلامی. گروه تأمین منابع  
شناسه افزوده: حوزه علمیه قم. دفتر تبلیغات اسلامی. بوستان کتاب قم  
رده بندی کنگره: ۱۳۹۵ ۷۴/س/۱۱/۶۲ BP  
رده بندی دیویی: ۲۹۷/۰۴۵  
شماره کتابشناسی ملی: ۴۶۰۶۶۵۷

## سفیر بشارت

ره‌توشه راهیان نور - نوروز ۱۳۹۶

ویژه بشیران جوان

• تهیه و تدوین: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، معاونت فرهنگی و تبلیغی  
• نویسندگان: گروهی از نویسندگان • ناشر: مؤسسه بوستان کتاب • نوبت چاپ: اول،  
۱۳۹۵ • شمارگان: ۱۵۰۰ نسخه • قیمت: ۸۰۰۰ تومان • لیتوگرافی، چاپ و صحافی:  
چاپخانه مؤسسه بوستان کتاب

تلفن گروه تأمین منابع: ۰۲۵-۳۷۷۴۰۳۹۷ - پست الکترونیکی: [tabligh@dte.ir](mailto:tabligh@dte.ir)

با قدر دانی از همکارانی که در تولید و نشر این اثر نقش داشته‌اند:

• حروف نگار و صفحه‌آرا: اکبر اسماعیل پور • کارشناس تحریریه: علی‌رضا انصاری و  
محمدحسین فکور • کارشناس اجرایی ره‌توشه: محمد مهدی تقدیمی صابری  
• مسئول چاپ و نشر: سیدحسین موسوی مجاب

تمام حقوق این اثر، محفوظ است.

## فهرست مطالب

درآمد..... ۱۳

### نقش والدین در تشویق فرزندان به نماز

اشاره ..... ۱۵

الف) نقش زمینه‌سازی ..... ۱۵

راه‌های فراهم کردن زمینه مناسب ..... ۱۶

۱. گفتن اذان و اقامه در گوش نوزاد..... ۱۶

۲. انتخاب نام نیکو..... ۱۶

۳. تغذیه ..... ۱۷

۴. محبت به فرزندان ..... ۱۷

۵. مقید بودن والدین به نماز ..... ۱۸

۶. رفت و آمد با خانواده‌ها و افراد اهل نماز ..... ۱۸

۷. پرورش عادت‌های مناسب با نماز ..... ۱۹

ب) نقش الگویی ..... ۱۹

راه‌کارهای صحیح و تقویت نقش الگویی خانواده ..... ۱۹

۱. پایبندی والدین به نماز ..... ۱۹

۲. محبوبیت والدین..... ۲۱

۳. هماهنگی رفتار والدین..... ۲۱

۴. استمرار رفتارها ..... ۲۲

۲۲.....	ج) نقش آموزشی .....
۲۲.....	د) نقش نظارتی و مراقبتی .....
۲۳.....	شهید بابایی و نماز .....
۲۴.....	روش نظارت و مراقبت .....
۲۴.....	۱. تغافل .....
۲۵.....	۲. تذکر .....
۲۵.....	۳. تشویق و تنبیه .....

### راهکارهای پرهیز از مصرف‌گرایی و اسراف

۲۷.....	درآمد .....
۲۷.....	مفهوم‌شناسی .....
۲۸.....	حکم اسراف .....
۲۸.....	عوامل اسراف .....
۲۹.....	راهکارهای پرهیز از اسراف .....
۲۹.....	الف. آشنایی با پیامدهای زیان‌بار اسراف .....
۲۹.....	۱. نابودی منابع مادی و معنوی .....
۲۹.....	۲. ارتکاب گناه .....
۳۰.....	۳. نابودی زمینه رشد و هدایت .....
۳۰.....	۴. خشم خداوند .....
۳۱.....	ب. تقویت ایمان و ارزش‌های اخلاقی .....
۳۱.....	۱. یاد خدا و انجام واجبات و مستحبات .....
۳۱.....	۲. اندیشیدن و کسب معرفت بیشتر .....
۳۲.....	۳. خودسازی .....
۳۲.....	ج. نظارت همگانی .....
۳۳.....	د. توجه به نقش خانواده .....
۳۴.....	ه. دوری خواص از زندگی اشرافی .....
۳۴.....	سبک زندگی امام خمینی <small>علیه السلام</small> .....

۳۴	و. معرفی الگوهای صرفه‌جویی و قناعت
۳۵	ز. اصلاح معیارهای رقابت
۳۵	ح. اصلاح الگوی مصرف
۳۶	روش‌های دیگر
۳۶	نکته‌هایی درباره اسراف
۳۶	۱. نه تبذیر، نه تقتیر
۳۷	۲. متغیربودن مفهوم اسراف
۳۷	۳. مقایسه مصرف داخلی با میانگین جهانی
۳۸	سفیر چین و جلوگیری از اسراف

### رقابت‌های ناسالم

۳۹	اشاره
۳۹	اهمیت و مفهوم‌شناسی
۴۱	ریشه‌ها و علل چشم‌وهم‌چشمی
۴۱	۱. علل اجتماعی و فرهنگی
۴۲	۲. عوامل تربیتی، خانوادگی و فردی
۴۳	محرومیت‌های دوران کودکی
۴۳	سرایت چشم‌وهم‌چشمی از والدین به فرزندان
۴۳	بی‌توجهی والدین به مسائل تربیتی
۴۳	احساس حقارت و خودکم‌بینی
۴۳	ابعاد چشم‌وهم‌چشمی
۴۳	۱. ازدواج
۴۴	۲. جراحی زیبایی
۴۴	۳. پوشش و آرایش
۴۵	۴. نوع‌پذیرایی در مهمانی‌ها
۴۵	۵. سایر جلوه‌های چشم‌وهم‌چشمی
۴۶	پیامدها و آسیب‌های چشم‌وهم‌چشمی

۴۶.....	۱. آسیب‌های فردی
۴۶.....	۲. آسیب‌های خانوادگی
۴۶.....	بدهکاری خانواده
۴۷.....	اختلاف‌های زناشویی
۴۷.....	احتمال افزایش خیانت مرد به همسر
۴۷.....	۳. پیامدهای اجتماعی
۴۷.....	افزایش آمار طلاق
۴۷.....	بی‌توجهی به نیازمندان جامعه
۴۸.....	سایر ناهنجاری‌های اجتماعی
۴۸.....	راهکارها
۴۸.....	۱. تقویت روحیه قناعت و شکرگزاری
۴۸.....	۲. مقایسه خود با افراد فرودست در امور مادی
۴۹.....	۳. توجه به آسیب‌های دینی و اخروی حسادت
۴۹.....	۴. مدیریت معاشرت‌ها
۴۹.....	۵. مجهز شدن مردان به مهارت‌های مهرورزی
۵۰.....	۶. افزایش علاقه به مطالعه
۵۰.....	۷. توجه رسانه‌ها به محتوا

### آفات زبان

۵۱.....	مقدمه
۵۲.....	کارکرد زبان
۵۲.....	آفت زبان
۵۳.....	گناهان زبان
۵۳.....	دروغ
۵۴.....	داستانی درباره ترک دروغ
۵۵.....	شهادت دروغ
۵۵.....	غیبت



۵۶.....	بهتان
۵۶.....	ناسزاگویی و دشنام
۵۸.....	فراوانی آفات و خطرهای زبان
۵۹.....	هشدار معصومین <small>علیهم السلام</small> نسبت به خطر زبان
۶۰.....	آفت زدایی از زبان
۶۰.....	۱. مدیریت زبان
۶۱.....	۲. کم‌گویی و سکوت
۶۱.....	۳. اول تفکر، بعد سخن‌گفتن
۶۲.....	۴. اندیشه در عواقب کار

### رواج غیبت در جامعه

۶۳.....	مقدمه
۶۳.....	تعریف غیبت
۶۴.....	نکوهش غیبت
۶۵.....	علل غیبت
۶۵.....	۱. تجسس
۶۵.....	۲. سوءظن
۶۶.....	۳. حسادت
۶۷.....	۴. کینه و دشمنی
۶۸.....	۵. تکبر
۶۸.....	۶. بیکاری
۶۹.....	۷. میل به صحبت زیاد
۷۰.....	۸. هم‌رنگی با دیگران
۷۰.....	۹. شوخی و تمسخر
۷۱.....	۱۰. اشتیاق شنیدن غیبت
۷۲.....	۱۱. اغوای شیطان
۷۳.....	داستان غیبت

### هشدارها و عبرت‌ها

- ۷۵..... یک خاطره و یک اشاره.....
- ۷۵..... مرگ روزانه ۶۱ ایرانی در حوادث رانندگی.....
- ۷۶..... غذای ۱۵ میلیون گرسنه را دور نریزیم!.....
- ۷۷..... مردان، خانه‌دار می‌شوند!.....
- ۷۷..... روزانه ۱۰۰۰ مورد سقط جنین در ایران.....
- ۷۸..... همیشه در حال توجیه هستیم!.....
- ۷۹..... افزایش مصرف لوازم آرایشی و بهداشتی.....
- ۷۹..... هزینه‌های میلیاردی برای فوتبال و بهاندادن به نماز.....
- ۸۰..... آمار شبکه‌های ماهواره‌های.....
- ۸۱..... افزایش ارتباط با جنس مخالف.....
- ۸۱..... ۵۳ درصد ایرانیان، عضو شبکه‌های اجتماعی.....
- ۸۲..... باتلاق غیراخلاقی شبکه‌های مجازی.....
- ۸۲..... ۷۰ درصد زندانیان ایران، مربوط به مواد مخدر هستند.....
- ۸۳..... سالیانه بیش از ۳ هزار نفر بر اثر عوارض مصرف مواد مخدر در ایران می‌میرند.....
- ۸۳..... نوجوانان گوژپشت.....

### دفاع از «۱۳»

- ۸۶..... ریشه فکر نحوست «۱۳».....
- ۸۷..... نگاهی به آیات قرآن.....
- ۹۱..... نگاهی به روایات.....

### اخلاق انتخاباتی و وظایف مردم

- ۹۷..... اشاره.....
- ۹۸..... الف) اخلاق انتخاباتی مردم در زمان انتخابات.....
- ۹۸..... ۱) شرکت در انتخابات.....
- ۹۹..... ۲) پرهیز از اسراف.....

۱۰۰.....	۳) احترام متقابل و دوری از تهمت
۱۰۰.....	۴) پرهیز از اختلافات
۱۰۱.....	۵) انتخاب نامزد اصلح
۱۰۲.....	ویژگی‌های نامزدها
۱۰۲.....	تقوا گرایی
۱۰۳.....	ساده زیستی
۱۰۴.....	مردم مداری
۱۰۵.....	امانت‌داری
۱۰۷.....	صداقت
۱۰۹.....	۶) تحقیق و مشورت در مورد نامزدها
۱۰۹.....	ب) اخلاق انتخاباتی طرفداران نامزدها بعد از انتخابات
۱۰۹.....	۱) پرهیز از تحقیر رقیبان و طرفداران آنها
۱۱۰.....	۲) تمکین به نتیجه انتخابات

### آموزه‌ها و سرگرمی‌ها

۱۱۱.....	قرآن
۱۱۲.....	نیازهای جامعه
۱۱۲.....	آثار جهل
۱۱۳.....	خزاین خدا
۱۱۳.....	چگونگی تربیت خدا
۱۱۴.....	توبه پذیری خدا
۱۱۵.....	مهدویت
۱۱۵.....	ویژگی یاران امام زمان <small>علیه السلام</small>
۱۱۵.....	نگاه امام مهدی <small>علیه السلام</small>
۱۱۶.....	توجه امام مهدی <small>علیه السلام</small>
۱۱۶.....	زمینه‌سازی برای ظهور
۱۱۷.....	نماز

۱۱۷.....	فایده نماز
۱۱۷.....	نماز در نامه عمل
۱۱۸.....	مداومت در نماز
۱۱۸.....	خستگی در نماز
۱۱۹.....	لیخند

### تجربه‌ها و توصیه‌های تبلیغی

۱۲۱.....	اشاره
۱۲۱.....	عذرخواهی زیانبخش
۱۲۲.....	اخلاص در تبلیغ
۱۲۳.....	آفت غرور
۱۲۳.....	در حد و اندازه خود ظاهر شوید!
۱۲۴.....	خودسازی مقدم بر تبلیغ است
۱۲۴.....	از خدا و پیغمبر برای مردم حرف بزنیم!
۱۲۵.....	مثل شیر بگو نمی دانم!
۱۲۵.....	آداب سخنرانی را بیاموزیم
۱۲۶.....	انتظارات مردم از روحانیت

## درآمد

دنیا، سرای عبرت است و دانایی، و آن‌که در صراط مستقیم رحمانی گام برمی‌دارد و مبلغ احکام و معارف ناب الهی است، بیش از هر کسی نیازمند آگاهی و عبرت‌آموزی است تا حق را از باطل و سره را از ناسره بازشناسد و خویشتن را به فضایل اخلاقی مزین سازد و از هرگونه افراط و تفریطی پرهیز نماید، تا بتواند به تبلیغ عملی دین همت گمارد و مردمان را بر اساس آموزه‌های متعالی انسانی و اسلامی هدایت نماید و جامعه را از کج‌روی و گمراهی مصونیت بخشد.

در این میان، تعالیم انسان‌ساز قرآن کریم و روایات نورانی معصومین علیهم‌السلام، برترین معارف و بهترین راه‌ها را فراسوی مشتاقان کمال می‌گسترده و انس با این متون هدایت‌آفرین، گرفتاران وادی حیرت و پریشانی را به سوی آرامش رهنمون بوده، ساحت دل‌ها را از آلائش دنیایی و وساوس شیطانی پاک می‌نماید.

آنچه در اثر پیش رو، با عنوان «سفیر بشارت» برای استفاده طلاب جوان فراهم آمده، مباحثی ارزشمند و نکاتی کاربردی در موضوعات متنوع دینی، فرهنگی و اجتماعی است که به قلم توانای شماری از نویسندگان فاضل سامان یافته و راهکارهای کارآمد و ارزنده‌ای را جهت انجام تبلیغ چهره‌به‌چهره در دسترس بشیران جوان قرار داده است.

از جمله ویژگی‌های این کتاب، می‌توان به ارائه مطالبی مفید درباره مباحثی همچون: نقش والدین در تشویق فرزندان به نماز، راهکارهای پرهیز از مصرف‌گرایی، بازشناسی رقابت‌های ناسالم، آفات زبان و رواج غیبت در جامعه، اخلاق انتخاباتی و وظایف

مردم، به همراه مطالب کاربردی دیگر اشاره کرد. آنچه بر کارآمدی «سفیر بشارت» افزوده، دسترسی به نکاتی چند در موضوع: تجربه‌ها و توصیه‌های تبلیغی، و نیز هشدارها و عبرت‌هایی آموزنده می‌باشد.

امیدواریم، مباحث ارائه‌شده در این اثر، برای خوانندگان و بشیران جوان مفید واقع شود و برای جویندگان حقیقت، سفیر بشارت باشد و به کامیابی بشیران هدایت در امر ترویج معارف اسلامی در جامعه بینجامد و رضایت حق تعالی را فراهم سازد.

در پایان، ضمن تقدیر از تلاش نویسندگان محترم، از تمام کسانی که در امر آماده‌سازی و انتشار کتاب حاضر نیز کوشیدند، به‌ویژه از زحمات حجت‌الاسلام والمسلمین علی‌اکبر مؤمنی، رئیس محترم گروه تأمین منابع تبلیغی، صمیمانه سپاسگزارم.

سعید روستا آزاد

معاون فرهنگی و تبلیغی

دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم

## نقش والدین در تشویق فرزندان به نماز

حجت الاسلام والمسلمین رضا اخوی\*

### اشاره

والدین به عنوان هسته اصلی خانواده، نقش به‌سزایی در هدایت فرزندان دارند. یکی از وظایف والدین، تربیت دینی و فراهم‌ساختن زمینه‌های سعادت و شکوفا نمودن فطرت خدایی فرزندان است که این مهم در زمان‌های مختلف زندگی آنان جریان دارد تا برآیند تربیت دینی تکمیل گردد و فرزندان آنان به زندگی مورد رضایت خالق متعال رهنمون گردند.

در این نوشتار نگاهی کوتاه به این مقوله خواهیم داشت و برخی از راه‌کارهای اجرایی شدن این مهم، بیان خواهد شد.

یکی از وظایف والدین، آموزش و تشویق فرزندان به نماز است. والدین در تشویق فرزندان به نماز و آموزش آن، چهار نقش مهم را ایفا می‌کنند:

### الف) نقش زمینه‌سازی

زمینه‌ها و بسترهای لازم برای تربیت درست فرزند، محدود به یک دوره نیست و دوره

---

\* نویسنده و محقق مرکز تخصصی نماز.

پیش از تولد و حتی پیش از انعقاد نطفه را نیز در بر می‌گیرد. در روایات نیز به تأثیر زمینه‌های پیش از تولد بر حالات و روحیات کودک توجه شده و در ایجاد بسترهای مناسب برای پرورش صحیح کودک سفارش‌هایی شده است. اهمیت این مسئله از آن جهت است که در دوران کودکی، هر بذری که در قلب کودک پاشیده شود، بر زندگی آینده او اثرگذار خواهد بود؛ همان‌گونه که علی علیه السلام فرمود:

«إِنَّمَا قَلْبُ الْحَدِثِ كَالْأَرْضِ الْخَالِيَةِ كُلِّ مَا أُلْقِيَ فِيهَا مِنْ شَيْءٍ قَبْلَتْهُ»<sup>۱</sup> قلب کودک همچون زمین خالی است که هر بذری در آن افکنده شود، آن را می‌پذیرد.»

### راه‌های فراهم کردن زمینه مناسب

در اسلام برای تولد کودک آداب و سنت‌هایی وجود دارد. برخی از این آداب عبارت‌اند از:

#### ۱. گفتن اذان و اقامه در گوش نوزاد

در روایات متعددی آمده است که اهل بیت علیهم السلام هنگام تولد فرزندان‌شان، در گوش راست آن‌ها اذان و در گوش چپ اقامه می‌گفتند و دیگران را نیز به آن سفارش می‌کردند.<sup>۲</sup>

#### ۲. انتخاب نام نیکو

نامی که برای کودک انتخاب می‌شود، در شکل‌گیری شخصیت او تأثیر دارد. شاید به همین دلیل است که معصومان علیهم السلام انتخاب نام نیک را از حقوق فرزندان بر والدین شمرده‌اند: امام کاظم علیه السلام می‌فرماید:

«مردی خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله رسید و گفت: حق فرزندم بر من چیست؟ ایشان فرمود: نام نیکو بر او بگذاری، او را خوب تربیت کنی و او را به جایگاه نیکو برسانی.»<sup>۳</sup>

۱. صبحی صالح، نهج البلاغه، ص ۳۹۳.

۲. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۶، ص ۲۴.

۳. همان، ص ۴۸.



### ۳. تغذیه

در آموزه‌های اسلامی بر حلال و پاکیزه بودن غذا بسیار تأکید و از خوردن غذای حرام به شدت نهی شده است. یکی از آثار غذای حرام، قبول نشدن نماز و روزه و عبادت است. پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود:

«نماز کسی که لقمه‌اش حرام است، تا چهل روز پذیرفته نیست<sup>۱</sup> و تا چهل روز دعای او مستجاب نمی‌گردد»<sup>۲</sup>.

افزون بر این، کمیت غذا نیز در گرایش به نماز بی‌تأثیر نیست. مطابق برخی روایات، پرخوری عامل قساوت قلب، دل‌مردگی<sup>۳</sup>، تبلی و کسالت می‌شود و همگی این‌ها از موانع جدی عبادت و نماز است. پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می‌فرماید:

«از شکم‌بارگی برحذر باشید، چون شکم‌بارگی فساد تن است و باعث بیماری و کسالت در عبادت می‌شود»<sup>۴</sup>.

### ۴. محبت به فرزندان

انسان‌ها به‌ویژه کودکان نیاز به محبت دارند، چنان‌که نیاز به غذا و مسکن و امنیت دارند. محبت به کودکان و فرزندان یکی از وظایف والدین است. پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمودند:

«أَحِبُّوا الصَّبِيَّانَ وَارْحَمُوهُم؛<sup>۵</sup> کودکان را محبت کنید و با آنان مهربان باشید.»

محبت به فرزندان نه تنها نیازی از نیازهای روحی آنان را برآورده کرده و به آن‌ها اعتماد به

۱. یادآوری این نکته ضروری است که قبولی و مردودی عمل مباحی جدا از صحت و بطلان عمل است. صحت و بطلان بر اساس رساله عملیه است اما قبول و رد بر اساس صفاتی است که نوعاً به میزان تقوای عامل برمی‌گردد. گاهی این دو با هم جمع هم می‌شود یعنی هم باطل است و هم مردود، گاهی صحیح است اما از مقبولیت چندانی برخوردار نیست مانند کسی که روزه صحیحی می‌گیرد اما در طول روز مرتب دروغ می‌گوید و غیبت می‌کند.

۲. همان، ج ۶۳، ص ۳۱۴.

۳. فضل بن حسن طبرسی، مکارم الأخلاق، ص ۱۴۰.

۴. محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۶۳، ص ۳۳۸.

۵. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۶، ص ۴۹.

نفس می‌دهد، بلکه موجب می‌شود والدین، محبوب کودکان شوند و به آن‌ها اعتماد پیدا کنند. این رابطه، موجب می‌شود فرزندان از والدین خود حرف‌شنوی داشته، دستورات آن‌ها را بپذیرند و اجرا کنند.

#### ۵. مقید بودن والدین به نماز

یکی از عوامل مؤثر در یادگیری یک رفتار، مشاهده آن است. فرزندان خانواده‌ای که روزانه شاهد ادای نماز از سوی والدین خود هستند، به تدریج با نماز آشنا شده، چگونگی انجام آن را می‌آموزند و چه بسا خودبه‌خود به آن علاقه‌مند شده، همراه با پدر و مادر نماز بخوانند. افزون بر این، والدین با این کار خود، تصویری زیبا، و هیجان‌انگیز در ذهن کودک رقم می‌زنند که نه تنها در همان زمان، کودک را به نماز جلب می‌کند؛ بلکه هر زمان که کودک آن خاطرات را در ذهن خود مرور کند، میل به نماز در او زنده می‌شود.

#### ۶. رفت و آمد با خانواده‌ها و افراد اهل نماز

معاشرت با دیگران بر شخصیت و رفتار انسان تأثیری تدریجی اما بسیار عمیق می‌گذارد. معاشران و هم‌نشینان نه تنها در رفتار، بلکه در باورها، نگرش‌ها و ارزش‌ها و موضع‌گیری‌های یک‌دیگر نیز تأثیر می‌گذارند. بر این اساس، معاشرت با افرادی که در دینداری‌شان استوار و به نماز پای‌بندند، موجب تقویت دین و استواری در انجام دستورات دینی می‌شود و در مقابل، ارتباط با افراد و خانواده‌های سست ایمان و بی‌توجه به نماز، زمینه دوری آن‌ها از نماز می‌گردد. به همین سبب، امام صادق علیه السلام به صورت ویژه در مورد نماز یادآور می‌شود که از هم‌نشینی و دوستی با بی‌نمازان پرهیز کنید:

«دوستان خودتان را با دو ویژگی امتحان کنید، پس اگر در آن‌ها بود (ادامه

دهید) وگرنه به شدت از آنان دوری کنید؛ اول: حفظ نماز و نماز اول

وقت ...»<sup>۱</sup>.

## ۷. پرورش عادات‌های مناسب با نماز

برخی از عادات‌ها که متأسفانه در جامعه رواج پیدا کرده است، چندان با پای‌بندی به نماز تناسب ندارد. عادت به تماشای تلویزیون تا نیمه‌های شب، صرف شام سنگین... و، با تقید به نماز به‌ویژه نماز صبح در تعارض است. بنابراین، اگر والدین از همان ابتدا فرزندان‌شان را به‌گونه‌ای تربیت کنند که شام سبک بخورند، به موقع بخوابند، بامدادان از خواب برخیزند و تا دیر وقت به تماشای تلویزیون مشغول نباشند، در واقع زمینه مناسبی برای هدایت فرزند به نماز فراهم کرده‌اند.

## ب) نقش الگویی

در طول زندگی انسان، اولین و مهم‌ترین روش یادگیری و سازگاری موفق، «روش الگویی» است. از آن‌جا که نماز و نیایش با خدا، یک عمل عبادی که متشکل از رفتارهایی قابل مشاهده است، نقش الگویی والدین در آشناکردن فرزندان با نماز و نهادینه کردن آن بسیار تأثیرگذار می‌باشد.

به طور قطع، نمازخواندن یا نخواندن والدین و اعضای خانواده، نوع نگاه، ارزش‌گذاری و چگونگی اهتمام آنان به نماز و حتی نوع برخورد آنان با افراد نمازخوان، برای فرزندان اهمیت دارد و در بینش، نگرش و اقدام آنان نسبت به نماز تأثیر می‌گذارد. تحقیقات مختلفی که درباره میزان پای‌بندی به نماز در ایران انجام شده، همین نظر را تأیید می‌کند.<sup>۱</sup>

بر این باور، والدین وظیفه سنگینی در زمینه نماز فرزندان بر عهده دارند؛ زیرا آن‌ها مهم‌ترین الگوی تربیتی کودک‌شان هستند.

در ادامه، راه‌کارهای بهبود و تقویت این نقش را به اختصار بررسی می‌کنیم.

## راه‌کارهای صحیح و تقویت نقش الگویی خانواده

### ۱. پایبندی والدین به نماز

معروف است که «کودکان ما همان می‌شوند که هستیم، نه آن‌که می‌خواهیم». این جمله

۱. ر.ک: محمد داودی، نقش معلم در تربیت دینی، ص ۱۹۵-۱۹۸.

بیانگر واقعیتی تربیتی است که توجه به آن می‌تواند بسیاری از مشکلات تربیتی را حل کند؛ در دوران کودکی، فرزندان فقط از ظاهر رفتار پیروی می‌کنند؛ اما در دوره دوم، به سبب رشد توانایی شناخت، به منطق رفتار والدین نیز پی می‌برند و اعتقادات و انگیزه‌های پنهان رفتار والدین را نیز درک می‌کنند. به همین جهت، در این دوره به الگوگیری از باطن رفتار و گفتار والدین می‌پردازند و به ظاهر آن‌ها بسنده نمی‌کنند. این مطلب در مورد نماز نیز صادق است. کودک در ابتدا فقط نماز خواندن والدین را تقلید می‌کند؛ اما به تدریج که توانایی شناخت او رشد می‌کند، میزان ارزش‌گذاری والدین به نماز و نیز میزان اهتمام و حالات قلبی والدین در نماز را درک و آن‌ها را الگوی خود قرار می‌دهد.

### داستان آموزنده

روزی از سهل شوشتی که اهل کرامت بود، پرسیدند: چگونه به این مقام رسیدی؟ پاسخ داد: من در کودکی نزد دایی‌ام زندگی می‌کردم، وقتی هفت ساله بودم، نیمه شبی از خواب برای قضای حاجت بیدار شدم. وقتی که برگشتم بخوابم، دایی‌ام را دیدم که رو به قبله نشسته و عبایی به دوش کشیده، عمامه‌ای دور سرش پیچیده و مشغول نماز خواندن است. از حالت او خوشم آمد، کنارش نشستم تا نمازش تمام شد. آن‌گاه از من پرسید:

پسر چرا نشسته‌ای؟ برو بخواب!

گفتم: از کار شما خوشم آمده و می‌خواهم پهلوی شما بنشینم. گفت: نه، برو بخواب. رفتم و خوابیدم. شب بعد نیز این ماجرا تکرار شد و دایی‌ام به من گفت: برو بخواب. گفتم: دوست دارم هر آنچه شما می‌گویید من هم تکرار کنم. دایی‌ام مرا رو به قبله نشانید و گفت: یک مرتبه بگو: یا حاضر و یا ناظر، من هم تکرار کردم. سپس گفت: برای امشب کافی است، حالا برو بخواب. این کار چند شب تکرار شد و هر شب عبارت یا حاضر و یا ناظر را چند بار تکرار می‌کردم. کم‌کم وضوگرفتن را هم آموختم و پس از آن‌که وضو می‌گرفتم، هفت مرتبه می‌گفتم: یا حاضر و یا ناظر. بالأخره کار به جایی رسید که من بدون این‌که نزد دایی‌ام بروم، خودم قبل از اذان صبح بیدار می‌شدم و پس از نماز تسبیح به دست می‌گرفتم و پیوسته آن اذکار را تکرار می‌کردم و از این کار بی‌نهایت لذت

می‌بردم. اکنون رسیدن به این مقام را از لطف رفتار دایمی‌ام در آن دوران حساس زندگی می‌دانم.<sup>۱</sup>

## ۲. محبویت والدین

برخی از ویژگی‌های والدین در تقویت یا تضعیف الگوپذیری فرزندان تأثیر به‌سزایی دارد. از جمله این ویژگی‌ها می‌توان مقبولیت را نام برد. گرچه فرزندان - به‌خصوص در سنین کودکی - والدین خود را قبول دارند و به‌صورت طبیعی آنان را الگوی خود قرار می‌دهند، اما ممکن است با بالا رفتن سن فرزندان نظر آنان درباره والدین تغییر کرده و آنان را مقبول ندانند.

اگر بخواهیم این مقبولیت حفظ و تقویت شود، لازم است دو ویژگی در والدین ایجاد و تقویت شود: تخصص و اعتماد. منظور از تخصص، آگاهی کافی والدین درباره آموزه‌های دینی، به‌ویژه نماز است. منظور از اعتماد این است که فرزندان بدانند والدین در توصیه‌ها و خواسته‌های دینی خود، فقط رضایت خدا و دستورات دینی را مد نظر دارند، نه منافع شخصی و خانوادگی و غیره را. والدینی که هم آگاهی کافی از مسائل و آموزه‌های دینی دارند، هم به آنچه می‌دانند، معتقد و پای‌بند هستند، مطمئناً در مسائل دینی نیز مقبول و الگوی فرزندان واقع می‌شوند.<sup>۲</sup>

## ۳. هماهنگی رفتار والدین

یکی از شرایط ضروری برای موفقیت والدین در ایفای نقش الگویی، هماهنگی رفتار آن‌هاست. هرگونه ناهماهنگی میان رفتار والدین به‌شدت از تأثیرگذاری الگویی والدین جلوگیری می‌کند؛ زیرا فرزند بدان سبب که رفتار یک‌دست و هماهنگی را مشاهده نمی‌کند، متحیر می‌ماند و نمی‌داند رفتار کدامیک از والدین را الگو قرار دهد. آیا باید نماز را با شرایط کامل بخواند یا مختصر؟ به آن اهمیت بدهد یا ندهد؟ همین سرگردانی موجب وقفه در الگوگیری می‌شود.

۱. اصغر محمدی همدانی، توشه‌ای از خرم‌ن نماز، ص ۱۲۵.

۲. ر.ک: محمد داودی، نقش معلم در تربیت دینی، ص ۱۷۶.

**۴. استمرار رفتارها**

آموزش نماز به فرزندان در خانواده زمان فراوانی را به خود اختصاص می‌دهد و از تولد تا حدود هفده یا هیجده سالگی طول می‌کشد. در طول این دوره یا دست‌کم تا زمانی که آموزش کامل شود و این رفتار در فرزند نهادینه شود، باید رفتار الگوها یعنی پدر و مادر تداوم یابد. قرآن نیز می‌فرماید:

«وَأْمُرْ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ وَاصْطَبِرْ عَلَيْهَا؛<sup>۱</sup> خانواده خود را به نماز امر کن و

خود (نیز) با همه نیرو بر (مراعات) آن شکیبایی کن.»

**ج) نقش آموزشی**

یکی از نقش‌های والدین در ترغیب فرزندان به نماز، نقش آموزشی است. در روایات نیز بر آموزش نماز به فرزندان از جانب والدین تأکید شده است. علی علیه السلام می‌فرماید:

«عَلِّمُوا صِبْيَانَكُمْ الصَّلَاةَ ...»<sup>۲</sup>؛ به فرزندان خود نماز بیاموزید ...»

ضرورت دارد والدین به نقش آموزشی خود توجه جدی داشته باشند و خود را برای ایفای مؤثر آن آماده کنند. ایفای موفق نقش آموزشی والدین مستلزم آشنایی آنان با راهکارها و موانع ایفای نقش است.

در راستای موفقیت این نقش، باید موانع ایفای نقش آموزشی والدین همانند: پایین بودن اطلاعات دینی والدین؛ نداشتن مهارت کافی؛ مشغله زیاد والدین؛ ... و دیگر موانع را شناخت و برای اصلاح و رفع آن‌ها کوشید.

**د) نقش نظارتی و مراقبتی**

نظارت و مراقبت یکی از ضروریات فعالیت تربیتی است و بدون آن نمی‌توان به سرانجام رسیدن فعالیت‌های تربیتی امید داشت؛ زیرا غیر از والدین، عوامل دیگری هم بر نگرش‌ها و رفتارهای فرزند مؤثر هستند و همان‌ها ممکن است تلاش‌های والدین را کم‌اثر و پس از مدتی ممکن است فرزند رفتار آموخته‌شده را رها کرده یا حتی با آن به

۱. طه، آیه ۱۳۲.

۲. شیخ صدوق، خصال، ج ۲، ص ۶۲۷.

ستیزه برخیزد. این جاست که والدین متوجه می‌شوند که در اثر عواملی که از نظر آنان مخفی مانده، تمام زحمات آنان برباد رفته است. از این رو باید با آگاهی کامل و روش‌های نظارت، به مراقبت از فرزندان در راستای تربیت صحیح دینی همت گمارند. دستاورد این‌گونه تربیت آن است که فرزند به خودکنترلی خواهد رسید و از گناه دوری و به انجام فرائض دینی، مقید می‌گردد. نمونه‌ای از این نوع رفتارها در حالات شهید بابایی نقل شده است.

### شهید بابایی و نماز

زمانی که به آمریکا اعزام شد، اخلاق اسلامی که از کودکی از والدین خود آموخته بود، موجب شد تا از مظاهر بی‌بندوبار دنیای غرب فراری باشد. هم‌اتاقی آمریکایی‌اش گزارش او را به مقامات بالاتر داده بود و نوشته بود که او یک شخصیت منزوی و احتمالاً دارای اختلالات روانی است. خودش را از زنان دور می‌کند و با فرهنگ غربی مشکل دارد. به‌خصوص اشاره کرده بود که عباس شب‌ها به گوشه‌ای می‌رود و با خودش زمزمه می‌کند و گاهی اشک می‌ریزد!

همین گزارش‌ها برای عباس بابایی در دسر ایجاد کرد. به‌خصوص که وقتی دانشجویان هم‌دوره‌اش مدرک خلبانی خودشان را دریافت کردند، مدرک او صادر نشد و مسئولان او را احضار کردند.

شهید بابایی خودش این ماجرا را چنین تعریف کرده است: «روزی به دفتر مسئول دانشکده، که یک ژنرال آمریکایی بود، احضار شدم. به اتاقش رفتم و احترام گذاشتم. او از من خواست که بنشینم. پرونده من جلوی او، روی میز بود. ژنرال آخرین فردی بود که می‌بایستی نسبت به قبول و یا رد شدنم اظهار نظر می‌کرد.

او پرسش‌هایی کرد که من پاسخ‌اش را دادم. از سؤال‌های ژنرال برمی‌آمد که نظر خوشی نسبت به من ندارد... در این هنگام در اتاق به صدا درآمد و شخصی اجازه خواست تا داخل شود. او از ژنرال خواست تا برای کار مهمی به خارج از اتاق برود.

با رفتن ژنرال، من لحظاتی را در اتاق تنها ماندم. به ساعت نگاه کردم، وقت نماز ظهر بود. با خود گفتم: کاش در این جا نبودم و می‌توانستم نماز را اول وقت بخوانم. انتظارم برای آمدن ژنرال طولانی شد. گفتم که هیچ‌کار مهمی بالاتر از نماز نیست، همین‌جا

نماز را می‌خوانم. این‌شاءالله تا نمازم تمام شود، او نخواهد آمد. به گوشه‌ای از اتاق رفتم و روزنامه‌ای را به زمین انداختم و مشغول نماز شدم. در حال خواندن نماز بودم که متوجه شدم ژنرال وارد اتاق شده است. با خود گفتم چه کنم؟ نماز را ادامه بدهم یا بشکنم؟ بالأخره گفتم، نمازم را ادامه می‌دهم، هرچه خدا بخواهد همان خواهد شد. سرانجام نماز را تمام کردم و در حالی که بر روی صندلی می‌نشستم، از ژنرال معذرت‌خواهی کردم. ژنرال پس از چند لحظه سکوت نگاه معناداری به من کرد و گفت: چه می‌کردی؟

گفتم: عبادت می‌کردم. گفت: بیش‌تر توضیح بده.

گفتم: در دین ما دستور بر این است که در ساعت‌های معینی از شبانه‌روز باید با خداوند به نیایش پردازیم و در این ساعت زمان آن فرا رسیده بود، من هم از نبودن شما در اتاق استفاده کردم و این واجب دینی را انجام دادم.

ژنرال با توضیحات من سری تکان داد و گفت: همه این مطالبی که در پرونده‌ی تو آمده، مثل این‌که راجع به همین کارهاست. این‌طور نیست؟

پاسخ دادم: آری، همین‌طور است. او لبخندی زد و با چهره‌ای بشاش، پرونده‌ام را امضا کرد. سپس با حالتی احترام‌آمیز از جا برخاست و دستش را به سوی من دراز کرد و گفت: به شما تبریک می‌گویم. شما قبول شدید. برای شما آرزوی موفقیت دارم.<sup>۱</sup>

### روش نظارت و مراقبت

پس از روشن شدن ضرورت مراقبت و نظارت و صلاحیت‌های لازم برای آن، اکنون باید به روش نظارت پردازیم که عبارتند از:

#### ۱. تغافل

اولین اقدام در نظارت و مراقبت «تغافل» است. هنگامی که متوجه خطایی می‌شویم، در بسیاری از موارد لازم نیست آن را یادآور شویم؛ بلکه باید وانمود کنیم چیزی نمی‌دانیم. تغافل، یک فضیلت اخلاقی بزرگ است؛ امیرمؤمنان علیه السلام می‌فرماید:

۱. ن. ک: سازمان عقیدتی سیاسی ارتش، پرواز تایی نهایت، ص ۴۲.



«یکی از با ارزش‌ترین کارهای انسان بزرگوار تغافل از چیزهایی است که از آن آگاه است.»<sup>۱</sup>

## ۲. تذکر

دومین اقدام در راستای نظارت و مراقبت، یادآوری است. یعنی گفتار و یا رفتاری که از مرئی [و والدین] سر می‌زند تا مرتبی را نسبت به آنچه از یاد برده، یا از آن بی‌خبر است و اطلاع از آن برای او لازم می‌باشد، آگاه سازد و احساسات او را در قبال آن‌ها برانگیزد.<sup>۲</sup>

## ۳. تشویق و تنبیه

در اعمال نظارت به هیچ وجه از روش تشویق و تنبیه بی‌نیاز نیستیم؛ چراکه در تعلیم و تربیت، تشویق و تنبیه به منزله دو بال هستند که با آن‌ها، مرتبی به پرواز در می‌آید. در این باره نوع رفتار امام خمینی علیه السلام با نوه‌اش به هنگام نماز آموزنده است. یکی از نوه‌های امام می‌گوید: وقتی بچه بودم، یک بار که امام مشغول نماز خواندن بود، من هم رفتم پشت سر ایشان ایستادم و همان کارهایی را که ایشان انجام می‌دادند، من هم تکرار می‌کردم. [پس از اتمام نماز] امام چند جلد کتاب کودکان [به عنوان هدیه] به من دادند. بعدها هر موقع من به اتاق امام می‌رفتم، یا ایشان مرا می‌دید، از من می‌پرسید [آیا نمازت را خوانده‌ای یا نه؟] اگر می‌گفتم بله، می‌گفتند: آفرین.<sup>۳</sup>

۱. صبحی صالح، نهج البلاغه، ص ۵۰۷.

۲. محمد رضا قائمی مقدم، روش‌های تربیتی در قرآن، ج ۱، ص ۴۳.

۳. ن. ک: نشریه طوبی، بهمن ۱۳۸۶، ش ۲۶، ص ۵۶.



## راهکارهای پرهیز از مصرف‌گرایی و اسراف

حجت‌الاسلام والمسلمین عبدالکریم پاک‌نیا تبریزی\*

### درآمد

ضرورت پرداختن به موضوع اسراف و بیان راهکارهای پرهیز از آن، از دو جهت است: اولاً، پرهیز از مصرف‌گرایی و اسراف، از ضروریات جامعه ماست. ثانیاً، رواج فرهنگ اسراف و ریخت‌وپاش، از ابزارهای غارتگران جهانی برای تسلط بر ملت‌های دیگر است. آنان با رواج این اندیشه، علاوه بر نابودی بنیان‌های اقتصاد یک کشور و اتلاف منابع، در صدد بازاریابی کالاهای تجملاتی خود می‌باشند. در این نوشتار، می‌کوشیم ضمن بیان مفهوم اسراف و حکم آن، راهکارهای جلوگیری و پرهیز از آن را تبیین نماییم.

### مفهوم‌شناسی

واژه «اسراف» در قرآن به معنای زیاده‌روی و خروج از حد اعتدال در خوردن و آشامیدن<sup>۱</sup>، امور جنسی<sup>۲</sup>، امور مالی<sup>۳</sup> و... استعمال شده، «تبذیر»، از کلمه «بذر» مشتق

---

\* استاد سطح عالی حوزه علمیه قم و از مبلغان نخبه دفتر تبلیغات اسلامی.

۱. اعراف، آیه ۳۱.

۲. همان، آیه ۸۱.

۳. فرقان، آیه ۶۷.

شده و «بذر» در لغت به معنای «پاشیدن» است.<sup>۱</sup> اسراف و تبذیر، گرچه از جهت مفهوم متفاوت اند، اما مصادیق و کاربرد این دو مفهوم، درباره امور مالی مساوی هستند.

### حکم اسراف

فقها بر اساس پنج دلیل به حرمت اسراف فتوا داده‌اند. این دلایل عبارت‌اند از:  
 ۱. ضرورت دین؛ ۲. اجماع فقها؛ ۳. دلیل عقل؛ ۴. آیات؛ ۵. روایات.<sup>۲</sup>  
 خداوند می‌فرماید:

«وَ أَنْ الْمُسْرِفِينَ هُمْ أَصْحَابُ النَّارِ»<sup>۳</sup> اسراف کنندگان، اهل آتش‌اند.»

امام خمینی علیه السلام فرمود:

«باید تمام ادارات... از تجمل‌پرستی و اسراف و کاغذبازی بپرهیزند.»<sup>۴</sup>

مقام معظم رهبری نیز فرمود:

«ما مردم مسرفی هستیم؛ ما اسراف می‌کنیم؛ اسراف در آب، اسراف در نان، اسراف در وسایل گوناگون و تنقلات، اسراف در بنزین؛ کشوری که تولیدکننده نفت است، واردکننده فرآورده نفت است! این، تعجب‌آور نیست؟ هر سال میلیاردها بدهیم بنزین وارد کنیم یا چیزهای دیگری وارد کنیم؛ برای این‌که بخشی از جمعیت و ملت ما، دلشان می‌خواهد ریخت‌وپاش کنند! این را باید ما به صورت یک فرهنگ ملی در بیاوریم.»<sup>۵</sup>

### عوامل اسراف

در شکل‌گیری اسراف، عوامل متعددی تأثیر دارند؛ از جمله: ضعف باورهای دینی، کمبود شخصیت، ناآگاهی، طغیان و خودبزرگ‌بینی، ثروت‌های بادآورده، احساس

۱. احمد فیومی، المصباح المنیر، ج ۲، ص ۴۰.

۲. فصلنامه فقه اهل بیت (فارسی)، ش ۲۹، ص ۱۶۲.

۳. غافر، آیه ۴۳.

۴. امام خمینی، صحیفه امام، ج ۶، ص ۲۶۶.

۵. پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار مقام معظم رهبری، خطبه‌های نماز عید سعید فطر، ۲۱ مهرماه ۱۳۸۶.

بی‌نیازی، فساد اخلاقی، واگذاری مدیریت به افراد غیرمتخصص، تربیت مسرفانه در خانواده، عرضه نامرغوب اجناس، ارزان‌بودن بهای انرژی و سرمایه‌های ملی.

### راهکارهای پرهیز از اسراف

در این بخش، به بیان راهکارهای پرهیز و جلوگیری از اسراف می‌پردازیم:

#### الف. آشنایی با پیامدهای زیان‌بار اسراف

انسان تا زمانی که به مفاسد و نتایج زیان‌بار اسراف آگاه نشود، هرگز از آن دوری نخواهد کرد. به این جهت، برای فاصله‌گرفتن از مصرف‌گرایی باید با پیامدهای زیان‌بار آن آشنا شد.

#### ۱. نابودی منابع مادی و معنوی

اسراف، موجب نابودی منابع مالی و اقتصادی و ضایع کردن نعمت‌ها گردیده، محرومیت از برکات الهی و فقر را در پی دارد. علی علیه السلام فرمود:

«الْإِسْرَافُ يُفْنِي الْجَزِيلَ»<sup>۱</sup> اسراف، نعمت‌های فراوان را نابود می‌کند.»

بدیهی است که اگر از اسراف جلوگیری نشود، هرگز ثروت‌های کلان و درآمدهای فراوان نمی‌تواند پایدار بماند. طریق عقلانی آن است که اول اسراف و تبذیر از جامعه اسلامی ریشه‌کن شود و سپس برنامه‌های دیگر اقتصادی سامان یابد.

ما در این انبار گندم می‌کنیم گندم جمع‌آمده گم می‌کنیم  
می‌نپندیشیم آخر ما به هوش کین خلل در گندم است از مکر موش  
موش تا انبار ما حفره زده‌ست وز فنش انبار ما ویران شده‌ست  
اول ای جان دفع شرّ موش کن وانگه اندر جمع گندم کوش کن<sup>۲</sup>

#### ۲. ارتکاب گناه

هواپرستی، خودنمایی و فخرفروشی و ارتکاب گناهان، از آثار اسراف است. اگر فردی

۱. علی بن محمد لیلی واسطی، عیون الحکم والمواعظ، ص ۳۹.

۲. جلال‌الدین محمد مولوی، مثنوی معنوی، دفتر اول، ص ۲۱، بیت ۳۷۷.

به ارزش‌های اخلاقی آراسته باشد و از گناهان بپرهیزد، هرگز دچار اسراف نخواهد شد؛ زیرا امام باقر علیه السلام فرمود:

«المُسْرِفُونَ هُمُ الَّذِينَ يَسْتَحِلُّونَ الْمَحَارِمَ»<sup>۱</sup> اسراف‌کنندگان، کسانی

هستند که ارتکاب گناهان را جایز می‌شمارند.»

### ۳. نابودی زمینه رشد و هدایت

از آن‌جا که گناهان کبیره و از جمله اسراف‌گرایی، زمینه هدایت را در انسان از بین می‌برد و مانع از تقویت ایمان می‌شود، قرآن می‌فرماید:

«إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي مَنْ هُوَ مُسْرِفٌ كَذَّابٌ»<sup>۲</sup> خداوند کسی را که اسراف‌کار و

بسیار دروغ‌گوست، هدایت نمی‌کند.»

### ۴. خشم خداوند

امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

«إِنَّ الْقَصْدَ أَمْرٌ يُحِبُّهُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ وَإِنَّ السَّرْفَ أَمْرٌ يُبْغِضُهُ اللَّهُ

حَتَّى طَرَحَكَ النَّوَاةَ فَإِنَّهَا تَصْلُحُ لِلشَّيْءِ وَحَتَّى صَبَبَكَ فَضَلَ

شَرَابِكَ»<sup>۳</sup> به یقین، خداوند میانه‌روی را دوست و اسراف را دشمن می‌دارد؛

حتی دورانداختن هسته خرما؛ زیرا آن هم به کار می‌آید نیز دورریختن اضافه

نوشیدنی.»<sup>۴</sup>

البته اسراف، پیامدهای زیان‌باری دیگری نیز دارد که در آیات و روایات به آن اشاره شده و باید در فرصت دیگر به آن پرداخته شود؛ مانند محرومیت از رزق و اجابت نشدن دعا.

۱. ملا محسن فیض کاشانی، تفسیر الصافی، ج ۲، ص ۳۱، ذیل آیه ۳۳ سوره مانده.

۲. غافر، آیه ۲۸.

۳. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۴، ص ۵۲.

۴. امروزه با پیشرفت علم، این کلام نورانی امام صادق بیش‌تر جلوه می‌کند؛ چراکه امروزه ثابت شده هسته خرما فواید بسیاری دارد و سرشار از خواص درمانی است. جوشانده هسته خرما، برای درمان سنگ کلیه و مثانه مفید است و پودر آن اسهال مزمن را درمان کرده، خاصیت ضد عفونی دارد.

## ب. تقویت ایمان و ارزش‌های اخلاقی

تقویت ایمان و ارزش‌های اخلاقی همچون: ساده‌زیستی، زهد، قناعت و میانه‌روی می‌تواند نقش مؤثری در دوری از اسراف داشته باشد. برعکس، هنگامی که پایه‌های ایمان متزلزل گردد، صفات رذیله بی‌شماری همانند اسراف و تبذیر به سراغ انسان می‌آید. برای تقویت ایمان و تعمیق ارزش‌های اخلاقی، می‌توان از روش‌های بسیاری بهره‌گرفت که در ذیل به چند مورد اشاره می‌کنیم:

### ۱. یاد خدا و انجام واجبات و مستحبات

التزام به انجام وظایف شرعی و مستحبات هرچند کوچک، در افزایش و ثبات ایمان تأثیر ژرفی دارد. ذکر و توجه به فرامین الهی باعث می‌شود که همواره به یاد خدا باشیم. قرآن فرموده است:

«وَمَنْ يَغْتَسِبْ عَنِ ذِكْرِ الرَّحْمَنِ نُقِيبُ لَهُ شَيْطَانًا فَهُوَ لَهُ قَرِينٌ»<sup>۱</sup>

هرکس از یاد خدا روی‌گردان شود، شیطان را به سراغ او می‌فرستیم. پس همواره همشین اوست.»

### ۲. اندیشیدن و کسب معرفت بیش‌تر

برای ایمان بیش‌تر باید در آیات الهی تدبیر و اندیشه‌نماییم. به تجربه ثابت شده که بیش‌تر مشکلات فردی و اجتماعی، به دلیل عدم تعقل می‌باشد. فکر و اندیشه در آیات الهی، نه تنها ایمان انسان را تقویت می‌کند، بلکه مسیر او را از جهنم به بهشت تغییر می‌دهد. قرآن می‌فرماید:

«وَ قَالُوا لَوْ كُنَّا نَسْمَعُ أَوْ نَعْقِلُ مَا كُنَّا فِي أَصْحَابِ السَّعِيرِ»<sup>۲</sup>

و اهل جهنم می‌گویند: اگر ما گوش شنوا داشتیم یا تعقل می‌کردیم، در میان دوزخیان نبودیم.»

۱. زخرف، آیه ۳۶.

۲. ملک، آیه ۱۰.

### ۳. خودسازی

خودسازی، در تقویت ایمان و رسوخ ارزش‌های الهی در دل انسان، نقش مؤثری دارد؛ چراکه ایمان، نوری است که در آینه قلب می‌تابد و هرچه آینه قلب صاف‌تر و شفاف‌تر باشد، انعکاس نور ایمان توسط آن بهتر انجام می‌پذیرد. اگر قلبی آلوده به گناه شود و آینه دل را تیره کند، به طور طبیعی، تابش نور ایمان در چنین قلبی کم می‌شود. بنابراین، دوری از گناهان و حرکت در مسیر مستقیم اسلام، از دیگر عوامل تقویت ایمان است.

### ج. نظارت همگانی

نظارت همگانی و یا به اصطلاح امر به معروف و نهی از منکر، از کارآمدترین شیوه‌های مقابله با اسراف است. از دیدگاه قرآن و اهل بیت علیهم‌السلام، احیای امر به معروف و نهی از منکر، مهم‌تر از سایر ارزش‌هاست؛ چون این دو فریضه، عامل بسیار قدرتمندی در مقابل زشتی‌ها و منکراتی همچون اسراف است و جامعه‌ای که به آن دو واجب الهی عمل کند، مطمئناً از انحراف‌ها در امان خواهد بود. علی علیه‌السلام می‌فرماید:

«وَمَا أَعْمَالُ الْبِرِّ كُلُّهَا وَالْجِهَادُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ عِنْدَ الْأَمْرِ  
بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّهْيِ عَنِ الْمُنْكَرِ إِلَّا كَنْفَتَةٌ فِي بَحْرِ لُجِّي»<sup>۱</sup> تمام  
کارهای نیک و جهاد در راه خدا، در مقابل امر به معروف و نهی از منکر،  
همچون قطره‌ای در مقابل دریای موج و پهناور است.»

از این رو، امام به کارگزاران خود نوشت:

«أَدِّقُوا أَفْئَامَكُمْ وَقَارِبُوا بَيْنَ سَطُورِكُمْ وَاحْذِرُوا عَنِّي فُضُولَكُمْ  
وَأَقْصِدُوا قَصْدَ الْمَعَانِي وَإِيَّاكُمْ وَالْإِكْتَارَ فَإِنَّ أَمْوَالَ الْمُسْلِمِينَ لَا  
تَحْتَمِلُ الْإِضْرَارَ»<sup>۲</sup> قلم‌های خود را ریز بتراشید و فاصله سطرها را کم‌تر کنید  
و جملات اضافی را حذف کنید و اصل مطلب را به صورت مختصر بنویسید.

۱. صبحی صالح، نهج البلاغه، ص ۵۴۲، حکمت ۳۷۴.

۲. شیخ صدوق، الخصال، ج ۱، ص ۳۱۰.



از زیاده‌روی در هزینه‌نمودن بیت‌المال پرهیزید که بودجه ملت مسلمان، نباید  
زیانی ببیند.»

امام علیه‌السلام در نامه‌ای، یکی از مدیران خود را به دلیل اسراف و تعدی به بیت‌المال، توبیخ  
می‌کند و می‌فرماید:

«صادقانه به خداوند سوگند یاد می‌کنم، اگر به من گزارش رسد که از  
بیت‌المال مسلمانان چیزی کم یا زیاد، به خیانت برداشته‌ای، آن‌چنان بر تو  
سخت می‌گیرم که در زندگی تو را کم‌بهره، سنگین‌بار و حقیر و ذلیل سازد.»<sup>۱</sup>  
جای تأسف است که سیره و سخن اهل بیت علیهم‌السلام را نادیده می‌گیریم و در این زمان که  
فشار اقتصادی بر قشر ضعیف وارد می‌شود، شاهد هستیم که مراسم و جشنواره‌های  
آن‌چنانی از سوی مراکز دولتی برگزار می‌گردد؛ مراسمی که به هیچ‌عنوان در شأن نظام  
اسلامی نیست. متأسفانه، در برخی خانواده‌های مدعی ایمان نیز نظاره‌گر اسراف و تبذیر  
می‌باشیم.

#### د. توجه به نقش خانواده

خانواده، تأثیر بسیار مهمی بر پرورش شخصیت و عملکرد فردی و اجتماعی انسان دارد.  
چنانچه والدین اهل اسراف و تبذیر باشند، خواه‌ناخواه این روحیه به فرزندان منتقل  
می‌شود. فرزندان که در خانواده‌ای اسراف‌کار بزرگ شده‌اند، ناخواسته به اسراف‌عادت  
می‌کنند؛ مگر آن‌که تحت نظر مربیان شایسته‌ای تغییر رویه داده باشند. ائمه معصوم علیهم‌السلام  
دوستان و اعضای خانواده‌شان را به صرفه‌جویی و استفاده بهینه از امکانات ترغیب کرده،  
همواره از اسراف منع می‌نمودند. علامه مجلسی در ضمن حدیثی نقل می‌کند: امام  
رضا علیه‌السلام روزی متوجه شد که بعضی از وابستگان ایشان میوه نیم‌خورده‌ای را دور  
انداخته‌اند. با ناراحتی فرمود:

«اگر شما خود سیر هستید، قطعاً بسیاری از مردم به آن نیاز دارند. آن را به کسی  
بخورانید که نیازمند است.»<sup>۲</sup>

۱. صبحی صالح، نهج البلاغه، ص ۳۷۷.

۲. محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۴۹، ص ۱۰۲.

### ه. دوری خواص از زندگی اشرافی

یکی دیگر از راه‌های برون‌رفت از اسراف، دوری خواص و شخصیت‌های مهم جامعه از زندگی اشرافی و تجملی است؛ زیرا شیوه زندگی آنان، بر دیگران تأثیر می‌گذارد. از این رو، علی علیه السلام حاکمان اسلامی را به ساده‌زیستی سفارش نمود:

«خداوند بر رهبران عدالت واجب کرده که زندگی خود را با اقشار پایین

همسان سازند؛ برای آن‌که فقر و تهیدستی بر فقیران دشوار نیاید.»<sup>۱</sup>

از منظر امام علیه السلام زمامداران اسلامی باید مانند طبقات پایین جامعه زندگی کنند تا بتوانند مشکل آن‌ها را درک نمایند. در زندگی کارگزاران حکومتی، نباید اسراف و تبذیر دیده شود؛ همان‌طور که سیره حضرتش چنین بود.

### سبک زندگی امام خمینی علیه السلام

یکی از همراهان امام می‌گوید:

«مرحوم حاج آقا مصطفی، فرزند امام، هفته‌به‌هفته خدمت پدر می‌آمد و خرج هفته‌اش را می‌گرفت. امام به هیچ وجه، بیش از مخارج ضروری زندگی به او نمی‌داد. هنگامی که حاج آقا مصطفی خواست به مکه مشرف شود، از پول خانه‌ای که در قم فروخته بود و نیز مبلغی که به همسرش تعلق داشت، استفاده کرد.»<sup>۲</sup>

### و. معرفی الگوهای صرفه‌جویی و قناعت

راهکار دیگر برای پرهیز از اسراف، معرفی الگوهای صرفه‌جویی و قناعت، همچون معصومان علیهم السلام و بزرگان دینی است. آنان به ما می‌آموزند که چگونه زندگی نماییم و چگونه از هرگونه اسراف و تبذیر اجتناب ورزیم. هم‌چنین می‌توانیم شخصیت‌های بزرگی را که به‌وسیله قناعت و دوری از اسراف، به مقامات بلندی رسیده‌اند، به مردم معرفی کنیم.

۱. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۴۱۱، ح ۳.

۲. رضا مختاری، سیمای فرزندانگان، ص ۴۲۲.

### ز. اصلاح معیارهای رقابت

برای حل معضل اسراف، باید رقابت‌های سالم را به مردم آموزش داد و نگرش رقابت‌های اسراف‌گرایانه را اصلاح کرد. مسابقه در کارهای خیر، یکی از عوامل رشد بشر است و در مقابل، مسابقه در امور منفی مانند اسراف، موجب انحطاط روحی و اخلاقی است؛ چنان‌که قرآن مجید ما را به مسابقه در کارهای خیر سفارش می‌نماید: «فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ؛ در نیکی‌ها و اعمال خیر، بر یکدیگر سبقت جوید.»

رقابت در اسراف را باید به رقابت در صرفه‌جویی تبدیل کرد و در این خصوص، صدا و سیما نقش بسیار مهمی دارد. برنامه‌های صدا و سیما باید از تبلیغ مصرف‌گرایی تهی باشد و در عمل، به ترویج ارزش‌ها و ایجاد روحیه مسابقه در نیکی‌ها بینجامد.

### ح. اصلاح الگوی مصرف

اگر بخواهیم در زمینه اقتصاد مقاومتی موفق باشیم، تغییر فکر و نگاه و اصلاح الگوی مصرف لازم است. در این مورد باید، انگیزه‌ها، اندیشه‌های غلط، عادت‌ها و سنت‌های غیرشرعی، قوانین و مقررات دست‌وپاگیر، ساختارهای اجرایی نامناسب و نیز روش‌های آموزشی، با رویکرد سبک زندگی اسلامی اصلاح و بازنگری شوند. شیوه حضرت صادق علیه السلام در این زمینه، بهترین الگوی است.

امام صادق علیه السلام همواره در پی اصلاح الگوی مصرف و تغییر اندیشه‌ها به سوی صرفه‌جویی بود. حضرت به ابان بن تغلب فرمود:

«آیا گمان می‌کنی خدا به کسی که مال داده، به سبب احترام اوست، یا به کسی که نداده، به واسطه پستی اوست؛ نه چنین است؛ بلکه مال، مال خداست که آن را به عنوان امانت نزد شخص قرار می‌دهد و اذن داده که بر اساس میانه‌روی از آن بخورد و بیاشامد و لباس بپوشد و ازدواج کند و بر مرکب سوار شود و زیادتی آن مال را به فقرا برساند و رفع احتیاجشان کند. پس هرکس به این دستور رفتار کند، آنچه را خورده و آشامیده و پوشیده و سوار شده و نکاح نموده، همگی بر او حلال است و اگر چنین نکرده، تمام آن‌ها بر او حرام است. پس آیه شریفه را خواند که: «لَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ»

اسراف نکنید؛ زیرا خداوند اسراف‌کنندگان را دوست نمی‌دارد.»<sup>۱</sup>

## روش‌های دیگر

از دیگر راهکارهای مقابله با اسراف، می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: تقویت عزت نفس، آگاهی دادن به مردم در زمینه پیامدهای اسراف، علاج خودبزرگ‌بینی، تعدیل ثروت‌های کلان از راه‌های شرعی و قانونی، مبارزه با فساد اخلاقی و اقتصادی و سیاسی، اصلاح قوانین غیرکارشناسی شده، واگذاری مدیریت به افراد متخصص و متعهد، اهمیت به جایگاه تربیت صحیح و معتدل در خانواده، عرضه صحیح سرمایه‌ها.<sup>۲</sup>

## نکته‌هایی درباره اسراف

### ۱. نه تبذیر، نه تقتیر

سبک زندگی اسلامی، بر اساس رعایت اعتدال و پرهیز از اسراف و تبذیر و تقتیر استوار است. تقتیر، یعنی کم‌خرج کردن که از روی بخل و خساست است.<sup>۳</sup> اسراف و تبذیر، یعنی هدر دادن مال، چه مال شخصی و چه اموال عمومی که هر دو مذموم است؛ با این تفاوت که در قبال اموال عمومی دولتی، باید پاسخگو بود و تبعات آن، سنگین‌تر از هدر دادن مال شخصی است؛ هرچند اسراف، همه جا ناپسند است.

۱. محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۷۲، ص ۳۰۵.

۲. به عنوان مثال، وقتی نان خوب عرضه نمی‌شود و یا قیمت آن از همه چیز پایین‌تر است، صدها میلیارد تومان در هر سال نان خشک و کپک‌زده دور ریخته می‌شود و به گاوداری‌ها سرازیر می‌گردد. بدیهی است که اگر نان خوب عرضه شود و قیمت آن تعدیل گردد و فرهنگ استفاده درست از این نعمت الهی تبلیغ شود، مطمئناً از اسراف و تبذیر جلوگیری می‌شود.

۳. در قرآن کریم بارها به این خصلت نازیبا اشاره شده است؛ از جمله آیه ۱۰۰ سوره اسراء می‌فرماید: «بگو: اگر شما مالک خزائن رحمت پروردگار من بودید، در آن صورت، از ترس انفاق و تنگدستی امساک می‌کردید و انسان، تنگ‌نظر است.»

امام صادق علیه السلام فرمود:

«اتَّقِ اللَّهَ وَلَا تُسْرِفْ وَلَا تَقْتَرْ وَلَكِنْ بَيْنَ ذَلِكَ قَوَامًا»<sup>۱</sup> از نافرمانی

خدا بپرهیز و اسراف (زیاده‌روی) نکن و تقتیر (تنگدستی) هم نکن و حد وسط را رعایت نما.

## ۲. متغیر بودن مفهوم اسراف

تحقق اسراف، ممکن است نسبت به اشخاص، زمان، مکان و جوامع مختلف، متفاوت باشد؛ زیرا امکان دارد صرف مقداری از مال برای معیشت، نسبت به شخصی اسراف نباشد؛ درحالی‌که اگر سال قحطی و فقر عمومی پیش آید، صرف چنین مقدار برای همین شخص، اسراف باشد و بر او واجب شود که به کم‌تر از آن قناعت کند و اضافه بر آن را به دیگران که نیازمندند، بدهد. امام صادق علیه السلام در این مورد فرمود:

«أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ كَانَ فِي زَمَانٍ مُقْفِرٍ جَدِبَ فَأَمَّا إِذَا أَقْبَلَتِ

الدُّنْيَا فَأَحَقُّ أَهْلِهَا بِهَا أُبْرَارُهَا لَا فُجَارُهَا وَمُؤْمِنُوهَا لَا مُنَافِقُوهَا

وَمُسْلِمُوهَا لَا كُفَّارُهَا»<sup>۲</sup> همانا رسول خدا در زمانی زندگی می‌کرد که

عموم مردم از نظر اقتصادی در تنگنا بودند و پیامبر خود را با آنان در زندگی

ساده و فقیرانه هماهنگ می‌نمود؛ اما اگر روزگاری وضع معیشتی مردم بهتر

شد، اهل ایمان و نیکان و خوبان روزگار به بهره‌گیری از آن سزاوارترند؛ نه

انسان‌های فاجر و منافق و کافر.»

## ۳. مقایسه مصرف داخلی با میانگین جهانی

ایران در مصرف سرانه روغن بالاتر از میانگین جهانی، در برنج چهاردهمین

مصرف‌کننده بزرگ جهان و در نان بزرگ‌ترین مصرف‌کننده جهان است، نیز مصرف

سرانه شکر در ایران، سه کیلوگرم بالاتر از میانگین جهانی است.<sup>۳</sup>

۱. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۳، ص ۵۰۱.

۲. همان، ج ۵، ص ۶۵.

۳. پایگاه خبرگزاری فارس، ۲۱ فروردین ۱۳۸۸.

ضایعات محصولات ایران، هفت برابر ضایعات استاندارد بین‌المللی است.<sup>۱</sup> ایران در اسراف انرژی در میان کشورهای جهان، صاحب رتبه نخست است و سالانه میانگین هدر رفت انرژی در ایران، بالغ بر هشت میلیارد دلار است.<sup>۲</sup> البته اسراف، علاوه بر اتلاف منابع، عواقب جسمانی نیز در پی دارد؛ مثلاً مردم ایران سه برابر بیش‌تر از دیگر مردم جهان، نوشیدنی شیرین مصرف می‌کنند. وجود شکر و فسفر در نوشیدنی‌های شیرین، عامل بروز پوکی استخوان است.<sup>۳</sup>

### سفیر چین و جلوگیری از اسراف

«سال‌ها پیش در یک ضیافت شام که سفیران بسیاری از کشورها حضور داشتند، هنگام صرف غذا، دانه‌ای برنج از قاشق سفیر چین به زمین افتاد. جناب سفیر دانه برنج را با ولع تمام برداشت و خورد. حاضران به این کار او خندیدند. سفیر چین بعد از صرف شام، نکته‌ای را به آنان گفت که بسیار تأمل‌برانگیز بود. سفیر گفت: اگر هر فرد چینی در روز فقط یک دانه برنج از غذایش بریزد و آن را بر ندارد، در آن روز ۲۰/۰۰۰ کیلو (بیست تن) برنج دور ریخته شده است! دهان شنوندگان از تعجب باز ماند و سفیر با حوصله توضیح داد: الآن جمعیت چین حدود یک میلیارد و دویست میلیون نفر است. اگر هر چینی در روز یک دانه برنج دور بریزد، می‌شود ۱/۲۰۰/۰۰۰/۰۰۰ دانه برنج. چون به طور متوسط هر کیلو برنج دارای ۶۰/۰۰۰ دانه است. بنابراین، اگر تعداد ۱/۲۰۰/۰۰۰/۰۰۰ دانه را بر ۶۰/۰۰۰ تقسیم کنیم، حاصل آن می‌شود ۲۰/۰۰۰ کیلو، یعنی بیست تن برنج.»

۱. روزنامه اقتصادی آسیا، ۲۴ اسفند ۱۳۸۱.

۲. روزنامه خبر جنوب، ۱۸ اسفند ۱۳۸۳.

۳. روزنامه جمهوری اسلامی، ۲۰ بهمن ۱۳۸۳.

## رقابت‌های ناسالم

سیده مریم طباطبایی ندوشن\*

### اشاره

«رقابت» اگر با مبنای اخلاقی در ابعاد مثبت و معنوی رخ دهد، سوق‌دهنده آدمی به سوی کمال است؛ اما «رقابت ناسالم» زمینه‌ساز سقوط آدمی از قله بلند انسانیت می‌شود. در این نوشتار، «رقابت ناسالم» با تعبیر عامیانه «چشم‌وهم‌چشمی» برابر دانسته شده، ریشه‌ها و علل، جلوه، آثار و راهکارهای مقابله با آن، با بهره‌گیری از منابع روایی بررسی می‌شود.

### اهمیت و مفهوم‌شناسی

ریشه «رقابت ناسالم» یا «چشم‌وهم‌چشمی» را باید در انگیزه انسان برای به‌دست‌آوردن مادیات و ظواهر زندگی جست‌وجو کرد. این پدیده که با برانگیختن حس «حسادت» همراه است، می‌تواند زمینه‌ساز بسیاری از آسیب‌ها باشد؛ درحالی‌که «رقابت سالم» با زمینه «غبطه» بر دیگران، در امور معنوی و علمی رخ می‌دهد و مایه پیشرفت و کمال

---

\* کارشناس ارشد علوم ارتباطات اجتماعی.

آدمی را میسر می‌سازد. قرآن کریم می‌فرماید: «فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ»<sup>۱</sup> در کارهای نیک، از یکدیگر سبقت بگیرید.»

چشم‌وهم‌چشمی، در فرهنگ<sup>۲</sup>، «رقابت در تجمل» معنا شده است. البته نگرانی درباره این پدیده، به «رقابت در تجملات» خلاصه نمی‌شود؛ بلکه پیامدهای پیدا و پنهان رقابت ناسالم، تا آن جاست که جای پای طیف وسیعی از ناهنجاری‌های فردی، خانوادگی و اجتماعی را می‌توان در آن دید. زنان، کانون عاطفه در خانواده و تربیت‌کننده نسل‌ها هستند و شیوع چشم‌وهم‌چشمی یا سطحی‌نگری در بانوان، یعنی کژکارکردی در نقش همسری آنان؛ در حالی که باید با مدیریت و دلسوزی، آرامش‌بخش مرد و تربیت‌کننده فرزندان باشند. کژکارکردی در نقش همسری، روابط زناشویی را دچار اختلال می‌کند و از سوی دیگر، وجود این ناهنجاری فکری و رفتاری در گروه زنان، به دلیل نقش پرورشی و تربیتی مادران، قابلیت سرایت به فرزندان را دارد و چندی نمی‌گذرد که مردان و زنان تربیت‌شده توسط این زنان، و به عبارتی فرهنگ حاکم بر جامعه، گرفتار این ناهنجاری و آسیب‌های آن می‌شود.

وجود دو واژه «چشم» در عبارت «چشم‌وهم‌چشمی» نشان می‌دهد بانوانی که به عارضه رقابت ناسالم دچارند، به شدت تحت تأثیر قوه بینایی قرار دارند و دیده‌هایشان، معیار قضاوت درباره دیگران است که اصطلاحاً گفته می‌شود این زنان، «عقلشان، به چشمشان است» و این، یعنی «سطحی‌نگریستن».

هم‌چنین، کسانی که به این عارضه دچارند، ارزش خود را در «چشم» دیگران می‌بینند و خود را در نگاه دیگران تعریف می‌کنند. ملاک نیازها، خواسته‌ها و آرزوهای این زنان، داشته‌های دیگران است؛ چنان‌که به جای «تفکر» و «تحقیق»، صرفاً به «تقلید» از دیگران می‌پردازند.

قرآن کریم در داستان قارون، به دو گروه «تعمق‌کننده» و «تقلیدکننده» اشاره می‌کند که با

۱. بقره، آیه ۱۴۸.

۲. ر.ک: حسن عمید، فرهنگ فارسی عمید، حرف «چ».



دیدن زینت‌های قارون، دو برداشت متفاوت داشتند:

«فَخَرَجَ عَلَى قَوْمِهِ فِي زِينَتِهِ قَالَ الَّذِينَ يُرِيدُونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا يَا لَيْتَ لَنَا مِثْلَ مَا أُوتِيَ قَارُونُ إِنَّهُ لَذُو حَظٍّ عَظِيمٍ \* وَقَالَ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ وَيَلَكُمْ ثَوَابُ اللَّهِ خَيْرٌ لِمَنْ آمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا وَلَا يُلَقَّاهَا إِلَّا الصَّابِرُونَ»<sup>۱</sup> روزی [قارون] با تمام زینت خود در برابر قومش ظاهر شد. آن‌ها که خواهان زندگی دنیا بودند، گفتند: ای کاش همانند آنچه به قارون داده شده است، ما نیز داشتیم! به‌راستی که او بهره عظیمی دارد؛ ولی کسانی که علم و دانش به آن‌ها داده شده بود، گفتند: وای بر شما! ثواب الهی برای کسانی که ایمان آورده‌اند و عمل صالح انجام می‌دهند، بهتر است؛ اما جز صابران، آن را دریافت نمی‌کنند.»

گرچه عقلت، سوی بالا می‌پرد مرغ تقلیدت به پستی می‌چرد<sup>۲</sup>

### ریشه‌ها و علل چشم‌وهم‌چشمی

دلایل این مسئله را می‌توان در موارد زیر برشمرد:

#### ۱. علل اجتماعی و فرهنگی

متأسفانه، در جامعه امروزی ارزش‌ها تغییر جهت داده و اعتبار داشته‌های مادی، بیش‌تر از ارزش‌های معنوی تلقی می‌شود. ملاک جوانان برای یافتن همسر، مانند گذشته نیست حتی خانواده‌ها در ارزیابی طرف مقابل، در بررسی «معیارهای ظاهری» جوانانشان را همراهی می‌کنند؛ بسیاری از ملاک‌های مادی و حاشیه‌ای که کم‌ترین تأثیر را در موفقیت ازدواج دارد، جایگزین ملاک‌هایی چون: تدین، اصالت خانوادگی، نجابت یا متانت شده است که روزگاری باطن و معیار اصلی انتخاب‌ها بود.

در کنار تأثیر قوی ابزارهای تهاجم فرهنگی که اصالت‌یافتن «لذت‌های مادی» را تبلیغ نموده، سعادت‌مندی را در داشته‌های مادی دنبال می‌کنند، غفلت از ظرفیت‌های فرهنگ

۱. قصص، آیه ۷۹ و ۸۰.

۲. مولوی، مثنوی معنوی، دفتر دوم، بخش ۵۴.

ایرانی - اسلامی را نباید نادیده گرفت. توصیه‌ها و دستوره‌های اخلاقی و معنوی نهج البلاغه و صحیفه سجادیه، اگر به قانون روشنگر زندگی‌ها مبدل شود، ژرف‌بینی و عمق‌نگری، نگاه اصلی زندگی‌ها می‌شود و قطعاً چنین جامعه‌ای در منجلاب چشم‌وهم‌چشمی که تنها یکی از آثار ظاهری‌بینی است، اسیر نمی‌شود.

این گله‌مندی، تنها به مغفول ماندن از پشتوانه مذهبی فرهنگ ما خلاصه نمی‌شود. ادبیات ما، یکی از ظرفیت‌های کم‌نظیر فرهنگی است که می‌تواند بالاترین و والاترین مضامین اخلاقی، ادبی و عرفانی را در افراد جامعه درونی کند. یکی از این مضامین، داشتن روحیه قناعت، مناعت و پرهیز از دنیاطلبی است. «در مکتب‌خانه‌های ابتدایی که ویژه کودکان بود، پس از یادگرفتن الفبا و «عم جزء»، مثنوی نان و حلوی شیخ بهایی، موش و گربه عبید زاکانی، پندنامه فریدالدین عطار، گلستان و بوستان سعدی، دیوان جودی، دیوان حافظ، حسین‌گرد و... تدریس می‌شد.»<sup>۱</sup> چنین آموزش‌هایی، دانشمندان و اندیشمندان ایرانی را تربیت می‌کرد؛ اما متأسفانه، امروزه با تکیه بر علوم وارداتی، کم‌تر جوان تحصیل‌کرده دانشگاهی ما، یک غزل از حافظ را بدون غلط می‌خواند و حکایت‌های پندآموز ادبیات ما کم‌تر شنیده شده است؛ این، غفلت از ابزارهایی است که بدون شک، رساترین و اثرگذارترین ابزار ابلاغ و تبلیغ خردمندی هستند.

غفلت از ظرفیت‌ها، یادآور حدیثی از امام صادق علیه السلام است؛ که به والدین و مسئولان جامعه، علت جایگزینی ارزش‌های خودی را با ارزش‌های غربی گوشزد می‌کند:

«بَادِرُوا أَحَدَاتِكُمْ بِالْحَدِيثِ قَبْلَ أَنْ يَسْبِقَكُمْ إِلَيْهِمُ الْمَرْجِيَّةُ»<sup>۲</sup>

احادیث اسلامی را به نوجوانان خود بیاموزید [و در این امر عجله کنید؛] پیش

از آن‌که مخالفان گمراه، بر شما پیشی گیرند [و فرزندان‌تان را گمراه سازند].<sup>۳</sup>

## ۲. عوامل تربیتی، خانوادگی و فردی

برخی از این علل عبارت‌اند از:

۱. عیسی صدیق، تاریخ فرهنگ ایران از آغاز تا زمان حاضر، ص ۱۱۷.

۲. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۶، ص ۴۷.

### محرومیت‌های دوران کودکی

افرادی که در دوران کودکی در کنار ضعف اقتصادی، ضعف فرهنگی داشته‌اند، در بزرگسالی در صورت دست‌یافتن به امکانات مالی، با طبقات بالای اجتماعی در رقابت قرار می‌گیرند تا خلاّ کودکی را سرپوش بگذارند.

### سرایت چشم‌وهم‌چشمی از والدین به فرزندان

والدینی که برای توجیه برنامه‌های زندگی خود، مانند: تحصیل، رفتن به سفر و خرید لوازم زندگی، اقدامات سایر خانواده‌ها را ملاک تصمیم‌گیری قرار می‌دهند، انگیزه رقابت ناسالم را در فرزندانشان تقویت می‌کنند.

### بی‌توجهی والدین به مسائل تربیتی

پدري که همیشه عدم حضور خود را در منزل با خرید لوازم و هدایا جبران می‌کند، میل به مصرف‌گرایی را در فرزند تقویت می‌کند. مادری که در قبال کوچک‌ترین اشتباه و شکست فرزندش، او را با سایر همسالان مقایسه و سرزنش می‌کند، در ذهن ناخودآگاه فرزندش، برتری دیگران را اثبات می‌کند.

### احساس حقارت و خودکم‌بینی

افرادی که از خودکم‌بینی رنج می‌برند، خویشان را از نظر ارزش ذاتی، کم‌تر از دیگران ارزیابی می‌کنند و برای جبران حقارت درونی، به تظاهر بیرونی روی می‌آورند. این افراد، چون از درون خود، چیزی برای آرامش و مقبولیت نمی‌یابند، آن را از بیرون طلب می‌کنند و بی‌اختیار به هر آنچه جنبه تأیید در جامعه پیدا می‌کند، عمل می‌کنند.

### ابعاد چشم‌وهم‌چشمی

اصلی‌ترین ابعاد چشم‌وهم‌چشمی در خانواده‌ها:

#### ۱. ازدواج

در جامعه ما، چشم‌وهم‌چشمی در تمام مراحل ازدواج جولان می‌دهد؛ تا آن‌جا که: - چون یکی از اقوام، سال تولد دختر خود را به هجری شمسی محاسبه و مهریه تعیین کرده است، خانواده‌ای دیگر، به سال هخامنشی سکه طلا تعیین می‌کند تا تعداد سکه‌ها،

بیش تر شود!

- اقلام غیر ضروری در جهیزیه عروس، بیش از کالاهای ضروری و کاربردی است و خانه نُقلی عروس و داماد را به آنبار وسایل، شبیه کرده است.

- توقعات بی‌رویه هر دو طرف از یکدیگر در: تهیه جهیزیه، خرید مسکن، برگزاری مراسم عروسی و یا انتظار دریافت هدایای ویژه در ایام عقد، موجب شده دوران عقد که زیباترین دوران زندگی یک زوج است، شیرینی خود را از دست بدهد و بسیاری از جوانان، از نیمه راه، قید عروسی را بزنند. مسئولان آمار کشور، از این واقعه به «سونامی طلاق در دوران عقد» یاد می‌کنند. «در شهرهای بزرگ، چهل درصد طلاق‌ها در دوران عقد رخ می‌دهد که ۲۷ درصد آن‌ها به دلیل برآورده نشدن توقعات و انتظارات مادی است.»<sup>۱</sup> ناگفته پیداست که مادران زوجین و زنان اقوام، تأثیر مهمی در ایجاد توقعات دارند.

## ۲. جراحی زیبایی

جراحی پلاستیک در ایران، یکی از ابعاد چشم‌وهم‌چشمی و بسیار پُرطرف‌دار است؛ به طوری که آمار این جراحی‌ها در ایران، هفت برابر کشور آمریکا است و ۹۰ درصد آن، مربوط به عمل بینی است. از این‌رو، ایران را باید به عنوان پایتخت عمل جراحی زیبایی در جهان قلمداد کرد! این در حالی است که «تنها ۲۰ درصد از عمل‌ها، جنبه درمانی دارد و ۸۰ درصد افراد، تنها برای زیبایی، عمل بینی انجام می‌دهند که ۱۰ درصد این آمار را آقایان، و ۹۰ درصد را خانم‌ها شامل می‌شوند.» به نظر می‌رسد که در کنار پدیده چشم‌وهم‌چشمی، باید از پدیده دیگری به نام «بینی‌وهم‌بینی» هم صحبت کرد!<sup>۲</sup>

## ۳. پوشش و آرایش

نگران‌کننده‌ترین جلوه رقابت ناسالم زنان و دختران، در پوشش و آرایش در محیط‌های بیرون از منزل است؛ چراکه این، یک تقلید فرهنگی است و در تقلید فرهنگی، فرد

۱. درگاه ملی آمار: [www.amar.org.ir](http://www.amar.org.ir).

۲. پایگاه اینترنتی سلامت نیوز، [www.salamatnews.com](http://www.salamatnews.com).

هویت و هنجارهای ارزشی خود را فراموش کرده، به راحتی تسلیم هنجارهای دیگران می‌شود؛ دیگرانی که دچار بی‌مبالاتی فرهنگی هستند و به دلیل ضعف تربیتی و مذهبی، اجازه حضور در خیابان با هر نوع پوشش و آرایشی را به خود می‌دهند. این چنین است که پوشیدن چکمه‌های بلند روی شلوار که مصداق صریح پوشش و لباس شهرت است، به راحتی از سوی خانواده‌ها اجازه استفاده داده می‌شود و در حقیقت، پدیده مُد با چشم‌وهم‌چشمی رواج می‌یابد. روزی مانتوها تنگ می‌شود و ماه بعد آستین‌ها بالا می‌رود؛ اما مُدهای جدید بدحجابی که به تازگی مشاهده می‌شود، پوششی است بسیار تنگ و بدن‌نما که از آن به جای شلوار و با عنوان ساپورت استفاده می‌شود. امام علی علیه السلام می‌فرماید: «در آخر الزمان که بدترین زمان‌هاست، زنانی ظاهر می‌شوند که در عین لباس پوشیدن، عاری از لباس هستند.»<sup>۱</sup>

#### ۴. نوع پذیرایی در مهمانی‌ها

روزگاری نه چندان دور، در شب‌نشینی‌ها با یک چای، یک نوع میوه و تنقلاتی در حد نخودچی کشمش، از مهمان پذیرایی می‌کردند. در مثل زیبای فارسی داریم: «مهمان، هرکه باشد، در خانه هرچه باشد.» به دلیل همین سادگی، رفت‌وآمدها و صله رحم بیش‌تر بود؛ اما امروزه، مهمانی‌ها با حضور انواع میوه‌ها و تنقلات، به مسابقه به‌رخ‌کشیدن موجودی‌های یخچال شبیه‌تر شده است. فرار از مسابقه تجملات و هزینه‌های آن، رفت‌وآمدهای هر روزه و هر هفته را به سالی یکبار در عید نوروز کاهش داده است.

#### ۵. سایر جلوه‌های چشم‌وهم‌چشمی

خرید لوازم تجملاتی منزل، تعویض پی‌درپی گوشی تلفن همراه، سفر به کشورهای اروپایی به جای سفر به اماکن مقدس، تعیین رشته تحصیلی بدون در نظر گرفتن استعداد شخصی و اصرار بر شاغل بودن، از دیگر جلوه‌های چشم‌وهم‌چشمی در بین زنان است.

۱. لطف‌الله صافی گلپایگانی، منتخب الأثر، ص ۴۲۸.

## پیامدها و آسیب‌های چشم‌وهم‌چشمی

### ۱. آسیب‌های فردی

فردی که ذهنش انباشته از دغدغه رقابت ناسالم با دیگران است، با حسادت‌ورزی، لذت‌زدگی و آرامش را از خود سلب می‌کند. این افراد، همیشه خشنودی خود را در آینده و در رسیدن به آرزوها می‌دانند؛ آرزوهایی که پایانی برای آن نیست؛ چون همیشه وضعیت بهتر وجود دارد. به این ترتیب، زمینه بیماری‌های جسمی و روانی را در خود فراهم می‌کنند. حضرت علی علیه السلام می‌فرماید:

«لِلَّهِ دَرُّ الْحَسَدِ مَا أَعَدَّ لَهُ! بَدَأَ بِصَاحِبِهِ فَقَتَلَهُ!»<sup>۱</sup> آفرین بر حسادت!

چه عدالت‌پیشه است! پیش از همه، صاحب خود را می‌کشد.

### ۲. آسیب‌های خانوادگی

#### بدهکاری خانواده

گام برداشتن در مسیر کسب مادیات با هدف جلوه‌کردن در نظر دیگران، آرامش خانواده، قربانی اقساط بانکی و پرداخت قرض‌ها می‌شود. بسیاری از وام‌های بانکی با بهره‌های بالا، برای خرید وسایل گرفته می‌شود؛ وسایلی نظیر یخچال مانیتوردار، ویتروهای با ظروف قیمتی و یا گوشی تلفن همراه. این امور، نه تنها آرامش افراد خانواده را بیش‌تر نمی‌کند، بلکه دغدغه آسیب‌ندیدن این وسایل و پرداخت اقساط بلندمدتشان، آسایش را از حریم خانه می‌برد.

روزی حضرت علی علیه السلام از جلوی قصابی می‌گذشت. قصاب از او خواست که از گوشت‌های تازه ببرد. حضرت فرمود: پولی همراه ندارم. قصاب گفت: نسیه ببر، بعد پولش را می‌آوری. حضرت در پاسخ فرمود: اگر به شکم خود بدهکار باشم، بهتر از آن است که بدهکار شخص دیگر باشم.<sup>۲</sup>

۱. ابن ابی‌الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۱، ص ۳۱۶.

۲. جواد محدثی، اخلاق معاشرت، ص ۱۷۳.

### اختلاف‌های زناشویی

در رقابت ناسالم با دیگران، هماهنگی اقتصادی وجود ندارد و با مطرح شدن پیاپی خواسته‌ها توسط زن، مرد احساس ارزشمندی را از دست می‌دهد؛ هنگامی که احساس ارزشمندی در مرد خدشه‌دار می‌شود، خلق و خوی ظاهری و دنیاطلبی بر رفتار و گفتارش حاکم می‌شود که پیامد آن، رخت بستن صمیمیت در روابط همسران و بالارفتن اختلاف‌های زناشویی است.

### احتمال افزایش خیانت مرد به همسر

رضایت‌مندی زنان، کانون خانه را گرم نگه می‌دارد؛ اما زنانی که دچار عارضه چشم‌وهم‌چشمی هستند، همیشه مأیوس و ناخشنودند. مرد و فرزندان نیز همچون زن که آرامش را در داشته‌های دیگران جست‌وجو می‌کنند، آرامش را در خارج از خانواده می‌جویند. این موضوع، احتمال خیانت مرد به زن یا احتمال عشق‌های خیابانی را در فرزندان افزایش می‌دهد.

### ۳. پیامدهای اجتماعی

#### افزایش آمار طلاق

آمار بالای زنان متقاضی طلاق، نشان می‌دهد که میزان رضایت‌مندی زنان از زندگی زناشویی، نسبت به گذشته کاهش یافته: «در تیرماه سال ۹۳، اعلام شده است که ۷۰ درصد تقاضاهای طلاق‌ها از سوی زنان، ۳ درصد از طرف مردان و ۲۶ درصد توافقی بوده است.»<sup>۱</sup>

#### بی‌توجهی به نیازمندان جامعه

مقایسه شرایط زندگی خود با بالادستان، باعث می‌شود «حرص» در آدمی زنده شود. فرد حریص، به دلیل انبوه خواسته‌هایش همیشه خود را نیازمند می‌داند و هیچ‌گاه در خویشتن، توان دستگیری از نیازمندان را نمی‌بیند.

۱. پایگاه اینترنتی ایسنا، به نقل از: رئیس سازمان ثبت اسناد و املاک کشور: [www.isna.ir](http://www.isna.ir)

### سایر ناهنجاری‌های اجتماعی

دزدی و رشوه‌خواری، افزایش بیماری‌های روانی و افسردگی‌ها، خشونت‌آمیز بودن روابط بین فردی، اشاعه غیبت و بدگویی دیگران در خانواده‌ها، رواج مصرف‌گرایی و وابستگی اقتصاد کشور به واردات غیرضروری، همگی ریشه در چشم‌وهم‌چشمی‌ها و دوری از معنویت دارد.

### راهکارها

برای برون‌رفت از معضل چشم‌وهم‌چشمی، راه‌حل‌های ذیل پیشنهاد می‌شود:

#### ۱. تقویت روحیه قناعت و شکرگزاری

در روایت آمده است:

«أَوْحَى اللَّهُ تَعَالَى إِلَى دَاوُدَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: وَضَعْتُ الْغِنَى فِي الْقَنَاعَةِ وَهُمْ يَطْلُبُونَهُ فِي كَثْرَةِ الْمَالِ فَلَا يَجِدُونَهُ»<sup>۱</sup> خداوند متعال به داود عليه السلام

وحی کرد: توانگری را در قناعت نهاده‌ام؛ اما مردم آن را در فراوانی مال می‌جویند. از این رو، نمی‌یابندش.»

حلقه مفقوده زندگی‌ها در عصر حاضر، آرامش است و تنها انسان «قانع»، از آرامش بهره‌مند است.

#### ۲. مقایسه خود با افراد فرودست در امور مادی

رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌فرماید:

«انظروا إلی مَنْ أَسْفَلَ مِنْكُمْ وَلَا تَنْظُرُوا إلی مَنْ هُوَ فَوْقَكُمْ فَهُوَ أَجْدَرُ أَنْ لَا تَزْدُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ»<sup>۲</sup> در امور دنیا، به پایین‌تر از خود نگاه کنید

و به بالاتر از خود منگرید؛ در این صورت، نعمت‌های خداوند را که از آن برخوردارید کوچک نخواهید شمرد.»

۱. محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۷۸، ص ۴۵۳، ح ۲۱.

۲. محمد بن حسن فتال نیشابوری، روضة الواعظین، ج ۲، ص ۴۵۴.



مقایسه خود با کسانی که امکانات مادی بیش‌تری دارند (مقایسه صعودی)، باعث حسرت و حزن طولانی می‌شود؛ اما قیاس وضع خود با فرودستان (مقایسه نزولی)، باعث بزرگ‌نمایی نعمت‌هایی می‌شود که خداوند به ما عطا کرده است. افزایش رضایت از زندگی، حاصل چنین مقایسه‌ای است.

### ۳. توجه به آسیب‌های دینی و اخروی حسادت

حسادت و چشم‌وهم‌چشمی، مایه آفت دین، از بین‌برنده ایمان، خروج از ولایت و دوستی حق، دشمنی با تدابیر خداوند، عدم قبولی طاعت، پذیرفته‌نشدن توبه و شفاعت، از بین‌برنده خوبی‌ها و منشأ بسیاری از گناهان است.<sup>۱</sup>

### ۴. مدیریت معاشرت‌ها

در معاشرت با افراد و خانواده‌ها، علاوه بر اموری چون تدین و اصالت، هم‌طبقه‌بودن و یکسانی اوضاع مالی باید در نظر گرفته شود؛ تا این مسئله به مقایسه صعودی منجر نشود. امام باقر علیه السلام خطاب به شخصی فرمود:

«لَا تُجَالِسِ الْأَغْنِيَاءَ فَإِنَّ الْعَبْدَ يُجَالِسُهُمْ وَهُوَ يَرَى أَنَّ لِلَّهِ عَلَيْهِ نِعْمَةً فَمَا يَقُومُ حَتَّى يَرَى أَنَّ لَيْسَ لِلَّهِ عَلَيْهِ نِعْمَةٌ»<sup>۲</sup> با ثروتمندان

همنشین نشوید؛ زیرا بنده با آنان همنشین می‌شود، درحالی‌که معتقد است خدا به او نعمت داده و برنمی‌خیزد تا معتقد می‌شود که خدا هیچ نعمتی به او نداده است.»

### ۵. مجهز شدن مردان به مهارت‌های مهروزی

معمولاً کمبودهای عاطفی به صورت رفتارهای غیرطبیعی بروز می‌کند. پدیده چشم‌وهم‌چشمی میان برخی زنان، نشانه وجود نوعی نیاز برای جلب توجه اطرافیان و مورد تأیید قرارگرفتن از سوی آنهاست. ازاین‌رو، مردان نباید از توجه به قابلیت‌های ذاتی همسر خود غفلت ورزند.

۱. ر.ک: محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۳۰۷.

۲. شیخ صدوق، الأمالی، ص ۳۲۶.

### ۶. افزایش علاقه به مطالعه

مطالعه، باعث وسعت فکر انسان می‌شود. آنچه مناسب‌ترین بستر برای چشم‌وهم‌چشمی است، کوتاهی فکر و کوچک‌بودن دنیای ذهنی افراد است. زنان اهل مطالعه، قدرت تجزیه و تحلیل بیش‌تری دارند و متن زندگی را قربانی حواشی نمی‌کنند. این زنان، پشت‌ پرده تجمل‌گرایی را به‌درستی می‌بینند. بدیهی است که مطالعه کتب مذهبی و ادبیات کلاسیک فارسی، می‌تواند زنان را ژرف‌اندیش نموده، آن‌ها را در مقابل تهاجمات فرهنگی، بیمه سازد.

### ۷. توجه رسانه‌ها به محتوا

اگر رسانه‌های جمعی، مفاهیم عمیق‌تر و ارزشمندتری را مورد توجه قرار دهند، مخاطبان نیز به همان اندازه می‌کوشند به لایه‌های درونی‌تر زندگی توجه کنند؛ متأسفانه، امروزه نمایش وسایل لوکس و غیرضروری، جزء جداناپذیر سریال‌های تلویزیونی در کشور ما شده است.

## آفات زبان

حجت الاسلام والمسلمین علی اکبر صمدی یزدی\*

### مقدمه

نعمت‌هایی که خداوند در اختیار بشر قرار داده است، قابل شمارش نیست؛ «وَإِنْ نَعُدُّوا نِعْمَتَ اللَّهِ لَا تُحْصَوْنَ»<sup>۱</sup> اگر نعمت‌های خدا را بشمارید هرگز آن‌ها را شماره نتوانید کرد.» برخی از این نعمت‌ها فردی است، برخی اجتماعی؛ برخی مادی است و گروهی نیز معنوی.

زبان، یکی از مهم‌ترین و کاراترین نعمت‌های خداوند است. بیان، نعمتی است که خداوند پس از نعمت خلقت، آن را از نشانه‌های خود ذکر کرده است: «خَلَقَ الْإِنْسَانَ» \*  
عَلَّمَهُ الْبَيَانَ»<sup>۲</sup>.

نطق، یکی از نشانه‌های عظمت پروردگار است و تمام علوم به وسیله بیان از نسل‌های گذشته به نسل امروز منتقل شده است. اگر زبان نبود، ترقی و پیشرفتی که بشر امروز از نظر صنعت، اختراعات و اکتشافات کرده است حاصل نمی‌شد چون زبان ابزار انتقال

---

\* از مبلغان نخبه دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.

۱. ابراهیم، آیه ۳۴.

۲. الرحمن، آیه ۳ و ۴.

تفکر و اندیشه است. هم‌چنین در امرِ تعلیم و تربیت که مهم‌ترین مسئله زندگی بشر است نیز، زبان نقش مؤثری دارد.

### کارکرد زبان

علی رضی الله عنه در حدیثی بسیار جالب برخی از کارایی‌های زبان را این چنین ذکر می‌کند:

«أَيُّهَا النَّاسُ فِي الْإِنْسَانِ عَشْرُ خِصَالٍ يُظَهِّرُهَا لِسَانُهُ شَاهِدٌ يُخْبِرُ عَنِ الصَّمِيمِ حَاكِمٌ يَقْضِي بَيْنَ الْخِطَابِ وَ نَاطِقٌ يُرَدُّ بِهِ الْجَوَابُ وَ شَافِعٌ يُدْرِكُ بِهِ الْحَاجَةَ وَ وَاصِفٌ يُعْرِفُ بِهِ الْأَشْيَاءَ وَ أَمِيرٌ يَأْمُرُ بِالْحَسَنِ وَ وَاعِظٌ يَنْهَى عَنِ الْقَبِيحِ وَ مُعَزِّزٌ تُسَكِّنُ بِهِ الْأَحْزَانَ وَ حَاضِرٌ تُجَلَّى بِهِ الضَّعَائِنُ وَ مُوْنِقٌ تَلْتَذُّ بِهِ الْأَسْمَاعُ؛ ای مردم! ده خصلت در انسان وجود دارد که زبان آن‌ها را آشکار می‌سازد؛ زبان گواهی است که از درون خبر می‌دهد؛ داور است که به دعواها خاتمه می‌دهد؛ گویایی است که به وسیله آن به پرسش‌ها پاسخ داده می‌شود؛ واسطه‌ای است که با آن، مشکلات برطرف می‌شود؛ وصف‌کننده‌ای است که با آن اشیا شناخته می‌شود؛ فرماندهی است که به نیکی فرمان می‌دهد؛ اندرزگویی است که از زشتی‌ها باز می‌دارد؛ تسلیت‌دهنده‌ای است که غم‌ها را تسکین می‌دهد؛ حاضری است که به وسیله آن کینه‌ها برطرف می‌شود؛ دلربایی است که گوش‌ها به وسیله آن لذت می‌برند.»

### آفت زبان

بسیار روشن است که هر نعمتی هر چه بزرگ‌تر و مهم‌تر باشد، خطر و آفت آن هم می‌تواند زیادتر باشد. همیشه در کنار کوه‌های بلند، دره‌های عمیق وجود دارد یا در کنار قدرت عظیم انرژی هسته‌ای که صدها کاربرد مانند تولید برق، صنعت، دارو و درمان دارد، امکان تولید بمب اتم نیز وجود دارد که می‌تواند شهرهای بزرگ را ویران کند و

۱. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۸، ص ۲۰.

صدها هزار نفر را نابود سازد و از بین ببرد. زبان نیز در کنار آثار و برکاتش، آفات و خطراتی دارد که بسیار زیاد است. آفات زبان از همه اعضا و جوارح انسان زیادتر است. علمای علم اخلاق، مثل مرحوم فیض کاشانی در محجة البیضاء و غزالی در احیاء العلوم بخش مهمی را به آفات اللسان اختصاص داده‌اند.

زبان همان‌گونه که منشأ حسنات فراوان است، عامل گناهان بیشماری نیز می‌باشد؛ گناهانی از قبیل دروغ، غیبت، تهمت، فحش، سخن‌چینی، شایعه، قسم دروغ، شهادت ناحق، استهزاء، القاب بد به دیگران و... .

### گناهان زبان

قابل ذکر است که گناهان زبان به طور عمده گناهان کبیره و بزرگ است که علاوه بر وعده عذاب، پیامدهای مخرب و خطرناکی نیز دارد که برای نمونه برخی از آن‌ها را ذکر می‌کنیم:

### دروغ

دروغ در لغت به معنای سخن نادرست، خلاف واقع و به معنای نقل گفتار از کسی است که آن را نگفته است. اصولاً در گفتار به کار می‌رود و تفاوتی ندارد که مربوط به گذشته باشد یا آینده.<sup>۱</sup> هم‌چنین در اصطلاح، اظهار امر خلاف واقع و سخن برخلاف حق و حقیقت را دروغ می‌گویند.<sup>۲</sup>

در یک تقسیم‌بندی، دروغ را به جدی و هزل و شوخی می‌توان تقسیم کرد. از نظر اسلام دروغ شوخی، زمانی که انسان از گفتار خود قصد خبردادن از واقع را نداشته باشد و قرینه‌ای هم بر شوخی کردن در کلامش نباشد، حرام است. در روایات متعددی از این نوع دروغ نهی شده است. زیرا انسان با دروغ شوخی برای دروغ‌های جدی آمادگی پیدا می‌کند. پیامبر صلی الله علیه و آله در حدیثی به ابوذر می‌فرماید:

«يَا أَبَا ذَرٍّ وَيْلٌ لِلَّذِي يُحَدِّثُ وَيَكْذِبُ لِيُصْحِكَ بِهِ الْقَوْمَ وَيَلُّ لَهُ

۱. حسن مصطفوی، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، ج ۱۰، ص ۳۴.

۲. محمد امین، آفات زبان، ص ۶۷.

وَيْلٌ لَهُ وَيْلٌ لَهُ: <sup>۱</sup> ای ابوذر! وای بر کسی که برای خندانیدن مردم دروغ

می‌گوید. وای بر او، وای بر او، وای بر او!

هم‌چنین امام باقر علیه السلام فرمود:

«إِنَّ الْكَذِبَ هُوَ خَرَابُ الْإِيمَانِ؛ <sup>۲</sup> دروغ، ویرانگر ایمان است.»

در بزرگی و زشتی دروغ همین بس که خداوند، دروغگو را در ردیف کافران و منکران آیات الهی شمرده و می‌فرماید:

«إِنَّمَا يَفْتَرِي الْكَذِبَ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْكَاذِبُونَ؛ <sup>۳</sup>

تنها کسانی دروغ می‌گویند که به خدا ایمان ندارند. [آری] اینان دروغگویان

واقعی هستند.»

#### داستانی درباره ترک دروغ

شخصی خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله مسلمان شد. سپس عرض کرد: یا رسول الله! مردم ما را به گناهان آشکارمان سرزنش می‌کنند، در حالی که من چهار گناه پنهان دارم؛ زنا، دزدی، شرابخواری و دروغ. الان آمادگی دارم با انتخاب شما یکی از این‌ها را ترک کنم.

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: برو دروغ را ترک کن!

او از خدمت رسول خدا صلی الله علیه و آله رفت. طولی نکشید زمینه زنا برایش فراهم شد. با خود گفت: من به پیامبر صلی الله علیه و آله قول دادم دروغ نگویم. اگر زنا کنم، وقتی نزد پیامبر صلی الله علیه و آله بروم، اگر از من سؤال کند از وقتی تصمیم گرفتی دروغ نگوئی، آیا زنا کردی یا خیر؟

پس اگر بگویم زنا نکردم، دروغ است. قرار شد دیگر دروغ نگویم. اگر بگویم زنا کردم، پیامبر صلی الله علیه و آله بر من حد جاری می‌کند، بنابراین از آن صرف‌نظر کرد.

بعد زمینه دزدی برایش پیش آمد. همین فکر را کرد و دزدی نکرد. نسبت به شراب نیز همین طور. در نتیجه، با ترک دروغ، از همه گناهان فاصله گرفت. <sup>۴</sup>

۱. حسن بن فضل طبرسی، مکارم الاخلاق، ص ۴۷۰.

۲. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۳۳۹.

۳. نحل، آیه ۱۰۵.

۴. ابن ابی‌الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۶، ص ۳۵۷.

### شهادت دروغ

شهادت دروغ، آفت دیگر زبان است که منشأ تضییع حقوق افراد و حتی گاهی موجب ریخته شدن خون افراد بی شماری می شود. این مسئله در تاریخ، شواهد بسیاری دارد. عایشه که در کنار طلحه و زبیر از آتش افروزان جنگ جمل بود. در مسیر حرکت به سوی بصره، در حالی که بر شتر پُرکرکی سوار بود، شب هنگام به چاه آبی که مربوط به بنی کلاب بود و به «حوئب» شهرت داشت، وارد شد. ناگهان سگ های زیادی شروع به پارس کردن نمودند، به گونه ای که شتران را به وحشت انداختند. عایشه از اسم آن سرزمین پرسید. گفتند: این جا حوئب است. عایشه کلمه استرجاع را بر زبان جاری ساخت و گفت: مرا باز گردانید. مرا نیازی به این سفر نیست. زیرا از رسول خدا ﷺ شنیدم که فرمود: روزی یکی از شما زنان در حالی که بر شتر پُرکرکی سوار است، بر آب حوئب وارد می شود و سگ ها بر او پارس می کنند و خون افراد زیادی در اطراف وی به زمین خواهد ریخت.

این جا ابتدا زبیر جلو آمد و به دروغ سوگند خورد که این سرزمین حوئب نیست. بعد طلحه نیز آمد و همان شهادت دروغ را تکرار کرد. سپس پنجاه نفر را پول دادند که آمدند و به دروغ شهادت دادند که این جا حوئب نیست و عایشه را بر ادامه راه و آتش افروزی جنگ مصمم ساختند؛ جنگی که سبب ریخته شدن خون افراد بی شماری گردید. مسعودی در مروج الذهب می گوید: «این اولین شهادت دروغی بود که در بصره اقامه شد.»<sup>۱</sup>

### غیبت

غیبت در لغت عبارت است از: سخن گفتن پشت سر دیگران به گونه ای که غیبت شونده راضی و خشنود نباشد. خدای متعال از غیبت به خوردن گوشت برادر دینی، در حالی که مرده است، تعبیر نموده است. غیبت، علاوه بر گفتن عیوب و زشتی های افراد، نوعی ترور شخصیت است که از ترور شخص مهم تر است، زیرا وقتی شخصی ترور می شود،

۱. حبیب الله هاشمی خوئی، منهاج البراعة فی شرح نهج البلاغه، ج ۱۶، ص ۳۶۸.

رشد می‌کند و در فرهنگ دینی، شهید قلمداد می‌شود و جایگاهش در میان مردم تقویت می‌شود، اما کسی که ترور شخصیت شد، سقوط می‌کند؛ از چشم مردم می‌افتد؛ جایگاهش را از دست می‌دهد و غیبت، بزرگ‌ترین آسیب را بر ایمان غیبت‌کننده وارد می‌سازد. پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود:

«الْغَيْبَةُ أَسْرَعُ فِي دِينِ الرَّجُلِ الْمُسْلِمِ مِنَ الْأَكْلَةِ فِي جَوْفِهِ؛<sup>۱</sup>  
آسیب غیبت بر دین انسان از آسیب خوره بر جسم او سریع‌تر است.»

### بهتان

متهم نمودن افراد به جرم‌هایی که مرتکب نشده‌اند را بهتان می‌گویند؛ اگر نسبت‌دهنده، به‌دروغ بودن آن اطمینان داشته باشد، بهتان است و چنانچه اطمینان نداشته باشد، تهمت است.

رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود:

«مَنْ بَهَتَ مُؤْمِنًا أَوْ مُؤْمِنَةً أَوْ قَالَ فِيهِ مَا لَيْسَ فِيهِ  
أَقَامَهُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ عَلَى تَلٍّ مِنْ نَارٍ حَتَّى يَخْرُجَ مِمَّا قَالَ فِيهِ؛<sup>۲</sup>  
کسی که به مرد یا زن مؤمنی بهتان بزند یا چیزی در مورد او بگوید که در او نیست، خدای عزوجل، او را بر تلی از آتش نگه می‌دارد تا از عهده گفته خود برآید. این زبان است که انسان را به چنین سرنوشتی دچار می‌سازد.»

### ناسزاگویی و دشنام

آفت دیگر زبان، ناسزاگویی و دشنام است. به‌کاربردن الفاظ رکیک، واژه‌های زشت و کلمات مستهجن و قبیح را فحش و ناسزا می‌گویند. در مکتب اسلام، هرگونه ناسزاگویی ممنوع است؛ حتی به کافران نباید دشنام داد. قرآن کریم می‌فرماید:

۱. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۳۵۷.  
۲. جواد قیومی اصفهانی، صحیفة الإمام الرضا عليه السلام، ص ۴۹.



«وَلَا تَسُبُّوا الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ فَيَسُبُّوا اللَّهَ عَدْوًا بِغَيْرِ عِلْمٍ»<sup>۱</sup> [به

معبود] کسانی که غیر خدا را می خوانند دشنام ندهید، مبادا آن‌ها [نیز] از روی [ظلم و] جهل، خدا را دشنام دهند.»

ناسزاگویی به اندازه‌ای زشت خوانده شده است که حتی به شیطان هم نباید دشنام داد. رسول خدا ﷺ فرمود:

«لَا تَسُبُّوا الشَّيْطَانَ وَتَعُوذُوا بِاللَّهِ مِنْ شَرِّهِ»<sup>۲</sup> به شیطان دشنام ندهید؛

بلکه از شر او به خدا پناه ببرید.»

گناه فحش به اندازه‌ای بزرگ است که صاحب آن به بهشت راه پیدا نخواهد کرد. پیامبر ﷺ فرمود:

«إِنَّ اللَّهَ حَرَّمَ الْجَنَّةَ عَلَى كُلِّ فَحَّاشٍ بَدِيٍّ قَلِيلٍ الْحَيَاءِ لَا يُبَالِي

مَا قَالَ وَلَا مَا قِيلَ لَهُ»<sup>۳</sup> خداوند بهشت را بر هر فحاش ناسزاگویی که

حیاش کم باشد و اهمیت ندهد که چه می گوید و چه درباره اش می گویند حرام کرده است.»

امیر المؤمنین علیه السلام در جنگ صفین، برخی از یارانش را که به سپاه و یاران معاویه دشنام داده بودند، نهی کرد و فرمود:

«دوست ندارم شما دشنام دهنده باشید. شما تنها عیوب آن‌ها را بیان کنید. این کار، سزاوارتر است.»<sup>۴</sup>

نکته مهم و قابل توجه این است که بسیاری از گناهان زبان جنبه حق الناس دارد و تا طرف مقابل راضی نشود، خداوند از انسان نمی گذرد.

آفات زبان به اموری که ذکر شد منحصر نیست و بلکه بسیار فراتر از آن موارد است که برای رعایت اختصار به همین چند مورد بسنده می شود.

۱. انعام، آیه ۱۰۸.

۲. ابوالقاسم پاینده، نهج الفصاحه، ص ۶۶۹.

۳. سلیم بن قیس هلالی، کتاب سلیم بن قیس الهلالی، ج ۲، ص ۹۵۶.

۴. صبحی صالح، نهج البلاغه، ص ۳۲۳.

### فراوانی آفات و خطرهای زبان

یکی از سؤالاتی که همواره به ذهن می‌آید این است که چرا در میان همه جوارح، آفات زبان از همه پیش‌تر است؟

در پاسخ باید گفت: زبان، ابزاری است که در هر زمان و هر مکانی در اختیار انسان است، در حالی که ابزار قمار، شراب، زنا، قتل و... همه‌جا در اختیار نیست، هم‌چنین زبان برای کار خودش هیچ‌گونه هزینه‌ای لازم ندارد و سرمایه‌ای نمی‌خواهد، در حالی که خوردن شراب، استعمال مواد مخدر، رباخواری و... نیازمند سرمایه است.

زبان، ابزار گناهی است که در اختیار همه افراد است؛ کوچک و بزرگ، زن و مرد، فقیر و غنی، عالم و عامی، شهری و روستایی و... در حالی که ابزار بسیاری از گناهان در اختیار همه نیست؛ ظلم‌کردن، قدرت لازم دارد، رباخواری، پول می‌خواهد و... که همه قدرت و توانایی آن را ندارند.

اصولاً گناه زبان، کوچک شمرده می‌شود، و این خود خطر بزرگی است. زیرا زشتی و بزرگی گناه، خود، سدی برای انسان است؛ هر مقدار، که گناه زشت‌تر و بزرگ‌تر شمرده شود، انسان کم‌تر به سراغ آن می‌رود، ولی اگر گناه کوچک شمرده شود، ارتکاب آن قبیحی نخواهد داشت. در نتیجه، انسان آن را زیاد مرتکب می‌شود و کوله‌بار خود را سنگین می‌سازد.

شراب‌خواری، زنا، قتل نفس و... گناهایی است که چون بزرگ شمرده می‌شوند، مؤمنین کم‌تر آن‌ها را مرتکب می‌شوند، اما غیبت که از گناهان زبان است، همه مرتکب می‌شوند؛ با این‌که در روایت است:

«الْغَيْبَةُ أَشَدُّ مِنَ الزَّانَا؛<sup>۱</sup> گناه غیبت از زنا شدیدتر است.»

شراب‌خواری، چون بزرگ شمرده می‌شود، کم‌تر کسی مرتکب می‌شود، ولی دروغ، چون کوچک به حساب می‌آید، بسیار رایج است، در حالی که در روایت است:

«الْكَذِبُ شَرُّ مِنَ الشَّرَابِ؛<sup>۲</sup> دروغ، بدتر از شراب است.»

۱. شیخ صدوق، خصال، ج ۱، ص ۶۳.

۲. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۳۳۹.

گناهمانی که از دیگر اعضا و جوارح صادر می‌شود، بسیار محدود است، اما گناهان زبان، متعدد و متنوع است. برخی علمای بزرگ، مثل مرحوم فیض کاشانی، بیست گناه کبیره برای زبان ذکر کرده‌اند.<sup>۱</sup>

گناهمانی که از زبان صادر می‌شود اغلب جنبه اجتماعی دارد، ولی گناهان دیگر اعضا جنبه فردی دارد. بر این اساس است که آفت زبان بسیار است و آن‌ها را باید شناخت و مراقب بود.

### هشدار معصومین علیهم‌السلام نسبت به خطر زبان

از آن‌جا که آفات و خطرهای زبان فراوان و گوناگون است، پیشوایان دین و حضرات معصومین علیهم‌السلام مرتب نسبت به آن هشدار داده و ما را از آن برحذر داشته‌اند، که برخی از آن‌ها را ذکر می‌کنیم:

۱. رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرمود:

«أَمْسِكْ لِسَانَكَ فَإِنَّهَا صَدَقَةٌ تَصَدَّقُ بِهَا عَلَى نَفْسِكَ ثُمَّ قَالَ وَ لَا يَعْرِفُ عَبْدٌ حَقِيقَةَ الْإِيمَانِ حَتَّى يَخْزَنَ مِنْ لِسَانِهِ»<sup>۲</sup> زبانت را حفظ کن، زیرا (حفظ زبان) صدقه‌ای است که تو بر جان خود پرداخت می‌کنی، و بنده، حقیقت ایمان را درک نمی‌کند، مگر این‌که زبان خود را حفظ نماید.»

۲. امام باقر علیه‌السلام فرمود:

« لَا يَسْلَمُ أَحَدٌ مِنَ الذُّنُوبِ حَتَّى يَخْزَنَ لِسَانَهُ»<sup>۳</sup> هیچ کس از گناهان مصون نمی‌ماند، مگر این‌که زبان خویش را کنترل نماید.»

۳. پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرمود:

«پیش از آن‌که زبانت تو را به زندان طولانی و هلاکت در افکند، او را زندانی کن، زیرا هیچ چیز به اندازه زبانی که از جاده صواب منحرف می‌شود و به جواب‌دادن می‌شتابد، سزاوار زندانی شدن طولانی نیست.»<sup>۴</sup>

۱. محمد محسن فیض کاشانی، محجة البیضاء، ج ۵، ص ۱۹۸.

۲. علی بن حسن طبرسی، مشکاة الأنوار فی غرر الأخبار، ص ۱۷۵.

۳. محمد باقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۷۵، ص ۱۷۸.

۴. علی لثی واسطی، عیون الحکم و المواعظ، ص ۸۱.

۴. پیامبر ﷺ فرمود:

«يُعَذِّبُ اللَّهُ اللِّسَانَ بِعَذَابٍ لَا يُعَذِّبُ بِهِ شَيْئًا مِنَ الْجَوَارِحِ  
فَيَقُولُ أَيُّ رَبِّ عَذَّبْتَنِي بِعَذَابٍ...»<sup>۱</sup> [روز قیامت] خداوند زبان را به  
عذابی معذب می‌کند که هیچ عضوی را آن‌طور عذاب نمی‌کند. دادِ زبان  
درمی‌آید؛ خدایا، چرا مرا این‌گونه عذاب می‌کنی؟ جواب داده می‌شود: برای  
این‌که کلمه‌ای از تو خارج شد که شَرِّ و غَرِّبِ عالم را گرفت. خون‌های  
بی‌گناه زیادی با این جمله بر زمین ریخته شد، اموال مردم به غارت رفت،  
حرمت مردم به وسیله این کلام تو هتک گردید و از بین رفت. به عزت‌م سوگند،  
تو را آن‌گونه عذاب می‌کنم که هیچ عضوی را آن‌گونه عذاب نکنم.»

۵. ابو حمزه از امام سجاد علیه السلام نقل می‌کند که فرمود:

«إِنَّ لِسَانَ ابْنِ آدَمَ يُشْرِفُ عَلَى جَمِيعِ جَوَارِحِهِ كُلِّ صَبَاحٍ،  
فَيَقُولُ: كَيْفَ أَصْبَحْتُمْ؟ فَيَقُولُونَ: بِخَيْرٍ إِنْ تَرَكْتَنَا، وَ يَقُولُونَ: اللَّهُ  
اللَّهُ فِينَا، وَيُنَاشِدُونَهُ وَيَقُولُونَ: إِنَّمَا نَتَابُ وَ نُعَاقِبُ بِكَ»<sup>۲</sup> زبان  
اولاد آدم هر روز صبح از اعضاء و جوارح انسان سؤال می‌کند: چگونه صبح  
کردید؟ آن‌ها پاسخ می‌دهند: اگر تو ما را رها کنی، ما خوب هستیم. آن‌گاه او را  
قسم می‌دهند و می‌گویند: خدا را در مورد ما در نظر داشته باش. زیرا ما به  
خاطر تو، به ثواب و عقاب می‌رسیم.»

## آفت‌زدایی از زبان

اکنون باید به این موضوع پردازیم که: چگونه باید زبان را از آفات برحذر داشت؟ راه‌های  
گونگونی برای مصون ماندن زبان از آفات وجود دارد که به برخی از آن‌ها اشاره می‌کنیم:

### ۱. مدیریت زبان

می‌دانیم که زبان مانند بسیاری از ابزار دیگر، هم دارای استفاده صحیح است و هم

۱. محمدباقر مجلسی، مرآة العقول فی شرح اخبار آل الرسول صلی الله علیه و آله، ج ۸، ص ۲۲۲.

۲. شیخ صدوق، ثواب الأعمال و عقاب الأعمال، ص ۲۳۷.

استفاده ناصحیح؛ هم در خیر صرف می‌شود و هم در شر، هم در ثواب کارایی دارد و هم در گناه. بنابراین باید زبان را مدیریت نمود. امام باقر علیه السلام فرمود:

«إِنَّ هَذَا اللِّسَانَ مِفْتَاحُ كُلِّ خَيْرٍ وَ شَرٍّ فَيَنْبَغِي لِلْمُؤْمِنِ أَنْ يَخْتِمَ

عَلَى لِسَانِهِ كَمَا يَخْتِمُ عَلَى ذَهَبِهِ وَ فِضَّتِهِ...<sup>۱</sup>؛ به‌راستی که این زبان

کلید همه خوبی‌ها و بدی‌هاست. شایسته است که مؤمن زبان خود را مهر کند، همان‌گونه که بر (صندوق) طلا و نقره خود قفل می‌زند.»

## ۲. کم‌گویی و سکوت

از جمله راه‌های دفع آفت از زبان، کم‌تر سخن گفتن و سکوت کردن است. سخن وقتی زیاد شد، خطا و لغزش هم خواهد داشت. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«وَ أَخْزِنُ لِسَانَكَ إِلَّا مِنْ خَيْرٍ فَإِنَّكَ بِذَلِكَ تَغْلِبُ الشَّيْطَانَ؛<sup>۲</sup> زبان

را بر خیر نگه دار، هر آینه تو با این کار بر شیطان پیروز خواهی شد.»

امام باقر علیه السلام فرمود:

«هیچ کس از گناه مصون نمی‌ماند، مگر این‌که زبانش را کنترل نماید.»<sup>۳</sup>

پشیمان ز گفتار دیدم بسی      پشیمان نگشت از خموشی کسی

## ۳. اول تفکر، بعد سخن گفتن

از عواملی که زبان را از آفت حفظ می‌کند این است که انسان، قبل از سخن، فکر کند؛ تا اگر لزومی دارد و مفسده و گناهی ندارد، بگوید و گرنه آن را ترک نماید. علی علیه السلام می‌فرماید:

«لِسَانُ الْعَاقِلِ وَرَاءَ قَلْبِهِ وَ قَلْبُ الْأَحْمَقِ وَرَاءَ لِسَانِهِ؛<sup>۴</sup> زبان انسان

۱. ابن شعبه حرانی، تحف العقول، ص ۲۹۸.

۲. محمد محسن فیض کاشانی، محجة البیضاء، ج ۵، ص ۱۹۵.

۳. محمد باقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۷۵، ص ۱۷۸.

۴. حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۵، ص ۲۸۱.

عاقل، پشت سر قلب و اندیشه او است، در حالی که اندیشه و قلب احمق و

نادان، پشت زبان اوست.»

یعنی عاقل اول فکر می‌کند، بعد سخن می‌گوید، ولی نادان اول سخن می‌گوید، بعد فکر می‌کند که آیا درست بود یا نبود؟

#### ۴. اندیشه در عواقب کار

عامل دیگر دفع آفت زبان، اندیشه در نتیجه کار زبان است. اگر انسان عاقبت امر را توجه کند و اثر زبان‌بار بعضی سخنان را محاسبه کند، هر حرفی را نمی‌زند و هر سخنی را نمی‌گوید.

هنگامی که رسول خدا ﷺ برخی آفات زبان را بیان فرمودند، معاذ بن جبل از رسول اکرم ﷺ پرسید: «آیا در مورد کلام و سخن هم مؤاخذه می‌شویم؟» حضرت فرمود:

«وَهَلْ يَكُتَبُ النَّاسَ عَلَى مَنَاخِرِهِمْ فِي النَّارِ إِلَّا حَصَائِدُ

السِّنْتِهِمْ...<sup>۱</sup> آیا چیزی جز محصول زبان، انسان را بارودر آتش

می‌اندازد؟»

اگر انسان این پیامد و نتیجه را از اول در اندیشه خود بیاورد، مراقب زبان خویش خواهد بود.

۱. محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۷۴، ص ۱۷۸.

## رواج غیبت در جامعه

آمنه انتصاری\*

### مقدمه

غیبت یکی از بزرگ‌ترین عیوب اخلاقی و از فراگیرترین بیماری‌های روانی - شخصیتی است که در اخلاق اسلامی از آن به شدت نهی شده است. غیبت، دوستی‌ها را تبدیل به دشمنی می‌کند و باعث می‌شود حسن ظن جایش را به بدگمانی بدهد. این بدگمانی، وحدت و دوستی را از بین می‌برد و با همراهی شیطان باعث ایجاد تفرقه می‌شود. در این نوشتار به بررسی علل غیبت و راه‌های جلوگیری از آن می‌پردازیم.

### تعریف غیبت

غیبت به معنای غایب‌شدن، ناپدیدشدن، بدگفتن در پشت سر کسی، و بدی و عیب کسی را در غیاب او گفتن است.<sup>۱</sup> بنابراین اگر بدی‌های شخصی را در نبودش بگویند و آن بدی‌ها به واقع در او باشند، این کار غیبت است و اگر آن بدی‌ها در او نباشند،

---

\* دانش‌آموخته حوزه علمیه خواهران و کارشناس ارشد علوم قرآن و حدیث.

۱. دهخدا، لغت‌نامه دهخدا، ج ۱۰، باب غیبت، ص ۱۴۸۹۶.

تهمت<sup>۱</sup> و گناه بزرگی است.<sup>۲</sup>

### نکوهش غیبت

در قرآن از غیبت به خوردن گوشت مرده تعبیر شده؛ زیرا کراهت خوردن گوشت مرده بر همه واضح است. در غیبت هم همین است و آبروی مؤمن در زمان غیبت، مانند گوشت مرده است؛ به ویژه که آبروی رفته دیگر بازمی‌گردد. خداوند می‌فرماید:

«... لَا يَغْتَبِ بَعْضُكُم بَعْضًا أَيُّ حَبِّ أَحَدِكُمْ أَنْ يَأْكُلَ لَحْمَ أَخِيهِ مَيْتًا

فَكَرِهْتُمُوهُ...»<sup>۳</sup> بعضی از شما غیبت بعضی را نکند؛ آیا کسی از شما

دوست دارد که گوشت برادر مرده‌اش را بخورد؟ پس [به‌راستی که] از آن

کراهت دارید.»

طبرسی در ذیل این آیه به نقل از زجاج می‌گوید:

«این مثال بدان جهت آمده است که همان‌گونه که اگر گوشت مرده‌ای را

برادرش بخورد، بدان دلیل که مرده است دردی را حس نمی‌کند، هنگام سخن

گفتن پشت سر دیگری نیز او همان حالت را دارد؛ چراکه حضور ندارد تا از

خود دفاع کند.»<sup>۴</sup>

رسول خدا ﷺ می‌فرماید:

«در شب معراج مردمی را دیدم که چهره‌های خود را با ناخن‌هایشان

می‌خراشیدند. پرسیدم: ای جبرئیل این‌ها کیستند؟ گفت: این‌ها کسانی هستند

که غیبت مردم را می‌کنند و آبرویشان را می‌برند.»<sup>۵</sup>

بُود غیبت خلق، مردار خوردن از این لقمه پاک کن کام و دهن را

۱. ابن اثیر، النهایه، ج ۳، باب العین والباء، ص ۳۹۹.

۲. علی کرمی فریدنی، شرح واژه‌های قرآن در ترجمه تفسیر مجمع البیان، ج ۱۳، ص ۴۵۳.

۳. حجرات، آیه ۱۲.

۴. فضل بن حسن طبرسی، تفسیر مجمع البیان، ج ۱۳، ص ۸۷۸.

۵. محمدی ری شهری، منتخب میزان الحکمه، ص ۴۳۷.



## علل غیبت

غیبت از رذایل اخلاقی است که از وسواس فکری نشئت می‌گیرد و - متأسفانه - همه به آن گرفتار، و از عواقب آن نیز غافل‌اند؛ چنان‌که علی علیه السلام می‌فرماید:

«الْغَيْبَةُ قُوتُ كِلَابِ النَّارِ؛<sup>۱</sup> غیبت غذای سگ‌های جهنم است.»

غیبت عوامل متعدد دارد که به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود:

### ۱. تجسس

یکی از علل غیبت، تجسس در زندگی دیگران است؛ زیرا فردی که علاقه‌مند است از مسائل مخفی زندگی دیگران آگاه شود، میل به بازگ کردن آن‌ها به دیگران را نیز دارد. در واقع تجسس مقدمه ارتکاب غیبت است. علی علیه السلام می‌فرماید:

«تَتَّبِعُ الْعُيُوبِ مِنْ أَفْبَحِ الْعُيُوبِ وَ شَرُّ السَّيِّئَاتِ؛<sup>۲</sup> جست‌وجو کردن

عیب دیگران، از زشت‌ترین عیوب و بدترین گناهان است.»

از آیات استفاده می‌شود که از مهم‌ترین عوامل این گناه، تجسس در احوال و اسرار مردم است و کسی که همواره در خصوصیات و اسرار مردم به جست‌وجو می‌پردازد، قهراً به بیماری غیبت مبتلا می‌شود.<sup>۳</sup> بنابراین برای جلوگیری از غیبت، لازم است از تجسس در زندگی مردم پرهیز کنیم.

### ۲. سوءظن

فردی که در زندگی‌اش دچار سوءظن است، همیشه در دل به بدگویی و غیبت دیگران مشغول است و از این جهت است که برخی از علمای اخلاق از سوءظن به عنوان غیبت قلبی و باطنی یاد کرده‌اند. افرادی که سوءظن دارند، به همه بدبین‌اند و کارهای آنان را بر اساس انگیزه‌های خصمانه و ریاکارانه تحلیل می‌کنند. آن‌ها به کسی اعتماد نمی‌کنند؛ هر حرفی را به نوعی دشمنی دانسته، بر غرض‌ورزی حمل می‌کنند؛ و هر کاری را به

۱. تمیمی آمدی، غرر الحکم و درر الکلم، ص ۶۹.

۲. همان، ص ۴۱۳.

۳. مهدوی کنی، نقطه‌های آغاز در اخلاق عملی، ص ۳۴.

بدترین شکل ممکن تفسیر و تحلیل می‌کنند؛ در حالی که می‌توان سخن و رفتار مردم را به نحو مطلوبی تفسیر کرد. پس اگر بخواهیم غیبت نکنیم، باید سوءظن نداشته باشیم و چنانچه بخواهیم گرفتار سوءظن نشویم، باید در امور مردم جست‌وجو نکنیم؛ زیرا سوءظن و تجسس، تأثیر متقابل دارند و گاهی تجسس باعث سوءظن می‌گردد و گاهی سوءظن منشأ تجسس می‌گردد. بنابراین باید از هر دو احتراز کرد. در روایات نیز از تجسس و سوءظن به دلیل عواقب آن نهی شده است.

آیت الله مهدوی کنی می‌فرماید: چنان‌که خصلت بدگمانی بسیار زشت و ناپسند است، در مقابل، خوش‌گمانی از مکارم اخلاق مؤمن است. اخلاق اسلامی، ما را به داشتن حسن‌ظن به دیگران ترغیب، و سلامت روح را با این حس تضمین می‌کند و زندگی اجتماعی را بر این اساس استوار می‌سازد.<sup>۱</sup> یعنی همان‌گونه که فکر گناه، صفای روح انسان را از میان می‌برد، سوءظن نیز این‌گونه است؛ زیرا کسی که به برادران دینی خود بدگمان شد، سوءظن او منتهی به غیبت قلبی می‌شود که علمای اخلاق از آن به «عقد القلب» تعبیر کرده‌اند و عقد قلب مقدمه غیبت زبانی، تهمت، سخن‌چینی، سعایت و بسیاری از گناهان دیگر است.<sup>۲</sup>

برای آن‌که این صفت را از بین ببریم، لازم است به دیگران خوش‌بین باشیم.

### ۳. حسادت

یکی دیگر از علل روانی که موجب بدگویی و غیبت می‌شود، حسادت است. حسادت نوعی اختلال عاطفی است. بعضی افراد ممکن است به موفقیت، موقعیت، ثروت، زیبایی و... دیگران، حسادت ورزند.

استیون رابرتز، نویسنده و روان‌شناس، حسادت را شایع‌ترین علتی می‌داند که باعث می‌شود افراد غیبت کنند:

«اگر به خاطر محبوبیت، قیافه ظاهری، موقعیت مالی، پرستیژ اجتماعی و

۱. همان، ص ۳۶.

۲. همان، ص ۳۷.

امثال این‌ها به کسی حسادت بورزیم، غیبت، وسیله خوبی برای  
مخدوش کردن چهره آن شخص خواهد بود»<sup>۱</sup>

از این‌روست که در اسلام حسادت نکوهش شده است. اگر حسادت به هر شکلی در  
آدمی باشد، به سازگاری وی لطمه وارد می‌آورد و موجب آسیب‌های جسمانی، روانی،  
عاطفی و اخلاقی و... فراوانی می‌شود. حسد نه تنها سایه زشتی بر زندگی عادی و روزمره  
انسان سایه می‌افکند، بلکه موجب می‌شود که حسود در برابر اراده و مشیت خداوند  
بایستد و با آن مخالفت کند:

«آیا به مردم، برای آنچه خدا از فضل خویش به آنان عطا کرده رشک  
می‌ورزند؟ در حقیقت، ما به خاندان ابراهیم کتاب و حکمت دادیم، و به آنان  
ملکی بزرگ بخشیدیم.»<sup>۲</sup>

حسود در واکنش غیرمستقیم به خوبی‌ها و کمال دیگران، به بدگویی از آنان می‌پردازد تا  
محسود را نزد همه خوار و کوچک جلوه دهد و خود را بهتر و برتر از او بنمایاند. فردی که  
از سر حسادت غیبت می‌کند، در واقع در نهایت ناتوانی است؛ چنان‌که امام علی علیه السلام  
می‌فرماید:

«الغیبةُ جُهدُ العاجز؛<sup>۳</sup> غیبت، تلاش شخص ناتوان است.»

برای آن‌که دچار غیبت نشویم، باید رذیله حسد را از خود دور کنیم.

#### ۴. کینه و دشمنی

دشمنی با افراد و کینه‌توزی‌ها می‌تواند عاملی برای بدگویی باشد. فرد غضبناک با  
غیبت‌کردن و بدگویی می‌خواهد از حرارت کینه خود بکاهد. به همین دلیل از غیبت به  
عنوان سلاحی برای تخریب شخصیت طرف مقابل و انتقام‌گیری شخصی استفاده  
می‌کند. اغلب آنانی که جرئت حرف‌زدن و دفاع رودررو با افراد را ندارند، غیبت می‌کنند

1. <http://www.janahonline.ir>.

۲. نساء، آیه ۵۴.

۳. محمدی ری‌شهری، منتخب میزان الحکمه، ص ۴۳۶.

و این گونه خود را تخلیه می نمایند. منفورترین افراد نزد خداوند غیبت کنندگان هستند؛ چون هیچ فردی راضی به غیبت شدن نیست. علی علیه السلام می فرماید:

«أَبْعَضُ الْخَلَائِقِ إِلَى اللَّهِ الْمُغْتَابُ؛<sup>۱</sup> منفورترین مردم نزد خداوند، غیبت کنندگان هستند.»

درمان علمی این گناه آن است که شخص در پیامدهای این گناه بیندیشد و این پیامدها را با آنچه از این گناه عایدش می شود، مقایسه کند. با این مقایسه، وی تشویق می شود که این رذیله را ترک کند؛ زیرا او با این گناه، علاوه بر این که بغض و کینه ایجاد می کند، از چشم مردم می افتد.

### ۵. تکبر

یکی دیگر از عوامل غیبت، تکبر است. معمولاً فرد متکبر به قصد خوارکردن دیگران از آن‌ها غیبت می کند؛ زیرا خود را نسبت به دیگران در سطح بالاتری می بیند و همه را زبردست خود می انگارد و زمانی که نیازهای نفسانی او از طریق افراد دیگر برآورده نشود، به غیبت و بدگویی از آن‌ها رو می آورد. متأسفانه برخی، چون شیک پوشی، وضع مالی خوب، زیبایی، مدرک تحصیلی بالا و... را معیارهای برتری خود نسبت به دیگران در نظر می گیرند و بر همین اساس انتظار دارند که دیگران نیز با همین معیارها شأن وی را بالاتر بدانند و اگر این خواسته محقق نشود، با غیبت وی، خود را تسکین می دهند.

برای جلوگیری از تکبر، لازم است به تذکر خوبی‌های دیگران و بررسی عیوب خود پردازیم. آدمی اگر به عیوب، رفتار و کردار خود بنگرد، هرگز درصدد عیب‌جویی از دیگران برنخواهد آمد.

### ۶. بیکاری

رایج‌ترین علت غیبت، بیکاری است. یکی از مضرات بیکاری آن است که ممکن است فرد در درازمدت برای پرکردن اوقات فراغت خود، در بین خانواده و دوستان به غیبت رو

۱. تمیمی آمدی، غرر الحکم و درر الکلم، ص ۲۰۱.

بیاورد و از این کار به عنوان سرگرمی استفاده کرده، به این امر زشت عادت کند. بیکاری و بی‌برنامگی و عاطل و باطل بودن، سرمنشأ بسیاری از گناهان، از جمله غیبت است و به تجربه هم ثابت شده که افراد بیکار و تنبل، بیش‌تر به فساد اخلاقی، مانند غیبت و تهمت و سخن‌چینی و امثال آن آلوده می‌شوند.

درمان عملی غیبت، مشغول‌شدن به فعالیت‌های مفید است تا وقت اضافی برای غیبت نباشد.

#### ۷. میل به صحبت زیاد

از خصوصیات برخی، میل به زیاد صحبت کردن است و حتی در هنگام ناراحتی، دوست دارند با صحبت تخلیه روانی شوند. بنابراین اگر انسان این میل را در مسیر درست هدایت نکند، وسوسه‌های شیطانی، غیبت‌کردن را برای آنان شیرین جلوه می‌دهد و با غیبت، میل به صحبت را در ایشان ارضا می‌کند و با این خصوصیت، خواسته یا ناخواسته وارد مقوله غیبت می‌شوند. علی عَلَيْهِ السَّلَام می‌فرماید:

«الْكَلَامُ كَالدَّوَاءِ قَلِيلُهُ يَنْفَعُ وَ كَثِيرُهُ قَاتِلٌ»<sup>۱</sup> سخن چون دواست،

اندک‌ش سودمند و زیادش کشنده است.

یکی از راه‌های دورشدن از گناهان زبان، مهار زبان است. هرکس بتواند زبان خود را کنترل کند، موفق می‌شود جلوی بسیاری از گناهان را بگیرد. پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می‌فرماید:

«فِتْنَةُ اللِّسَانِ أَشَدُّ مِنْ ضَرْبِ السَّيْفِ»<sup>۲</sup> فساد و فتنه زبان، از ضربه

شمشیر، شدیدتر و بلاخیزتر است.

امام خمینی رَحِمَهُ اللهُ می‌فرماید:

«و اما [علاج] عملی به این است که تا چندی با هر زحمت شده، کفّ نفس

از این معصیت کرده، مهار زبان خود را در دست گرفته، کاملاً از خود مراقبت

کنی و با خود قرارداد کنی که چندی مرتکب این خطیئه نشوی و از خود

۱. تمیمی آمدی، غرر الحکم و درر الکلم، ص ۱۵۹، ح ۲۱۷۵.

۲. محمدی ری‌شهری، میزان الحکمه، ج ۸، ص ۴۹۷.

مراقبت و محافظت کنی و حساب خود را بکشی؛ امید است ان شاء الله پس از مدت کمی اصلاح شده، قلع ماده آن بشود و کم کم کار بر تو آسان می شود. پس از چندی احساس می کنی که طبعاً از آن منزجر و متنفری. پس راحتی نفس و التذاذ در ترک این می شود.<sup>۱</sup>

### ۸. هم‌رنگی با دیگران

یکی دیگر از علل روانی ارتکاب به غیبت، اثرپذیری از محیط و اطرافیان است. متأسفانه این مسئله بسیار فراگیر است که در مجلسی عده‌ای برای تفریح، عیب‌های مردم را فاش می‌سازند و به خیال خود با این حرام، به مجلس خود رونق می‌بخشند. در چنین مجلسی افرادی هستند که می‌دانند این کار غیبت است و غیبت نیز حرام است؛ ولی برای هم‌رنگ شدن با جماعت یا عقب نماندن از قافله، به غیبت آن‌ها گوش می‌دهند و گاهی خودشان هم زبان به غیبت می‌گشایند تا رضایت هم‌نشینان خود را جلب کنند؛ در حالی که این شیوه جلب رضایت مخلوق، سبب خشم خالق خواهد شد. توجه به این نکته که اگر غیبت دیگران را کنیم، دیگران نیز غیبت ما را می‌کنند، می‌تواند مانع غیبت شود. امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

«لَا تَغْتَبْ فَتُغْتَبَ وَلَا تَحْفَرِ لِأَخِيكَ حُفْرَةً فَتَقَعَ فِيهَا فَإِنَّكَ كَمَا

تَدِينُ تُدَانُ»<sup>۲</sup> غیبت نکن که از تو غیبت می‌شود و برای برادرت چاه مکن

که خود در آن می‌افتی؛ زیرا با هر دست بدهی، با همان دست پس می‌گیری.»

### ۹. شوخی و تمسخر

یکی از تفریحات برخی افراد در جلسات خصوصی و مهمانی‌ها تمسخر دیگران و خندیدن به عیوب آنان است. این افراد برای خندانیدن دیگران، گاهی طرز لباس پوشیدن، راه رفتن، سخن گفتن و... افراد را تقلید می‌کنند و در واقع با ابزار مختلف به غیبت افراد

۱. امام خمینی، چهل حدیث، ص ۳۱۳.

۲. محمدی ری شهری، منتخب میزان الحکمه، ص ۴۳۷.

مشغول می‌شوند و این کار را شوخ‌طبعی می‌پندارند؛ اما در واقع این مجالس، نوعی مجلس لهو و لعب است که ثمره‌ای جز بطلت وقت و گناه ندارد و موجب می‌شود که عبادات غیبت‌کننده و شنوندگان غیبت قبول نشود؛ چنان‌که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید:

«مَنْ إِغْتَابَ مُسْلِمًا أَوْ مُسْلِمَةً لَمْ يَقْبَلِ اللَّهُ صَلَاتَهُ وَلَا صِيَامَهُ  
أَرْبَعِينَ يَوْمًا وَ لَيْلَةً إِلَّا أَنْ يُغْفَرَ لَهُ صَاحِبُهُ؛<sup>۱</sup> هرکس از مرد یا زن  
مسلمانی غیبت کند، خداوند تا چهل شبانه‌روز نماز و روزه او را نپذیرد، مگر  
این‌که غیبت‌شونده او را ببخشد.»

یکی از راه‌های درمان آن بی‌اعتنایی به غیبت‌کنندگان هنگام غیبت‌کردن است چون فردی که صحبت می‌کند نیازمند توجه مخاطبین است و اگر توجه کافی از طرف مخاطبین خود نبیند و یا احساس کند آن‌ها از این سخن او خوششان نیامده دیگر چنین سخن نخواهد گفت.

#### ۱۰. اشتیاق شنیدن غیبت

یکی از علل شایع شدن غیبت، اشتیاق نشان‌دادن شنوندگان به شنیدن غیبت است. این واکنش فرد غیبت‌کننده را به ادامه‌دادن غیبت و تلاش برای جمع‌آوری مطالب بیشتر برای عرضه به دیگران، تشویق می‌کند و مصداق این ضرب‌المثل می‌شوند: «مستمع، صاحب سخن را بر سر ذوق آورد». <sup>۲</sup> برای همین است که در روایات، گناه شنونده غیبت همانند گناه غیبت‌کننده معرفی شده است. علی علیه السلام می‌فرماید:

«السَّامِعُ لِلْغَيْبِ كَالْمُغْتَابِ؛<sup>۳</sup> شنونده غیبت، مانند غیبت‌کننده است.»

امام خمینی رحمته الله علیه می‌فرماید:

«و از اقسام خفیه غیبت، گوش کردن به آن است از روی تعجب؛ زیرا که او اظهار تعجب می‌کند که نشاط مغتاب زیاد گردد در غیبت و او را وادار به

۱. همان، ص ۴۳۶.

۲. صائب تبریزی.

۳. محمدی ری‌شهری، منتخب میزان الحکمه، ص ۴۳۸.

غیبت می‌کند به تعجب. مثلاً می‌گوید: من تعجب می‌کنم از این حرف! می‌خواهد تصدیق کند با این کلمات مغتاب را و از او طلب زیادت کند با لطایف، با آن‌که تصدیق غیبت نیز غیبت است و گوش کردن به آن، بلکه سکوت کردن در وقت شنیدن آن، غیبت است»<sup>۱</sup>.

گاهی انسان ناگزیر است در مجلسی بنشیند که در آن غیبت می‌شود؛ در این موقعیت‌ها باید برای آلوده‌نشدن به گناه غیبت، از شخص غایب دفاع کند و مانع ادامه غیبت از او شود. پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اکرم فرموده است:

«هرکس در مجلسی بشنود که از برادرش غیبت می‌شود و آن را از او دفع کند، خداوند هزار باب بدی را در دنیا و آخرت از او دفع کند.»<sup>۲</sup>

### ۱۱. اغوای شیطان

شیطان، دشمنی است که برای اغوای انسان‌ها قسم خورده و برای این کار در مسیر تمام آدمیان کمین می‌کند. در این میان، - حتی - افراد مذهبی نیز مورد اغوای شیطان قرار می‌گیرند و برای مثال، گاه به رذیله اخلاقی غیبت آلوده می‌شوند. گاهی دیده می‌شود انسان‌هایی که اهل نماز و عبادت هستند نیز به پرهیز از غیبت اهمیتی نمی‌دهند و حتی در اماکن مقدس، مثل مساجد و تکایا و امامزاده‌ها با اطرافیان خود مشغول غیبت می‌شوند؛ در حالی که پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در باره اثر تخریبی این گناه هشدار داده است:

«الْغَيْبَةُ أَسْرَعُ فِي دِينِ الرَّجُلِ الْمُسْلِمِ مِنَ الْأَكْلَةِ فِي جَوْفِهِ»<sup>۳</sup>  
غیبت، در نابودی دین آدمی زودتر کارگر افتد تا بیماری خوره در اندرون او.

نراقی می‌فرماید:

«از اعظم مفساد غیبت آن است که باعث آن می‌شود که اعمال خیر آن کسی که غیبت کرده در عوض آن غیبت، به نامه عمل آن شخصی که غیبت او شده

۱. امام خمینی، شرح چهل حدیث، ص ۳۱۸.

۲. محمدی ری‌شهری، منتخب میزان الحکمه، ص ۴۳۹.

۳. همان، ص ۴۳۷.



ثبت می‌شود و گناهان این به دیوان اعمال او نقل داده می‌شود و چه احمق کسی باشد که به واسطه یک سخن در روز قیامت، وزر و وبال دیگری را متحمل گردد.<sup>۱</sup>

مکن غیبت هیچ‌کس را بیان که روزی شود بر تو غیبت عیان<sup>۲</sup>

### داستان غیبت

جابر بن عبدالله انصاری می‌گوید: روزی به اتفاق رسول خدا ﷺ به جایی می‌رفتیم. در بین راه، بوی گند به مشاممان رسید. حضرت با تفر و انزجار از این ماجرا فرمود: علت وزش این بوی گند، این بود که عده‌ای از منافقین پشت سر بعضی از مؤمنان غیبت می‌کردند.<sup>۳</sup>

انس بن مالک نیز می‌گوید: روزی رسول خدا ﷺ امر به روزه فرمود و دستور داد کسی بدون اجازه من افطار نکند. مردم روزه گرفتند؛ چون غروب شد، هر روزه‌داری برای اجازه افطار به محضر آن جناب آمد و حضرت اجازه افطار داد. در آن وقت مردی آمد و عرضه داشت: دو دختر دارم که تا کنون افطار نکرده‌اند و از آمدن به محضر شما حیا می‌کنند؛ اجازه دهید هر دو افطار کنند. حضرت جواب نداد. آن مرد گفته‌اش را تکرار کرد؛ حضرت پاسخ نگفت. چون بار سوم گفتارش را تکرار کرد، حضرت فرمود: آن‌ها که روزه نبودند! چگونه روزه بودند در حالی که گوشت مردم را خورده‌اند. به خانه برو و به هر دو بگو قی کنند. آن مرد به خانه رفت و دستور قی کردن داد. آن دو قی کردند و از دهان هر یک قطعه‌ای خون لخته‌شده بیرون آمد. آن مرد در حال تعجب به محضر رسول خدا ﷺ آمد و داستان را گفت. حضرت فرمود: به آن کسی که جانم در دست اوست، اگر این گناه غیبت بر آنان باقی مانده بود، اهل آتش بودند.<sup>۴</sup>

۱. ملا احمد نراقی، معراج السعاده، ص ۴۷۱.

۲. سعدی.

۳. فتال نیشابوری، روضة الواعظین، ص ۵۱۷.

۴. حسین انصاریان، عرفان اسلامی، ج ۱۰، ص ۱۲۴.

یکی دیگر از راه‌های درمان گناه، ذکر حق تعالی و سپس استغفار از آن گناه است. قرآن می‌فرماید:

«و آنان (نیکوکاران) چون کار زشتی کنند یا بر خود ستم روا دارند، خدا را به یاد می‌آورند و برای گناهانشان آمرزش می‌خواهند؛ و چه کسی جز خدا گناهان را می‌آمرزد؟ و بر آنچه مرتکب شده‌اند، با آن‌که می‌دانند [گناه است]، پافشاری نمی‌کنند.»<sup>۱</sup>

خدا ترسی و یاد خدا سبب ترک هر گناهی، از جمله غیبت می‌شود؛ زیرا جایی که ذکر خدا باشد، شیطان وارد نمی‌شود. اگر انسان به یاد خدا باشد، خدا نیز به یاد اوست و توجه خدا که مدیر و مدبر همه امور است، همه مشکلات جسمی و روحی انسان را برطرف می‌سازد؛ چنان‌که خداوند می‌فرماید:

«پس مرا یاد کنید، تا شما را یاد کنم و شکر آن‌ها را به جای آورید و با من ناسپاسی نکنید.»<sup>۲</sup>

یاد او کن تا تو روحانی شوی عاری از هر کید شیطانی شوی

---

۱. آل عمران، آیه ۱۳۵.

۲. بقره، آیه ۱۵.

## هشدارها و عبرتها

### یک خاطره و یک اشاره

حجت الاسلام محمد رضازاده جویباری، مدیر مؤسسه حفظ قرآن و نهج البلاغه پدر علی رضازاده جویباری نوجوانی است که در هفت سالگی حافظ کل قرآن و در هشت سالگی حافظ کل نهج البلاغه شد. او به همراه فرزندش در مسابقات بین المللی مختلفی شرکت کرده است. او می گوید:

هنگام بازگشت از یکی از سفرهایی که برای مسابقات بین المللی رفته بودیم و علی آقا مقام آوردند، با عده‌ای از ورزشکاران در هواپیما همسفر بودیم که به مسابقاتی اعزام شده بودند و شکست خورده بودند و بدون مقام بازگشته بودند. به فرودگاه که رسیدیم، دیدم از صدا و سیما، سازمان تربیت بدنی، فدراسیون و غیره با تشکیلات و تشریفاتی به استقبال این شکست خورده‌ها! آمده‌اند. بعد هم طبق برنامه و نظم با وسایل نقلیه رفتند. من و پسر هم دوتایی ساک‌هایمان را گرفتیم و با تاکسی به منزل رفتیم و اصلا کسی نفهمید ما که هستیم، چه کرده‌ایم و...!

### مرگ روزانه ۶۱ ایرانی در حوادث رانندگی

رئیس کل دادگستری استان البرز گفت: روزانه ۶۱ شهروند ایرانی بر اثر تصادفات

رانندگی جان خود را از دست می دهند.

فاضلیان گفت: در ۳۲ سال گذشته تعداد ۸۵۰ هزار نفر به دلیل حوادث رانندگی جان خود را از دست دادند، هم‌چنین در این مدت بیش از نه میلیون نفر مصدوم و ۴۳۶ هزار نفر روانه زندان شدند.

وی اظهار کرد: در ۱۰ سال گذشته شاهد فوت ۲۳۵ هزار شهروند در تصادفات جاده‌ای بودیم که این آمار در ۱۴ سال اخیر به بیش از ۳۱۵ هزار شهروند می‌رسد که مبلغی بالغ بر ۳۲ میلیارد تومان خسارت بر اقتصاد کشور وارد کرده است.

وی افزود: برخورد با قانون‌گریزی، ضعف در اجرای قانون و تشدید برخورد با متخلفان حوزه رانندگی سبب کاهش بروز حوادث جاده‌ای می‌شود.<sup>۱</sup>

### غذای ۱۵ میلیون گرسنه را دور نریزیم!

۳۵ میلیون تن غذا سالانه در ایران دورریز می‌شود. دود از سرتان بلند شد؟ فائو اعلام کرده است که روزانه در ایران، هر نفر ۱۳۴ کیلوکالری غذا دور می‌ریزد. ۳۰ درصد ضایعات مربوط به نان، ۳۰ تا ۵۰ درصد مربوط به میوه‌ها و سبزیجات، ۲۵ درصد مربوط به خرما و ۱۰ درصد مربوط به برنج است؛ همان برنجی که برای هر کیلو از آن تا زمان برداشت، حدود ۱۷۰۰ لیتر آب مصرف می‌شود و ما هرروز، بدون هیچ فکر و حساسیتی ته‌مانده برنج در بشقاب‌مان را روانه سطل زباله می‌کنیم؛ گویی یادمان رفته که خدا اسراف‌کاران را دوست ندارد! ماجرا غم‌بارتر می‌شود وقتی که آمار نشان می‌دهد، در ایران ۳۰ درصد جامعه از لحاظ دریافت انرژی دچار سوء تغذیه هستند و میزان دورریز ایرانی‌ها، معادل غذای ۱۵ میلیون نفر گرسنه است. متأسفانه ایران جزء سه کشور اول دورریز مواد غذایی است و ارزش مواد غذایی که به هدر می‌رود، به ۵ تا ۸ میلیارد هم می‌رسد. کمی با خودتان فکر کنید؛ سهم شما از این رقم چقدر است؟<sup>۲</sup>

1. <http://www.tabnak.ir/fa/news/598398>.

۲. ماهنامه فرهنگی - اجتماعی پیام زن، تیر و مرداد ۱۳۹۵، ص ۸.

### مردان، خانه‌دار می‌شوند!

غالباً واژه‌ی خانه‌داری، کاری زنانه را در ذهن تداعی می‌کند؛ اما آمار خیر از این دارد که تا ۱۰ سال آینده، خانه‌داری را باید کاری مردانه بدانیم! تا ۱۰ سال دیگر، ۴۵ درصد بازار کار ایران زنانه شده و کشور با پدیده‌ی «مردان خانه‌دار» مواجه می‌شود. این در حالی است که بسته‌ی ۳۲ بندی اشتغال زنان، شامل شرایط بیمه و بازنشستگی و ساعت کار هم تدوین شده است. در حال حاضر حدود ۲۴ میلیون نفر، در بازار کار ایران فعال هستند که ۱۹/۴ درصد آنان را زنان تشکیل می‌دهند و حدود ۳ میلیون و ۷۰۰ هزار نفر می‌شوند. مطالعات و آینده‌پژوهی بازار کار نشان می‌دهد که در ۱۰ سال آینده، قطعاً این نسبت تغییر می‌کند و با حضور مؤثر زنان در بازار کار ایران مواجه می‌شویم. بعید نیست که نسبت حضور زنان در بازار کار ایران تا ۱۰ سال آینده، از ۱۹ درصد فعلی به ۴۲ تا ۴۵ درصد برسد؛ یعنی الزاماً مردان مجبور می‌شوند به نفع شاغل شدن زنان، خانه‌نشین یا خانه‌دار شوند. به نظر شما خانه‌نشینی مردان و افزایش اشتغال زنان به نفع زنان است یا ضررشان؟<sup>۱</sup>

### روزانه ۱۰۰۰ مورد سقط جنین در ایران

ما روزی ۱۰۰۰ کشته می‌دهیم. خبری از تصادف و بلای طبیعی نیست! حرف از بلای دست‌ساز انسان است؛ سقط جنین! در سال ۷۰۰۰ مورد سقط قانونی انجام می‌شود و اگر آمار ۳۵۰ هزار سقط غیرقانونی را قبول کنیم، یعنی روزی ۱۰۰۰ کشته می‌دهیم و این یعنی به مرز هشدار رسیده‌ایم. هر سال در جهان، حدود ۲۰۵ میلیون بارداری اتفاق می‌افتد که بیش از یک‌سوم آن‌ها ناخواسته هستند و حدود یک‌پنجم به سقط جنین عمدی ختم می‌شود. بارداری ناخواسته، مهم‌ترین دلیل سقط جنین شناخته شده است؛ در حالی که سقط جنین چهارماهه، به هر دلیلی ممنوع و غیرقانونی است، بسیاری از افراد پول می‌دهند و با آمپول و قرص، به راحتی فرزندشان را می‌کشند! سقط عمدی جنین، خطرهایی همچون

۱. ماهنامه فرهنگی - اجتماعی پیام زن، تیر و مرداد ۱۳۹۵، ص ۸.

سرطان پستان، سرطان دهانه رحم و سوراخ شدن رحم را در پی دارد و شایع‌ترین علت مرگ مادران باردار است. به نظر شما سقط عمدی جنین با قتل عمدی نفس چه فرقی دارد؟<sup>۱</sup>

### همیشه در حال توجیه هستیم!

یکی از اشتباهات بزرگ ما این است که اگر در زندگی مرتکب اشتباهی می‌شویم، توجیه می‌کنیم و جاخالی می‌دهیم، بعد از خودمان می‌پرسیم: چرا من توفیق ندارم؟ چرا سید بحرالعلوم که در همین دنیا زندگی می‌کرد، رفیق امام زمان علیه السلام شد، ولی من نمی‌توانم؟ یا مگر سید بن طاووس چه کرده بود که از صدای امام زمان علیه السلام حضرت را می‌شناخت! معمولاً در پاسخ این سؤال این‌گونه توجیه می‌کنیم که سید بن طاووس از بچگی تحت تربیت استاد بود، ما که استاد نداریم. یا علامه بحرالعلوم، پدر و مادر خیلی خوب و با خدایی داشت که خیلی مراقبش بودند، ولی ما این امکانات را نداشتیم. یا مثلاً مقدس اردبیلی در محیط پاکی زندگی می‌کرد، محیط ما آلوده است! همیشه در حال توجیه هستیم، و بی‌توفیقی‌های خود را گردن دیگران می‌اندازیم، و هیچ-وقت نمی‌گوییم خودم تبل بودم، و این صفت بدی است که جلوی پیشرفت انسان را می‌گیرد.

اگر کسی در قیامت بخواهد از این بهانه‌ها بیاورد، خدا به او می‌فرماید: ساکت باش! من یک نفر را به تو نشان می‌دهم که حجت بر تو تمام می‌شود: «وَصَرَيبَ اللَّهِ مَثَلًا لِلَّذِينَ آمَنُوا إِمْرَأَةً فَزَعَوْنَ؛<sup>۲</sup> و برای کسانی که ایمان آورده‌اند؛ خدا همسر فرعون را مثل آورده است.»

اگر تو استاد نداشتی، همسر فرعون هم نداشت، اگر محیط تو آلوده بود، خانه او ام‌الفساد بود. اگر جوان بودی آسیه هم ۳۰ سال داشت. هیچ عذری نمی‌توانی بیاوری چون خودت نخواستی! اگر می‌خواستی تو هم می‌توانستی!<sup>۳</sup>

۱. ماهنامه فرهنگی - اجتماعی پیام زن، تیر و مرداد ۱۳۹۵، ص ۹.

۲. تحریم، آیه ۱۱.

۳. نویسنده: حجت‌الاسلام مسعود عالی، مجله آفاق، شماره ۳۸، ص ۵۱.

### افزایش مصرف لوازم آرایشی و بهداشتی

مدیر نظارت بر مواد آرایشی و بهداشتی معاونت غذا و دارو در خصوص میزان مصرف فرآورده‌های آرایشی در کشور با اشاره به این‌که رشد سالانه مصرف لوازم آرایشی و بهداشتی در ایران حدود ۱۲ درصد است گفت: ۸۰ تا ۹۰ درصد لوازم آرایشی و بهداشتی به صورت قاچاق و تقلبی وارد کشور می‌شوند.

شهریار مستوفی افزود: سالانه بیش از ۸۵۰ میلیون دلار لوازم آرایشی و بهداشتی قاچاق وارد کشور می‌شود در حالی‌که واردات رسمی در ۸ ماهه نخست امسال کم‌تر از ۵۰ میلیون دلار بوده است.

وی با اشاره به این‌که سن استفاده از لوازم آرایشی و بهداشتی در ایران به کم‌تر از ۱۴ سال رسیده است گفت: سالانه بیش از ۲/۱ میلیارد دلار از بازار ۷/۲ میلیارد دلاری خاورمیانه به کشور ما اختصاص دارد.<sup>۱</sup>

### هزینه‌های میلیاردی برای فوتبال و بهاندادن به نماز

به گزارش خبرگزاری «حوزه» از شیراز، حجت الاسلام علی سقاچی، در جمع خبرنگاران اظهار داشت: مشکلات امروز جامعه بشری ناشی از غفلت و شهوت است و قرآن کریم برای رفع هر کدام از این آسیب‌های اجتماعی نسخه دارد و می‌فرماید: برای رفع غفلت در جامعه باید به دنبال ذاکر شدن مردم برویم و ذکر را ترویج کنیم و برای شهوت باید به دنبال ترویج ازدواج باشیم.

قائم مقام ستاد اقامه نماز استان فارس تصریح کرد: آیا می‌توان خیری را در عالم یافت که در نماز نباشد؟ چرا از سال ۸۰ تا ۸۵ به میزان ۸۲ درصد طلاق‌های توافقی افزایش یافته است؟ چرا جرائم پزشکی ۴۰۰ درصد رشد داشته است؟ آیا طلاق جزء آسیب‌های اجتماعی و ناهنجاری‌ها نیست؟ آیا اختلاس جزء آسیب‌ها و ناهنجاری‌ها نیست؟ مگر ما به دنبال عدالت و خیرخواهی نیستیم؟ احکام اسلام برای زندگی همراه با خدا ترسی،

1. <http://www.farsnews.com/13951025001179>.

عدالت و عاقبت به خیری است؛ همه این مشکلات به خاطر حکومت ندادن به نماز است.

وی با انتقاد از رفتار برخی از ادارات در توجه به اقامه نماز، افزود: چرا یک نفر که پایین‌ترین رتبه را در اداره دارد به عنوان مسئول نماز مشخص می‌کنیم و بعد توقع هم داریم که این نماز بازدارندگی از آسیب‌های اداری داشته باشد.

قائم مقام ستاد اقامه نماز استان فارس گفت: متولیان مسجد باید بهترین و خوش اخلاق‌ترین افراد باشند، نه بد اخلاق‌ترین و زشت‌ترین افراد!

وی تصریح کرد: مسئولین جوابگو باشند که برای اقامه نماز چقدر سرمایه‌گذاری کرده‌اند؟ وقتی می‌بینیم در فصل گذشته لیگ فوتبال ۳۵۰ میلیارد تومان هزینه فوتبال‌بلیست‌ها می‌شود! باید بگوییم ما مخالف فوتبال نیستیم اما آیا مسئولین ما حاضرند برای اقامه نماز نیز همین مقدار هزینه کنند؟

این پژوهشگر دینی افزود: مدیر زندان شیراز می‌گوید: از ۸۹ درصد ورودی‌های زندان بی‌نماز هستند. به نظر می‌رسد همه ما باید به این باور برسیم که باید به نماز حکومت داد تا بقیه مشکلات ما هم برطرف شود، زیرا نماز زندگی انسان را توأم با سرافرازی و سربلندی می‌کند.<sup>۱</sup>

### آمار شبکه‌های ماهواره‌ای

آمارها نشان می‌دهد بیش از ۱۷ هزار شبکه ماهواره‌ای در جهان فعال است که از این تعداد حدود ۳ هزار شبکه در داخل ایران با آنتن‌های معمولی قابل دریافت است. از این تعداد ۳۸۰ شبکه به موسیقی، ۸۰ شبکه به تبلیغات مدل لباس و لوازم آرایشی، ۲۸۰ شبکه به تبلیغ و ادیان و فرقه‌های مختلف، اختصاص یافته‌اند و ۲۴۰ شبکه برنامه‌های مبتدل را پخش می‌کنند. در میان آن‌ها شبکه‌های فارسی زبان که فقط برای فارسی‌زبانان و خصوصاً ایرانی‌ها برنامه تولید و پخش می‌کنند، هم اینک به بیش از ۱۶۰ کانال رسیده است. بر اساس بررسی‌های آماری، حدود ۴۰ درصد مردم در کل کشور از ماهواره

1. <http://WWW.hawzahnews.com/detail/News/401014>.



استفاده می‌کنند. این رقم در تهران ۷۱ درصد است!<sup>۱</sup>

### افزایش ارتباط با جنس مخالف

مشاور وزیر فرهنگ و ارشاد در امور جوانان و خانواده: اکنون نسبت به ۲۵ سال پیش ارتباط نوجوانان با جنس مخالف سه برابر و سن شروع ارتباط نیز سه سال کم‌تر شده است. با بررسی‌های انجام شده از دختران تازه‌وارد به دانشگاه، فهمیده شد که ۵۰ درصد این دختران ارتباط با جنس مخالف داشته‌اند و ۴۰ درصد آن‌ها در زیر ۱۴ سال این ارتباط را شروع کرده‌اند. این بررسی نشان می‌دهد که ارتباط با جنس مخالف اغلب در سنین راهنمایی و دبیرستان شروع شده است.

بررسی‌ها نشان می‌دهد که اغلب دختران به دنبال ارتباط ساده و پاک هستند، اما باید بدانیم که ارتباط ساده و پاک اغلب به ازدواج ختم نمی‌شود و این روابط اغلب شکننده است. چنان که پسرهای غربی نیز در پاسخ به این سؤال که آیا دوستی بدون رابطه جنسی باقی می‌ماند، اذعان کرده‌اند: خیر.<sup>۲</sup>

### ۵۳ درصد ایرانیان، عضو شبکه‌های اجتماعی

مطابق اطلاعات وبسایت «الکسا»، ایران در صدر کشورهای استفاده‌کننده از تلگرام قرار دارد و بیش از ۴۲ درصد کاربران این شبکه پیام‌رسان ایرانی هستند. این درحالی است که کشور بعدی، روسیه است که تنها ۶ درصد کاربر دارد.

آقای محمد آقاسی، مدیرعامل مؤسسه افکارسنجی دانشجویان ایران در ادامه با بیان این که «ما، بین عضویت در شبکه‌های اجتماعی و استفاده از آن تفاوت قایلیم»، از عضویت ۲۸ میلیون نفری ایرانیان در تلگرام خبر داد: «طبق نظرسنجی که انجام داده‌ایم ۵۳ درصد مردم عضو شبکه‌های اجتماعی هستند و تلگرام بیش‌ترین محبوبیت را دارد که چیزی برابر ۲۸ میلیون نفر می‌شود. از هر ۱۰۰ مرد ایرانی ۵۵ نفر و از هر ۱۰۰ زن

۱. مجله خانه خوبان، ویژه ماهواره، ص ۲۵.

۲. مجله خانه خوبان، ویژه خانواده‌ها، آذر ۹۴، ص ۶۹.

ایرانی ۵۱ نفر عضو شبکه‌های اجتماعی هستند.<sup>۱</sup>

### باتلاق غیراخلاقی شبکه‌های مجازی

مؤمن نسب کارشناس فضای مجازی گفت: یکی از نیازهای امروز جامعه، آموزش سواد فضای مجازی به مردم است؛ به این معنی که مردم بتوانند تشخیص دهند که چه محصولی خوب است و چه محصولی بد و از محصول بد استفاده نکنند؛ در همین زمینه مردم باید بیاموزند که محصولات رسانه‌ای را به خوبی مصرف کنند.

این کارشناس رسانه یادآور شد: از جمله محصولات بد تکنولوژیک امروز می‌توان ابزارهایی چون وایبر و اینستاگرام و تلگرام را نام برد که این محصولات همچون باتلاقی هستند که هر چه قدر سعی می‌کنیم از آن‌ها فرار کنیم بیش‌تر در این باتلاق فرو می‌رویم. این کارشناس فضای مجازی بیان کرد: کشور آمریکا از کشورهایی است که جزو تولیدکنندگان اصلی فضای مجازی در دنیا است؛ ولی براساس آمار ۶۰ درصد پسرها و ۹۰ درصد دخترها در اینترنت به سراغ پورنوگرافی و مسائل غیراخلاقی هستند.

وی گفت: آمریکایی‌ها معترف هستند که اگر کسی زیر ۱۸ سال وارد اینترنت شد و پس از مدت کوتاهی به مسائل غیراخلاقی کشیده نشد، یا مریض است یا معجزه شده است، به همین دلیل است که باید به شدت در خصوص این فضا اطلاع‌رسانی شود.

وی گفت: امروزه والدین نگرانی بسیاری نسبت به آلوده‌نشدن فرزندان خود در عرصه فضای مجازی دارند؛ مهم‌ترین این مسأله آن است تا زمانی که هویت حقیقی فرزند خود را شناسیم نمی‌توانیم درباره هویت مجازی آن صحبت کرده و برنامه‌ریزی مناسبی داشته باشیم.<sup>۲</sup>

### ۷۰ درصد زندانیان ایران، مربوط به مواد مخدر هستند

رئیس سازمان زندان‌ها گفت: در حال حاضر قریب ۷۰ درصد از زندانیان ما را زندانیان مربوط به مواد مخدر تشکیل می‌دهند و حدود ۱۰۰ هزار نفر به طور مستقیم در رابطه با

1. <http://www.shafaf.ir>.

2. <http://WWW.hawzahnews.com/detail/news/403427>.

جرم مواد مخدر در زندان‌ها محبوس‌اند و بار بسیار سنگینی را بر دوش ما گذاشته‌اند. وی تصریح کرد: ما برای ایجاد هفت اردوگاه نگهداری مجرمین مواد مخدر (مصوبه شورای عالی امنیت ملی) به ۷۰۰ میلیارد تومان اعتبار نیاز داریم.<sup>۱</sup>

### سالانه بیش از ۳ هزار نفر بر اثر عوارض مصرف مواد مخدر در ایران می‌میرند

به گزارش فارس، پرویز افشار معاون ستاد کل مبارزه با مواد مخدر درباره وجود ناخالصی در مواد مخدر و بروز مشکلات احتمالی در اثر این امر برای معتادین گفت: روزانه به‌طور میانگین ۸ معتاد و سالانه بیش از ۳ هزار نفر بر اثر عوارض مصرف مواد مخدر در ایران می‌میرند.

افشار تصریح کرد: قاچاقچیان مواد مخدر برای حصول سود بیش‌تر و هم‌چنین جلوگیری از افزایش قیمت مواد، ناخالصی‌هایی را به آن برای افزایش وزن اضافه می‌کنند که این ناخالصی‌ها موجب بروز عوارضی می‌شود. معاون و سخنگوی ستادکل مبارزه با مواد مخدر خاطر نشان کرد: مهم‌ترین ناخالصی‌هایی که در سال ۹۴ و ۹۵ به مواد مخدر از سوی قاچاقچیان بین‌المللی افزوده شده ترکیبات سرب بوده است.<sup>۲</sup>

### نوجوانان گوژپشت

یک نشریه معتبر انگلیسی تصاویر تکان‌دهنده‌ای را از کودکان و نوجوانان ۷ تا ۱۷ ساله منتشر کرد که نشان می‌داد به دلیل اعتماد به استفاده از تلفن‌های هوشمند، گوژپشت شده‌اند و ستون فقرات آن‌ها به طرز غیرعادی انحنای پیدا کرده است. به گفته محققان، کاربران تلفن همراه به‌طور متوسط روزی چهار ساعت به تلفن همراه خود خیره می‌شوند که منجر به بیش از هزار و ۴۰۰ ساعت فشار مضاعف بر ستون

1. <http://www.asriran.com>.

2. <http://www.tabnak.ir/fa/news/624616>.

مه‌ره‌های ناحیه گردن در طول یک سال می‌شود. وضعیت‌ی که انسان در هنگام خیره‌شدن به تلفن دارد، باعث سایش بیش از حد می‌شود که در نهایت برای تصحیح آن به عمل جراحی نیاز خواهد بود.

پزشکان معتقدند که بر اثر خم‌شدن مکرر سر، ستون فقرات تا بیش از چهار سانتی‌متر تغییر می‌کند، تغییرات عاطفی و رفتاری و نیز کشیدگی ستون فقرات و ساقه مغز که بر تنفس، ضربان قلب و فشار خون تأثیر می‌گذارد، از دیگر عوارض استفاده زیاد کودکان و نوجوانان از تلفن‌های هوشمند و تبلت است.<sup>۱</sup>

---

۱. مجله خانه خوبان، ویژه خانواده‌ها، آذر ۹۴، ص ۷۱.

## دفاع از «۱۳»

آیت‌الله شهید مرتضی مطهری\*

قرآن کریم می‌فرماید:

«وَكُلِّ إِنْسَانٍ أَلْزَمْنَاهُ طَائِرَهُ فِي عُنُقِهِ وَنُخْرِجُ لَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ كِتَابًا يَلْقَاهُ مَنشُورًا»<sup>۱</sup>

عدد سیزده، عددی است که بدون ارتکاب هیچ جرم و جنایتی و بدون هیچ سابقه سوئی، به تعبیر قرآن، این بشر جهول ظلوم، او را محکوم کرده و برای او نحوست قائل شده است و گناهان و جرم‌ها و جنایات و تبعات و آثار سوئی که این گناهان دارد، تمام این‌ها را خود بشر مرتکب شده است، همه را - زیرکانه یا احمقانه - از دوش خودش برداشته است و به دوش چیزهای دیگری که آن‌ها را نحس‌ها و شوم‌ها نامیده، گذاشته است و در میان همه اشیائی که بشر برای آن‌ها شئامت و نحوست قائل است اعداد سهم بیش‌تری دارند. در مجموع، بشر در این مسئله بیش‌تر پایبند اعداد شده است و در میان اعداد هم از همه - به اصطلاح - مظلوم‌تر و بی‌چاره‌تر و توسری‌خورتر عدد سیزده بوده است. حال چگونه این عدد، این‌طور توسری‌خور از کار درآمده است، باید جامعه‌شناسان، تاریخ‌شناسان،

---

\* برگرفته از مجموعه آثار، ج ۲۵، ص ۴۰۲ - ۴۰۵.

۱. اسراء، آیه ۱۳.

آن‌هایی که در تاریخ فکر بشر و تاریخ اقوام مطالعه دارند برای ما بیان کنند که چرا اولاً عدد از هر شیء دیگر بیش‌تر مورد این هجوم بشر واقع شده است، و ثانیاً چرا در میان عددها عدد سیزده از اعداد دیگر توسری خورتر از آب درآمده است؟

ما سابقاً خیال می‌کردیم که این امر اختصاص به ملت ما دارد، بعد اطلاع پیدا کردیم که ملت‌های به اصطلاح پیشرفته - یعنی اروپایی‌ها و آمریکایی‌ها - صد درجه بیش‌تر از ما به این عدد تهاجم کرده‌اند. در میان ما من ندیده‌ام جز این که سیزده صفر یا سیزده فروردین و احیاناً سیزدهم هر ماه را، یعنی این روزهای معین را، مورد حمله و هجوم قرار بدهند و منحوس بشمارند و کم‌تر در موارد دیگر دیده‌ام؛ یادم هست که من بچه بودم در فریمان، سر خرمن که می‌رفتیم، سالارها وقتی خرمن می‌کشیدند یک آداب و تشریفاتی قائل بودند برای این که خرمن برکت پیدا کند.

یکی از آن آداب و تشریفات این بود که شخص وقتی پیمان‌ها را پر می‌کرد، به سیزده که می‌رسید، برای این که مبادا نحوست سیزده برکت را از این خرمن بگیرد، نمی‌گفت سیزده، می‌گفت: زیاده! بعد می‌گفت: چهارده؛ می‌ترسید اگر سیزده بگوید برکت از خرمن گرفته شود.

البته یک دهاتی بی‌سواد بیش از این فکرش نمی‌رسد بخواهد خودش را از چنگال سیزده فرار بدهد، کلمه سیزده را تبدیل می‌کند به زیاده، با این که رابطه‌ای میان سیزده و زیاده نیست؛ اما اگر تحصیل کرده بود و تحصیلات عالی داشت، به شکل دیگری به نحوست سیزده رسمیت می‌داد و از آن فرار می‌کرد. پلاک‌هایی که روی خانه‌ها و مغازه‌ها می‌زند، نمی‌نویسد زیاده، می‌نویسد: «۱۲ + ۱» یا «۱۱ + ۲» و یا «۱۴ - ۱» مبادا اگر رقم سیزده در این جا باشد، خدای نخواستہ کارهای شهرداری - از این نظم بسیار اساسی که دارد - خارج شود.

### ریشه فکر نحوست «۱۳»

اساساً این فکر از کجا پیدا شده است؟ به نظر من دو خاصیتی که در بشر هست سبب پیدایش فکر نحوست در اشیا و اعداد شده است. یکی این که بشر به طور کلی خودخواه است، یک حالت گریز از مرکز در مسئله تقبل مسئولیت‌ها دارد؛ یعنی نمی‌خواهد

مسئولیت شکست‌های خودش را متوجه خودش بکند. همیشه دنبال این می‌گردد که یک چیز دیگری پیدا کند و بگوید: این بدی، این شکست، این بدبختی که پیدا شد، این من نبودم، این فکر من نبود، این خُلق من نبود، این روح من نبود، این عادت اشتباه من نبود، این جهل و نادانی من نبود که باعث این شکست شد، یک چیز دیگری بود. این یک علت بوده است که بشر برای این که از تقبل مسئولیت‌ها فرار کند. بنابراین برای اشیاء، برای چهارشنبه، برای سیزده، برای بیست‌وپنج، برای صدای کلاغ، برای صدای جغد، نحوست قائل شده است.

خاصیت دیگر، روح تنبلی است که در انسان می‌باشد. انسان وقتی بخواهد علت قضایا را بفهمد، باید از طریق علمی و عقلی، کاوش و تفکر و جست‌وجو و تفحص کند تا علت واقعی اشیا را درک کند، ولی با خیال، همه قضایا را زود می‌شود حل کرد. اگر در جنگی شرکت کردیم و شکست خوردیم، چنانچه بنا بشود روی اصول دقیق علمی بررسی کنیم که چرا شکست خوردیم، دو ناراحتی دارد: یکی این که می‌رسیم به این که خودمان مسئول این شکست بودیم؛ دوم این که مدت‌ها باید زحمت بکشیم و به خودمان رنج بدهیم تا علت‌ها را به دست بیاوریم؛ بعد رنج دیگری متحمل شویم تا آن علت‌ها را از میان ببریم و وضع خودمان را اصلاح کنیم، ولی با یک کلمه خودمان را راحت می‌کنیم و می‌گوییم: علت این که ما در این جنگ شکست خوردیم این بود که مثلاً در روز چهارشنبه شروع کردیم یا روز سیزده بود یا وقتی که از شهر خودمان خارج می‌شدیم سگی جلو ما درآمد عوعویی کرد و این نحوست داشت و شکست ما اثر عوعو آن سگ بود.

### نگاهی به آیات قرآن

قرآن کریم این مسئله را به شکل عجیبی طرح می‌کند. اولاً آن را به اقوام مختلفی نسبت می‌دهد: به آل فرعون، به مردم عاد و به مردم انطاکیه، که این‌ها در مقابل دعوت رسل اظهار تطیر می‌کردند؛ یعنی فال بد می‌زدند و قرآن کریم در آیات زیادی با کمال صراحت این مطلب را می‌گوید که منشأ فال بد، هر شومی و نحوستی که وجود دارد، خارج از وجود خود بشر نیست؛ یعنی بشر ممکن است فکر و عقیده‌اش فکر و عقیده

شومی باشد؛ وقتی که فکر و عقیده‌اش سراسر خرافه و جهالت است، شومی در جهالت است، شومی جز در اخلاق فاسد در جای دیگری نیست، شومی جز در اعمال پلید در چیز دیگری نیست. از نظر سعادت بشری، اگر بخواهیم حساب کنیم چه کشفی بزرگ‌ترین کشف‌ها در دنیاست، من فکر می‌کنم بزرگترین کشفی که در دنیا به حال بشر مفید و سعادت‌مند است و بسیار عمیق و ارزنده است ولی بشر کم‌تر می‌خواهد زیر بار آن برود این کشف است:

**دَوَاؤُكَ فَيْكَ وَمَا تَشْعُرُ**      **وَدَاؤُكَ مِنْكَ وَمَا تَنْظُرُ<sup>۱</sup>**  
ای بشر! دردت از خودت برمی‌خیزد، منشأ بدبختی تو خودت هستی نه چیز دیگر، سرنوشت شوم را خودت به دست خودت برای خودت به وجود می‌آوری، سرنوشت شوم تو به دست دیگری نیست. هم‌چنین تبدیل سرنوشت هم جز به دست خودت نیست؛ چاره این شومی و این سرنوشت بد هم در وجود خودت است: «**وَكُلُّ انْسَانٍ لِّلْزَمَانِ طَائِرُهُ فِي عُنُقِهِ وَ نُخْرِجُ لَهُ يَوْمَ الْقِيَمَةِ كِتَابًا يَلْقِيهِ مَشْهُورًا<sup>۲</sup>**»

در عرب چون اصل فال بد زدن را از مرغ‌ها گرفته بودند و بعضی از مرغ‌ها را شوم حساب می‌کردند، بنابراین فال بد زدن را «تَطِير» می‌نامند. از صدای کلاغ یا نوای جغد فال بد می‌گرفتند. در تواریخ نوشته‌اند و در کتب مقاتل دیده‌ام که وقتی اسرای اهل بیت را وارد شام می‌کردند و مردم به استقبال آنان بیرون آمده بودند، گویا خود یزید ابن معاویه هم به جایی در بیرون شهر آمده بود و در آن‌جا کلاغی صدا کرد و او از این امر فال بد گرفت، بعد این رباعی را گفت:

**لَمَّا بَدَتْ تِلْكَ الرَّؤُوسُ وَ اشْرَقَتْ**      **تِلْكَ الشُّمُوسُ عَلَى رِدَى جِيْرُونِ**  
**صَاحَ الْغُرَابُ فَقُلْتُ صِحَّ اَوْ لَا تَصِحَّ**      **فَلَقَدْ قَصَّيْتُ مِنَ النَّبِيِّ دِيُونِي<sup>۳</sup>**

می‌گوید: وقتی که آن سرها و آن خورشیدها (مقصودش زنان اسیر است) از دور بر

۱. یعنی دواهای درد تو در توست و تو متوجه نیستی، و دردهای تو همه از توست و تو نمی‌بینی.

۲. اسراء، آیه ۱۳: «و کارنامه هر انسانی را به گردن او بسته‌ایم و روز قیامت برای او نامه‌ای که آن را گشاده می‌بیند بیرون می‌آوریم».

۳. محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۴۵، ص ۱۹۹.



ما فوق جیرون (نام نقطه‌ای بوده است در بیرون شام، شاید الآن هم به این اسم باشد) پیدا شدند، کلاغ آمد فریاد کشید، من این را به فال بد گرفتم که عاقبت کارم بد خواهد شد ولی به کلاغ گفتم: تو می‌خواهی فریاد بکن، می‌خواهی فریاد نکن، من دینی را که به پیغمبر اسلام داشتم ادا کردم.

به هر حال مسئله تطییر و فال بد زدن مسئله‌ای است که در اسلام به هر نام و عنوانی محکوم است و چنین چیزی وجود ندارد. در سراسر تعلیمات اصیل اسلامی شما کلمه‌ای در این موضوع پیدا نمی‌کنید. ما کلمه نحس و یوم نحس را در دو جای قرآن داریم. خیلی جالب است؛ هر دو جا هم درباره قوم عاد است پس از نزول عذاب بر آن‌ها: «إِنَّا أَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ رِيحًا صَرْصَرًا فِي يَوْمِ نَحْسٍ مُّسْتَمِرٍّ»<sup>۱</sup> یا «فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ رِيحًا صَرْصَرًا فِي أَيَّامٍ نَّحِسَاتٍ»<sup>۲</sup>

کلمه «نحس» در این آیه را مفسرین دو جور معنی کرده‌اند؛ یکی این که مقصود این است که روز سرد و پر باد و غباری بوده است؛ به همین دلیل قرآن به آن «نحس» گفته است، زیرا کلمه نحس جز سختی و شدت یا ترسناک و وحشت‌زا بودن مفهوم دیگری ندارد. بعضی گفته‌اند مقصود این است که در یک روز شومی [چنین کردیم]. خود قرآن در کمال صراحت اعلام می‌کند: این مردم معذب شدند، چرا معذب شدند؟ به خاطر اعمال و افکارشان، به خاطر طغیان‌های‌شان در مقابل امر الهی. آن روزی که مردم آن سرنوشت محتوم را از عمل خودشان پیدا می‌کنند و دچار نکبت و بدبختی می‌شوند، قرآن آن روز را روز نحس می‌داند. آن روز، دیگر نه چهارشنبه است، نه پنجشنبه، نه جمعه، نه شنبه... و نه اول، نه دوم، نه سیزده... هر روزی که مردمی به کیفر اعمال خودشان گرفتار شدند و در عقوبت اعمال خودشان دست‌وپا زدند، بدانند در روز نحسی گرفتارند. خود قرآن توضیح می‌دهد: «قُلْ هُوَ الْقَادِرُ عَلَىٰ أَنْ يَبْعَثَ عَلَيْكُمْ عَذَابًا مِّنْ فَوْقِكُمْ أَوْ مِنْ تَحْتِ أَرْجُلِكُمْ أَوْ يَلْبِسَكُمْ شِيْعًا»<sup>۳</sup>

۱. قمر، آیه ۱۹: «ما بر [سر] آنان در روز شومی به طور مداوم تبدادی توفنده فرستادیم».

۲. فصلت، آیه ۱۶: «پس بر آنان تبدادی توفنده در روزهایی شوم فرستادیم».

۳. انعام، آیه ۶۵: « بگو او تواناست که از بالای سرتان یا از زیر پاهایتان عذابی بر شما بفرستد یا شما را گروه گروه به هم اندازد [و دچار تفرقه سازد]».

ممکن است شما بگویید: الحمدلله ما که معذب نیستیم، پس ما در هیچ روز نحسی قرار نگرفته‌ایم. اتفاقاً ما الآن باید بفهمیم تمام روزهای ما نحس است؛ روز اول فروردین ما هم نحس است چون ما به نص قرآن مجید مردم معذبی هستیم، مردمی هستیم که خودمان به جان یک‌دیگر افتاده‌ایم. ما تمام ملل مسلمان، امروز در ایام نحسات به سر می‌بریم. آن عذاب الهی که می‌بینید، مظهر اعلایش اسرائیل است، چرا؟ اعمال خودمان.

ما که قرن‌ها جز در راه جدایی و دشمنی و تحریک اعصاب علیه یک‌دیگر قدم برنداشته‌ایم، طبیعی است که دشمن مسلط شود. ما اگر بخواهیم از این نحس خارج شویم چه باید بکنیم؟ آیا برویم بیرون شهر، سبزه‌ها را گره بزیم تا از نحسی خارج شویم؟! با سمنو پختن از نحسی خارج می‌شویم؟! با بیرون ریختن سبزه در روز سبزه از خانه، از نحسی خارج می‌شویم؟! چرا خانه‌ات را در این روزها می‌کنی و می‌روی؟! از خودت بیرون بیا، از این رفتار زشت خودت بیرون بیا، از این عادات زشت بیرون بیا، از این افکار زشت خودت خارج شو، از این ملکات کثیف و پلیدی که گرفتارش هستی خارج شو. آیا تو با آن کارها از نحوست بیرون می‌آیی؟! سبزه چه گناهی دارد؟ خانه و زندگی چه گناهی دارد؟ از سمنو چه کاری ساخته است؟! از سبزه گره‌زدن چه کاری ساخته است؟! به خدا ننگ این مردم است که روز سبزه را به عنوان سبزه بدر می‌روند؟ من نمی‌فهمم آن‌هایی که اسم تنویر افکار و پرورش افکار روی کار خودشان می‌گذارند چرا یک کلمه نمی‌گویند! بعضی برعکس، ترویج و تشویق می‌کنند! روزی که سمبل خرافه و حماقت ماست روز تعطیلی است. بدانید این مسائل مال اسلام نیست، ابداً، نه سبزه صفر نه غیر صفر، من حتی به تمام مدارک و اخبارش مراجعه کردم.

متأسفانه بعضی از علمای بزرگ ما یک چیزهایی راجع به اختیارات روزها نوشته‌اند. وقتی نگاه کردیم دیدیم آن‌ها هم روی این حساب که به خیال خودشان مردم را از منجم‌ها برگردانند، از چاه درآورده‌اند و به چاله انداخته‌اند؛ مطالب بدون سندی را نقل کرده‌اند ولی ما اخبار بسیار معتبری در این زمینه داریم که به ما گفته‌اند ابداً دنبال این حرف‌ها نروید. اوضاع کواکب دلالت می‌کند بر چه و چه، امروز برای فلان کار شاید و برای فلان کار نشاید؛ این‌ها از اسلام نیست و ضد اسلام است.

اسلام با تطییرهایی که در جاهلیت بود مبارزه کرد. البته علتی دارد که این‌ها بعد پیدا شد. وقتی که دوره ترجمه آثار دیگران فرارسید و از آثار یونانی و هندی و احیاناً ایرانی چیزهایی ترجمه کردند خلفا بیش از هر چیزی به مسئله نجوم احکامی توجه کردند، از بس که علاقه‌مند به سرنوشت شخص خودشان بودند که طالع و ستاره‌هایشان را ببینند. از آن زمان مسئله نجوم احکامی رایج شد. بعد کم‌کم این‌ها وارد مسائل مذهبی و دینی هم شد، به دست یهودی‌ها و شاید بیش‌تر از دیگران هندی‌ها و به دست افرادی که معتقد به این امور بودند. چون عامه مردم نمی‌پذیرفتند، می‌آمدند مثلاً می‌گفتند: پیغمبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ یا امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَام و یا امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام چنین فرموده است. ولی ما در متون احادیث معتبر خودمان از این حرف‌ها چیزی نداریم؛ یک چیزهایی در قرن ششم و هفتم شاید به نام حدیث درآمده و قبل از آن نبوده است، یا اگر قبل از آن اندکی هست، بدون سند است و بدون این‌که معلوم باشد که از کجا پیدا شده، همین‌قدر می‌گوید در فلان کتاب چنین حرفی آمده و فلان عالم هم آن را نقل کرده است. این‌ها مربوط به اسلام نیست.

### نگاهی به روایات

پیغمبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در کمال صراحت فرمود: «رُفِعَ عَنْ أُمَّتِي... وَ الطَّيْرَةُ؛<sup>۱</sup> در امت من تطییر و فال بد وجود ندارد». خود پیغمبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اشیاء را به فال نیک می‌گرفت و هرگز فال بد نمی‌زد و از فال بد منع می‌کرد. فرمود: «اِذَا تَطَيَّرْتَ فَاَمِضْ وَ اِذَا حَسَدْتَ فَلَا تَبِعْ؛<sup>۲</sup> هر وقت به دلت بد آمد، با آمدن چیزی دلت چرکین شد و تطییر زدی، اعتنا نکن.» باز فرمود: «لَا تُعَادُوا الْاِيَامَ فَيُعَادِيكُمْ؛<sup>۳</sup> با ایام و روزگاریا دشمنی نکنید که آنگاه آن‌ها دشمن شما می‌شوند.»

امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام فرمود: تطییر چیزی است که اگر سخت‌گیری بر تو سخت می‌گیرد،

۱. ابن شعبه حرانی، تحف العقول، ص ۵۰.

۲. همان.

۳. محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۹۹، ص ۲۱۱.

چون وقتی سخت می‌گیری، خودت هستی که بر خودت سخت می‌گیری، و اگر سست بگیری بر تو سست می‌گیرد؛ اگر اعتنا نکنی می‌بینی چیزی نبوده است.

یکی از چیزهایی که برای خود من هم خیلی جالب بود این است که ما معمولاً وقتی خانه‌مان را عوض می‌کنیم و می‌خواهیم به خانه جدید برویم یک گوسفند می‌کشیم، یا اگر چشمه‌ای جاری می‌کنیم، کار جدیدی می‌کنیم، یک گوسفند می‌کشیم. پیغمبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ **نَهَى عَنْ ذَبَائِحِ الْجِنِّ**؛<sup>۱</sup> پیغمبر از ذبایح جن نهی کرد. معلوم می‌شود اسم این‌ها در قدیم ذبیحة الجن بوده است. بعد فرمود: **وَهُوَ أَنْ يَشْتَرِيَ الرَّجُلُ الدَّارَ أَوْ يَسْتَخْرِجَ الْعَيْنَ وَ مَا أَشْبَهَ ذَلِكَ**؛ یعنی کسی خانه‌ای می‌خرد یا چشمه‌ای را استخراج و جاری می‌کند یا کاری مثل این‌ها می‌کند، **فَيَذْبِحُ لَهُ ذَبِيحَةً لِلطَّيْرَةِ**؛ بعد گوسفندی را می‌کشند برای این‌که جلو چشم مردم را بگیرند، **مَخَافَةَ أَنْ يَفْعَلَ أَنْ يُصِيبَهُ شَيْءٌ مِنَ الْجِنِّ**؛ از ترس این‌که اگر این کار را نکند جن‌ها به او آسیب می‌رسانند.

ما می‌گوییم چشم‌زخم، معلوم می‌شود عرب‌های جاهلیت می‌گفتند جن می‌آید این کار را می‌کند. **فَابْطَلْ ذَلِكَ النَّبِيُّ وَ نَهَى عَنْهُ**؛ پیغمبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ این سنت رایج جاهلیت را - که مجدداً در میان ما رایج شده است - باطل کرد. این حدیث را از کتاب و وسائل که از کتب معتبر حدیث می‌باشد نقل کردم.

ما چند روایت داریم که مربوط به زمان حضرت هادی عَلَيْهِ السَّلَام است. چون عصر ایشان پیش‌تر عصری بوده است که نجوم آمده است و این حرف‌ها را سؤال می‌کرده‌اند. احمد دقاق بغدادی گفت: **« كَتَبْتُ إِلَى أَبِي الْحَسَنِ الثَّانِي عَلَيْهِ السَّلَام أَسْأَلُهُ عَنِ الْخُرُوجِ يَوْمِ الْأَرْبَعَاءِ لَا يَدُورُ**؛<sup>۲</sup> از امام هادی عَلَيْهِ السَّلَام درباره چهارشنبه آخر ماه سؤال کردم، **فَكَتَبَ عَلَيْهِ السَّلَام مَنْ خَرَجَ يَوْمَ الْأَرْبَعَاءِ لَا يَدُورُ خِلَافًا عَلَى أَهْلِ الطَّيْرَةِ وَفِي مِنْ كُلِّ آفَةٍ وَ عَوْفِي مِنْ كُلِّ عَاهَةٍ**؛<sup>۳</sup> هر کسی که به رغم مردمی که این جور فکر می‌کنند و فال بد می‌زنند، مخصوصاً روز چهارشنبه آخر ماه (یا آخر سال) بیرون برود یعنی به خدا توکل کند،

۱. حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۵۰۷.

۲. محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۵۶، ص ۴۳.

۳. همان.

خداوند در ازای این توکل و این مخالفت با اهل تطیر، او را از هر آفت و بیماری حفظ می‌کند.»

پیغمبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود:

«كَفَّارَةُ الطَّيْرَةِ التَّوَكُّلُ؛<sup>۱</sup> کفاره طیره توکل است.»

این که کلمه «کفاره» به کار رفته است یعنی طیره گناه است؛ اگر می‌خواهید این گناه از بین برود، بر خدا توکل کنید، اثر این گناه از میان می‌رود.

هم‌چنین پیغمبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وقتی که می‌خواست به مسافرت برود می‌فرمود:

«اللَّهُمَّ لَا طَيْرَ إِلَّا طَيْرُكَ وَلَا خَيْرَ إِلَّا خَيْرُكَ وَلَا إِلَهَ غَيْرُكَ، اللَّهُمَّ لَا يَأْتِي بِالْحَسَنَاتِ إِلَّا أَنْتَ وَلَا يَذْهَبُ بِالسَّيِّئَاتِ إِلَّا أَنْتَ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ.»<sup>۲</sup>

این‌ها چیزهایی است که باید در کتیبه‌های بسیار بزرگ با آب‌طلا بنویسند؛ ببینید روح توحید و روشن‌بینی و واقع‌بینی چقدر در آن موج می‌زند: خدایا طیر و فال بدی نیست مگر آنچه از ناحیه تو بیاید (یعنی آنچه که تو به عنوان مجازات اعمال به ما می‌دهی) و خیری نیست مگر خیری که از ناحیه تو بیاید، معبودی جز تو نیست (اشاره به این است که این‌ها بوی شرک و بت‌پرستی می‌دهد). خدایا حسنات را جز تو نمی‌دهد و سیئات هم جز از ناحیه تو [دفع نمی‌شود؛] مخزن تو هستی، من اگر حسنات را می‌خواهم از تو می‌خواهم، و اگر دفع سیئات را می‌خواهم از تو می‌خواهم.

مردی به نام حسن بن مسعود گفت: دَخَلْتُ عَلَى أَبِي الْحَسَنِ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ وَقَدْ نُكِبْتُ اصْبَعِي؛<sup>۳</sup> من بر امام هادی عَلَيْهِ السَّلَام وارد شدم در حالی که انگشتم زخم و مجروح شده بود، وَ تَلَقَّانِي رَاكِبًا وَ صَدَمَ كَتْفِي؛ در بین راه، در حالی که ناراحتی انگشتم را می‌کشیدم یک سواره‌ای به من تهنه زد به طوری که کتف من آسیب دید، وَ دَخَلْتُ فِي رَحْمَةٍ؛ با هزار زحمت داخل شدم، فَخَرَّقُوا عَلَيَّ بَعْضَ ثِيَابِي؛ (روز ازدحام بوده است)

۱. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۸، ص ۱۹۸.

۲. شیخ عباس قمی، سفینه البحار، ج ۵، ص ۳۶۳.

۳. ابن شعبه حرانی، تحف العقول، ص ۴۸۲.

وقتی وارد شدم جمعیت خیلی زیاد بود و قسمت‌هایی از لباس من هم پاره شد. با همان حال من بر امام هادی علیه السلام وارد شدم. تا وارد شدم گفتم: **كَفَانِي اللَّهُ شَرَّكَ مِنْ يَوْمٍ**؛ چه روز شومی بودی تو امروز! بین انگشت من این جور شد، شانه من این طور شد و لباسم چنین شد؛ امروز برای من چه روز بدی منی بود! **فَمَا أَشَامَكَ!** ای روز! چه روز بدی بودی تو! **فَقَالَ لِي أَبُو الْحَسَنِ: يَا حَسَنُ! هَذَا وَ أَنْتَ تَغْشَانَا!** حسن بن مسعود! تواز این طرف این حرف را می‌زنی از آن طرف به خانه ما می‌آیی؟! ببینید تعبیر چقدر رسا و عالی است! تو به خانه ما می‌آیی و چنین حرفی را می‌زنی؟! مثل این که در خانه امام بیاید و مثلاً - العیاذ باللّه - علی بن ابی طالب علیه السلام را سب کند یا انکار نبوت پیغمبر صلی الله علیه و آله و یا انکار توحید را بکند. **تَرْمِي بِذَنْبِكَ مَنْ لَا ذَنْبَ لَهُ**؛ گناه خودت را به گردن آن کسی می‌گذاری که گناهی ندارد؟! به گردن روز و یوم می‌گذاری؟!!

**قَالَ الْحَسَنُ: فَأَتَابَ إِلَيَّ عَقْلِي**؛ حسن بن مسعود گفت: با این حرف امام، مثل این که عقل من قبلاً از سرم پریده بود، باز آمد. **وَ تَبَيَّنْتُ خَطَأِي**؛ فهمیدم اشتباه کرده‌ام. **فَقُلْتُ: مَوْلَايَ اسْتَغْفِرُ اللَّهَ**؛ آقایم! من از این گناهی که مرتکب شدم استغفار می‌کنم. **فَقَالَ: يَا حَسَنُ! مَا ذَنْبُ الْإِيَامِ حَتَّى صِرْتُمْ تَشَاءُمُونَ بِهَا إِذَا جُوزِيْتُمْ بِأَعْمَالِكُمْ فِيهَا**؛ حسن! پس از آن که شما می‌بینید بشر جز نتیجه اعمال خودش نیست، پس گناه ایام و روزها چیست؟! دوشنبه و چهارشنبه چه گناهی دارند؟! سیزده و پانزده چه گناهی دارند؟! این شعر که می‌گوید:

هفت روز نحس باشد در مهیب زان حذر کن تا نیایی هیچ رنج  
سه و پنج و سیزده با شانزده بیست و یک با بیست و چهار و بیست و پنج

یعنی چه؟! **فَمَا ذَنْبُ الْإِيَامِ؟ قَالَ الْحَسَنُ: أَنَا اسْتَغْفِرُ اللَّهَ أَبَدًا وَ هِيَ تَوْبَتِي**؛ آقا جان! من استغفار می‌کنم و توبه من همین باشد که در حضور شما توبه کردم. **قَالَ: وَاللَّهِ مَا يَنْفَعُكُمْ وَلَكِنَّ اللَّهَ يُعَاقِبُكُمْ بِذَمِّهَا عَلَي مَا لَا دَمَّ عَلَيْهَا فِيهِ**؛ به خدا قسم که این حرف‌ها که ایام را گناه کار بدانید و برای آن‌ها شئامت و نحوست قائل شوید، نه تنها فایده‌ای به حالتان ندارد، بلکه خداوند شما را مجازات خواهد کرد، خدا علیه شما اعلام جرم خواهد کرد که چرا مخلوق بی‌گناه مرا مجرم دانستید؟! من این روزگار را بی‌گناه دانستم.

ای کسی که می‌گویی «فلک کج رفتار» تو گنهکاری، بنده بی‌گناه خدا را مجرم می‌دانی. ای کسی که می‌گویی «چرخ کج مدار» روی این منطق، تو آدم گنهکاری هستی؛ خدا در قیامت می‌آید از تو سؤال می‌کند، می‌گویی بگو این موجوداتی که در مدارهای خودشان حرکت می‌کردند کدام یک از آن‌ها از مسیر خودش منحرف شد که انحراف آن از مسیرش سبب نکبت و بدبختی تو شد؟!!

**اصل کلی:** بشر باید بداند که خدا پاداش و کیفر را روی یک حساب معین می‌دهد؛ بر حساب اعمال و افکار و عقاید بشر می‌دهد، بر اثر اخلاق نیک یا بد بشر می‌دهد. بنابراین انسان نباید در این زمینه‌ها کوچک‌ترین فکری یا خیالی به خودش راه بدهد.<sup>۱</sup>

---

۱. مرتضی مطهری، مجموعه آثار، ج ۲۵، ص ۴۱۲ و ۴۱۳.





## اخلاق انتخاباتی و وظایف مردم

حجت الاسلام والمسلمین علی رضا انصاری\*

### اشاره

جمهوریت یکی از عناصر مهم تشکیل دهنده جمهوری اسلامی است که در جهت عینیت بخشیدن به آن، همه ساله، انتخابات متعدد برگزار می گردد و منصب های مهمی به وسیله مردم، با واسطه یا بدون واسطه انتخاب می شوند. در هر انتخابات، افراد و گروه های مختلف با افکار و اهداف متفاوت می کوشند با ارائه شایستگی ها، خود را معرفی کنند. به همین دلیل، از آغاز تا پایان تبلیغات و از پیروزی یا شکست تا پس از آن، نامزدها و هوادارانشان و پیروشدگان و شکست خوردگان در انتخابات، باید در همه حال، اخلاق و آداب اسلامی را رعایت کنند. اما متأسفانه برخی نامزدها و طرفداران آنان برای کسب قدرت، قوانین و اصول اخلاق انتخابات را رعایت نمی کنند. بر این اساس یادآوری برخی اصول و اخلاق انتخاباتی مردم از بایسته ها است.

نوشتار پیش رو در دو محور زیر سامان یافته است:

---

\* نویسنده و پژوهشگر.

## الف) اخلاق انتخاباتی مردم در زمان انتخابات

### ۱) شرکت در انتخابات

یکی از اصول اخلاق انتخابات شرکت در آن است؛ شاید برخی تصور کنند که بعد از گذشت سال‌ها از انقلاب، شرکت در انتخابات مهم نیست و یا اگر ما هم شرکت نکنیم دیگران شرکت می‌کنند، و حال این که اولین وظیفه اخلاقی طرفداران نامزدها شرکت در انتخابات است، زیرا هر انسانی وظیفه دارد در تعیین سرنوشت خود و جامعه خویش نقش داشته و در بهبود آن بکوشد. یکی از راه‌های ایجاد تغییر، شرکت در انتخابات است: «إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ»<sup>۱</sup> خداوند سرنوشت هیچ قوم و ملتی را تغییر نمی‌دهد، مگر آن که آنان آنچه را در خودشان است، تغییر دهند. از سوی دیگر امروزه شرکت در انتخابات از هر زمانی دیگر اهمیت بیش‌تری دارد، زیرا دشمنان و نمود می‌کنند که انقلاب پایگاه مردمی خود را از دست داده و مردم در صحنه‌های سیاسی حضور ندارند؛ افزون بر آن در عصر حاضر جمهوری اسلامی با چالش جدی جهانی رو برو است و آن سرنوشت برجام است. بی‌تردید حضور همه جانبه مردم در انتخابات تأثیر مستقیم بر این امر دارد. بنا بر این، این پشتمان مردم است که تبلیغات دشمنان را خنثی و اقتدار و عظمت جمهوری اسلامی را به نمایش می‌گذارد. امام راحل علیه السلام نیز شرکت در انتخابات را وظیفه دایمی مردم می‌داند: «این وظیفه‌ای است الهی، وظیفه‌ای است ملی، وظیفه‌ای است انسانی، وظیفه‌ای است که ما باید به آن عمل بکنیم، همه‌مان باید در انتخابات شرکت بکنیم»<sup>۲</sup>.

مقام معظم رهبری فرمود: «درست در نقطه مقابل خواست دشمنان، همه ما باید در انتخابات حضور فعالی داشته باشیم. انتخابات آبروی ملی ماست؛ انتخابات یکی از شاخص‌های رشد ملی ماست؛ انتخابات وسیله‌ای برای عزت ملی است. وقتی ببینند که ملت ایران با شور و با شعور و با درک کامل و آگاهی پای صندوق‌های رأی می‌روند،

۱. رعد، آیه ۱۱.

۲. صحیفه امام، ج ۱۸، ص ۳۱۸.

معنایش چیست؟ معنایش این است ملت برای خود حق و توان تصمیم‌گیری قائل است.»<sup>۱</sup>

## ۲) پرهیز از اسراف

یکی از اخلاق مهم انتخاباتی هزینه‌هایی است که جهت معرفی کاندیدها صرف می‌شود. این امر اگر در چارچوب شرع صورت گیرد، امری منطقی می‌باشد، زیرا معرفی کاندیدها نیاز به هزینه دارد، خواه این امر از سوی نامزدها و چه از سوی طرفداران اینان صورت گیرد. اما اگر هزینه‌سازی طرفداران به منظور این‌که نامزدها به ایشان نفع برسانند، این همان انحراف از اخلاق انتخاباتی است، زیرا این امر سبب می‌شود که فرد لایق نتواند در انتخابات پیروز شود و حکومت به دست ناهلان بیفتد، از سوی دیگر گاهی هزینه‌سازی، هزینه‌های هنگفتی است که صرف تبلیغات می‌شود و طرفداران نامزدها به جای این‌که در صدد شناساندن درست نامزدها به مردم باشند، مبالغی کلان را صرف تبلیغات پوچ می‌کنند که چیزی جز اسراف نیست. امام علی علیه السلام می‌فرماید:

«مَنْ كَانَ لَهُ مَالٌ فَيَأْتَهُ وَ الْفَسَادَ فَإِنَّ إِعْطَاءَ الْمَالِ فِي غَيْرِ حَقِّهِ

تَبْذِيرٌ وَ إِسْرَافٌ ... يَضَعُهُ عِنْدَ اللَّهِ؛<sup>۲</sup> هر که ثروتی دارد، مبادا آن را تباه

کند؛ زیرا صرف بی‌مورد آن، اسراف است. این کار، او را در میان مردم بلند

آوازه می‌کند، ولی نزد خدا بی‌مقدار می‌سازد.»

البته برخی هم برای پیروزی نامزد خود، از اموال بیت‌المال استفاده می‌کنند. این، کار اشتباه مضاعفی است؛ زیرا علاوه بر اسراف، از بیت‌المال برای مقاصد شخصی استفاده کرده‌اند. امام باقر علیه السلام می‌فرماید:

«الْمُسْرِفُونَ الَّذِينَ يَسْتَجِلُّونَ الْمَحَارِمَ وَ يَسْفِكُونَ الدِّمَاءَ؛<sup>۳</sup>

اسراف‌کاران، آنانی هستند که حرام‌ها را حلال می‌شمارند و خون‌ها را

می‌ریزند.»

1. <http://www.siasi.porsemani.ir>.

۲. شیخ مفید، الامالی، ص ۱۷۶.

۳. قمی مشهدی، تفسیر کنز الدقائق، ج ۴، ص ۹۸.

### ۳) احترام متقابل و دوری از تهمت

لازمه انتخابات سالم، ایجاد فضای سالم و دور از تشنج است. این امر محقق نخواهد شد، مگر با رعایت اصل «احترام متقابل» و دوری از «حرمت شکنی» و «تهمت» و «افترا». متأسفانه گاهی فضای انتخاباتی ما به گونه‌ای است که طرفداران نامزدها به رقیبان و طرفداران آن‌ها بی‌احترامی و تهمت می‌زنند، این در حالی است که رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود:

«مَنْ بَهَتَ مُؤْمِنًا أَوْ مُؤْمِنَةً أَوْ قَالَ فِيهِ مَا لَيْسَ فِيهِ أَقَامَهُ اللَّهُ عَزَّ

وَجَلَّ عَلَى تَلٍّ مِنْ نَارٍ حَتَّى يَخْرُجَ مِمَّا قَالَ فِيهِ؛<sup>۱</sup> کسی که به مرد یا

زن مؤمنی بهتان بزند یا چیزی در مورد او بگوید که در او نیست، خدای عزوجل، او را بر تلی از آتش نگه می‌دارد تا از عهده گفته خود برآید.»

این زبان است که انسان را به چنین سرنوشتی دچار می‌سازد. امام عَلَيْهِ السَّلَام فرمود:

«از آقایان کاندیداها و دوستان آنان انتظار دارم که اخلاق اسلامی — انسانی را

در تبلیغ برای کاندیدای خود مراعات؛ و از هر گونه انتقاد از طرف مقابل که

موجب اختلاف و هتک حرمت باشد خودداری نمایند، که برای پیشبرد

مقصود، ولو اسلامی باشد، ارتکاب خلاف اخلاق و فرهنگ، مطرود و از

انگیزه‌های غیر اسلامی است.»<sup>۲</sup>

### ۴) پرهیز از اختلافات

در هر جامعه‌ای، سلیقه‌های گوناگون وجود دارد. با این حال گروه‌ها باید با وجود اختلاف سلیقه‌ها و تعدد آرا در برابر منافع مشترک خود وحدت کلمه داشته باشند و از تفرقه و اختلاف پرهیزند. هم‌چنین طرفداران نامزدها باید بکوشند از تجاوز به حقوق دیگر هواداران نامزدها خودداری کنند؛ زیرا اهانت به هر شکل ممکن، وحدت کلمه را از بین می‌برد و زمینه حق‌کشی و انحراف را پدید می‌آورد، لذا باید فضایی سالم و آرام فراهم

۱. قیومی اصفهانی، جواد، صحیفه الإمام الرضا عَلَيْهِ السَّلَام، ص ۴۹.

۲. صحیفه امام، ج ۱۲، ص ۱۳.

کرد تا مردم بتوانند به درستی و با فراغ بال، درباره نامزدها، برنامه‌ها، شعارها و اهداف آنان تصمیم‌گیری کنند. اختلاف، فضایی را ایجاد می‌کند که قوه عقل از کار می‌افتد و تنها پیروی از هوا و هوس و تعصب‌های خشک و نادانی برجای می‌ماند. همین امر ما را به ورطه نابودی نزدیک می‌کند. علی علیه السلام می‌فرماید:

«الْخِلَافُ يَهْدِمُ الرَّأْيَ»<sup>۱</sup> اختلاف، نابود کننده اندیشه است.»

امام علیه السلام فرمود:

«من دارم به شما آقایان عرض می‌کنم، همه توجه به این داشته باشید که دنبال اختلاف نروید. فردا ممکن است که انتخابات پیش بیاید، خوب، در موقع انتخابات البتّه صحبت‌ها خواهد شد، دنبال این نروید که به هوای نفسانی خودتان برای خودتان درست کنید، می‌خواهد یک قضیه‌ای واقع بشود در ایران، دنبال این نباشید که به نفع من باشد، آن یکی بگوید به نفع من باشد، این مبدأ اختلاف است. انبیا و اولیا و کسانی که وارسته از دنیا هستند، این معانی را ندارند...»<sup>۲</sup>

## ۵) انتخاب نامزد اصلح

یکی از وظایف و اخلاق انتخابات مردم‌گزینش‌کنندگی اصلح است. این امر از اهمیت ویژه برخوردار است، زیرا واگذاری سرنوشت به او است. با انتخاب‌کننده‌های اصلح می‌توان قله‌های رفیع مادی و معنوی را فتح و در معادلات اقتصادی، سیاسی و تحولات جهان تأثیرگذار بود. از این رو لازم است مردم با برخی خصوصیات نامزد اصلح آشنا شوند. رهبر فرزانه انقلاب فرمود: «نکته بعدی در باب انتخابات این است که مردم باید به فکر شناخت اصلح باشند؛ چون امر کوچکی نیست. مسأله انتخابات، مسأله سپردن سرنوشت بخش عمده امکانات کشور به یک نفر و یک مجموعه است. سرنوشت مسائل اقتصادی، مسائل فرهنگی، روابط خارجی و مسائل گوناگون دیگر... و کسی را که اصلح

۱. صبحی صالح، نهج البلاغه، ص ۵۰۷.

۲. صحیفه امام، ج ۲۰، ص ۲۲۸.

است، انتخاب کنیم. این هم وظیفه بسیار مهمی است.»<sup>۱</sup>

### ویژگی‌های نامزدها

در جامعه دینی ویژگی‌های متعدد برای مسولان عالی کشور لحاظ شده است که به برخی آن‌ها اشاره می‌شود:

#### تقوا گرایی

تقواگرایی برای همگان لازم است و لکن برای نامزدها و مسولان کلان از اهمیت ویژه برخوردار است. به دلیل این‌که اینان با جان، مال و آبروی مردم ارتباط داشته و نقش بنیادی در اصلاح و فساد جامعه دارند. پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود:

«صِنْفَانِ مِنْ أُمَّتِي إِذَا صَلَحَا صَلَحَتِ أُمَّتِي وَإِذَا فَسَدَا فَسَدَتِ أُمَّتِي قِيلَ يَا رَسُولَ اللَّهِ وَمَنْ هُمُ قَالَ الْفُقَهَاءُ وَالْأَمْرَاءُ...»<sup>۲</sup>

امام علی عَلِيٌّ نیز فرمود:

«فَلَيْسَتْ تَصْلُحُ الرَّعِيَّةُ إِلَّا بِصَلَاحِ الْوَلَاةِ...»<sup>۳</sup> پس کار رعیت سامان

نمی‌یابد مگر به شایستگی و درستکاری حکمرانان...»

طبیعی است که کاندیدها و مسولانی می‌توانند به اصلاح جامعه پردازند که خود تقوامدار باشند. از این رو علی عَلِيٌّ مالک اشتر را به رعایت تقوا سفارش نمود:

«أَمْرُهُ بِتَقْوَى اللَّهِ وَإِيثَارِ طَاعَتِهِ وَاتِّبَاعِ مَا أَمَرَ بِهِ فِي كِتَابِهِ.»<sup>۴</sup>

از سوی دیگر تقوا و انگیزه دینی سبب می‌شود که انسان جذب ریاست و قدرت نگردد و تنها برای اجرای احکام الهی و اقامه حق حکومت کند. چنانکه علی عَلِيٌّ بارها دلیل پذیرش حکومت را اقامه حق اعلام نمود. عبدالله بن عباس می‌گوید: در منطقه «ذی قار» در گذرگاه جنگ بصره، محضر امیر مؤمنان رسیدم. دیدم نعلین خود را وصله می

۱. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار جمعی از مردم گیلان، ۸۰/۲/۱۱.

۲. ابن شعبه حرانی، تحف العقول، ص ۵۰.

۳. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۸، ص ۳۵۳.

۴. صبحی صالح، نهج البلاغه، ص ۴۲۷.

زند. در این حال رو به من کرد و گفت: این نعل چقدر ارزش دارد؟ در پاسخ گفتم: قیمتی ندارد. فرمود: به خدا قسم! این نعل کهنه در نظر من ارزشمندتر از حکومت بر شماست، مگر آن که بتوانم حقی را بر پا دارم یا جلوی باطلی را بگیرم.<sup>۱</sup>

### ساده زیستی

گرچه امروزه صحبت از ساده زیستی مدیران کلان به جایی نمی‌رسد، زیرا که سخن از حقوق‌های نجومی و ماشین و ساختمان کذایی است، اما در آموزه‌های دینی سخت به این امر توجه شده است. سیره و گفتار پیامبر و امیر مؤمنان شاهد بر این ادعا است. از سوی دیگر در نظام جمهوری اسلامی مردم انتظار دارند که مسئولان آن‌ها ساده‌زیست باشند؛ امروزه اگر مردم یاد و خاطره مرحوم رجایی را پاس می‌دارند، بدان جهت است که طعم تلخ فقر را چشیده بود و همه برنامه‌های او برای محرومیت‌زدایی بود. مهم‌تر از همه این که ساده‌زیستی مسئولان آینده کشور از دو جهت اهمیت دارد: اول: آن‌که آنان پاسداران ارزش‌ها هستند. از این رو باید الگو باشند. دوم: ساده‌زیستی آنان موجب می‌شود که مسئولان با فقر و درد محرومان جامعه بیش‌تر آشنا شده و سیاست‌هایی را در رفع مشکلات آن‌ها اتخاذ نمایند. نامزدها و مسئولانی که طعم فقر را نچشیده‌اند، نمی‌توانند درد فقیران را درک کنند. از این رو است که علی علیه السلام فلسفه ساده‌زیستی حاکمان اسلامی را همدردی با فقیران می‌داند:

«خداوند بر حاکمان عادل واجب کرده است که زندگانی خویش را در سطح مردم فقیر قرار دهند. تا رنج فقر، مستمندان را ناراحت نکند.»<sup>۲</sup>

امام راحل فرمود:

«توجه داشته باشند رئیس جمهور و وکلای مجلس از طبقه‌ای باشند که محرومیت و مظلومیت مستضعفان و محرومان جامعه را لمس نموده و در فکر رفاه آنان باشند، نه از سرمایه‌داران و زمین‌خواران و صدرنشینان مرفه و

۱. همان، ص ۱۰۳.

۲. ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۱۱، ص ۲۳۷.

غرق در لذات و شهوات که تلخی محرومیت و رنج گرسنگان و پابرهنگان را نمی‌توانند بفهمند...»<sup>۱</sup>

### مردم‌مداری

یکی از ویژگی‌های مهم نامزدها، مردمی‌بودن آنان است. اگر مسئولی پایگاه مردمی‌بودن خود را از دست داد، بی‌تردید در ایفای مسئولیت خود موفق نیست. پایگاه مردمی در صورتی به وجود می‌آید که مسئولان خود را «تافته جدا بافته» تلقی نکرده و از مردم و در میان مردم باشند، زیرا اگر مشکلات مردم را از زبان آنان نشوند؛ چگونه می‌توانند، سیاست‌های معقول و منطقی برای رفع مشکلات آن‌ها اتخاذ کنند؟ مسئولانی که در اتاق‌های دربسته به فعالیت‌های خود پردازند، و از دیدگاه‌ها و خواسته‌های مردم فاصله گرفته و مردم مدت‌ها انتظار بکشند که موفق به دیدار آنان شوند، هیچ‌گاه موفق نخواهند بود، از این رو علی علیه السلام به مالک اشتر می‌فرماید:

«... و برای حاجت‌مندان بخشی از اوقات خود را اختصاص ده و با آنان در مجمع عمومی بنشین، و برای خداوندی که تو را آفریده خضوع کن، و سپاهیان و پاسداران را از جمع آنان دور گردان تا آن‌ها بدون پروا و هراس با تو صحبت کنند...»<sup>۲</sup>

از همه مهم‌تر این‌که مسئولان باید با مردم مهربان باشند. امام علی علیه السلام به مالک اشتر فرمود:

«مهربانی با مردم را پوشش دل خویش قرار ده و با همه، دوست و مهربان باش. مبادا، چونان حیوان شکاری باشی که خوردن آنان را غنیمت دانی! زیرا مردم دو دسته‌اند: دسته‌ای برادر دینی تو و دسته‌ای دیگر، همانند تو در آفرینش هستند...»<sup>۳</sup>

۱. صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۴۲۲.

۲. ابن شعبه حرانی، تحف العقول، ص ۱۴۲.

۳. صبحی صالح، نهج البلاغه، ص ۴۲۷.



امام راحل فرمود:

«در هر صورت من عرضم به آقایان این است که توجه کنید به این که هم صلاح خود شماست و هم صلاح کشور شماست و هم صلاح ملت است که شما با مردم دوست باشید. مردم احساس کنند که اینها دوستهای آنها هستند که آمده‌اند. در هر صورت... هر کدام در هر جا که هستید مردم را همراه خودتان نگه دارید. مردم خیلی خوب‌اند. مردم ما واقعاً خوب‌اند. شاید نظیر ملت ایران در هیچ جا نباشد.»<sup>۱</sup>

### امانت‌داری

حکومت از دیدگاه اسلام امانت الهی است و فلسفه وجودی آن برای اجرای قوانین الهی، برقراری عدالت، احقاق حق و... است، چنان‌که علی علیه السلام عرضه داشت:

«اللَّهُمَّ إِنَّكَ تَعْلَمُ أَنَّهُ لَمْ يَكُنِ الَّذِي كَانَ مِنَّا مُنَافَسَةً فِي سُلْطَانٍ  
وَلَا التَّمَّاسِ شَيْءٍ مِنْ فُضُولِ الْحَطَامِ وَ لَكِنْ لِنَرْدِ الْمَعَالِمِ مِنْ  
دِينِكَ وَ نَظْهِرِ الْإِصْلَاحَ فِي بِلَادِكَ فَيَأْمَنَ الْمَظْلُومُونَ مِنْ عِبَادِكَ  
وَ تُقَامَ الْمُعْطَلَةُ مِنْ حُدُودِكَ؛<sup>۲</sup> بار خدایا تو آگاهی آنچه از ما صادر  
شده (جنگ‌ها) نه برای میل و رغبت در سلطنت بوده و نه برای به‌دست آوردن  
چیزی از متاع دنیا، بلکه برای این بود که (چون فتنه و فساد در شهرها شیوع  
یافت و ستم بر مردم وارد گشت و حلال و حرام تغییر کرد خواستیم) آثار دین  
تو را (که تغییر یافته بود) بازگردانیم، و در شهرهای تو اصلاح و آسایش را برقرار  
نماییم تا بندگان ستم کشیده‌ات در امن و آسودگی بوده و احکام تو که ضایع  
مانده جاری گردد.»

هم‌چنین علی علیه السلام در نامه‌ای که به عامل آذربایجان می‌نویسد، چنین می‌فرماید:

«وَ إِنْ عَمَلَكَ لَيْسَ لَكَ بِطُعْمَةٍ وَ لَكِنَّهُ فِي عُنُقِكَ أَمَانَةٌ؛<sup>۳</sup> مبادا

۱. صحیفه نور، ج ۱۳، ص ۱۸۹.

۲. صبحی صالح، نهج البلاغه، ص ۱۸۹.

۳. همان، ص ۳۶۶.

بینداری که حکومتی که به تو سپرده شده است یک شکار است که به چنگت افتاده است؛ خیر، امانتی بر گردنت گذاشته شده است.»  
 ملاحظه می‌شود بدین ترتیب حاکمان و مدیران جامعه، امانتی سنگین بر دوش دارند که باید آن را خوب حفظ نموده و به مقصد برسانند. امام صادق علیه السلام از پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله روایت نموده که:

«لَيْسَ مِنَّا مَنْ أَخْلَفَ بِالْأَمَانَةِ؛<sup>۱</sup> از ما نیست کسی که به امانت پشت کند.»

متأسفانه رقابت انتخاباتی ریاست جمهوری سال ۸۸ نشان داد که کاندیدها برای قدرت به میدان رفته و برای این امر همه اصول انتخاباتی را زیر پا گذاشتند و بی‌احترامی را به اوج رساندند و خدمت‌رسانی دیگر مسئولان را زیر سؤال بردند، اگر چنین چیزی در جوامع دیگر، مانند آمریکا اتفاق می‌افتاد شاید چندان مهم نبود، اما این امر در شأن جامعه دینی نیست.

رهبر معظم انقلاب فرمود:

«در جمهوری اسلامی، انتخاب، انتخاب اصلح است؛ نه رقابت انتخاباتی. این دعوها و رقابت‌ها، متعلق به دموکراسی‌های غربی است که از خدا و دین، هیچ چیزی به شما نشان نرسیده است. کارهایی که بعضی‌ها انجام می‌دهند، باب جمهوری اسلامی نیست.»<sup>۲</sup>

متأسفانه در این میان طرفداران کاندیدها نیز آتش‌بیار معرکه شدند و از هرگونه تهمت و افترا نسبت به کاندیدای رقیب و طرفداران آنان دریغ نکردند، این در حالی است که در روایات آمده است که حرمت مؤمن، از کعبه بیش‌تر است. «عبدالله بن عمر» می‌گوید که رسول خدا صلی الله علیه و آله را دیدم، گرد کعبه طواف می‌کرد و می‌فرمود:

«چه خوشایندی و چقدر نسیمت خوشایند است! چه عظیمی و چقدر حرمت عظیم است! سوگند به آن‌که جان محمد صلی الله علیه و آله در دست اوست!

۱. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۵، ص ۱۳۳.

۲. بیانات رهبری در دیدار با گروهی از آزادگان و اقشار مختلف مردم، ۶۹/۷/۱۱.

حرمت جان و مال مؤمن، نزد خداوند از حرمت تو بیش تر است؛ گرچه قدر

تورا نیکو می‌داریم.<sup>۱</sup>

شیخ مفید روایت می‌کند که امام صادق علیه السلام فرمودند:

«به خدا سوگند! حق مؤمن از کعبه بیش تر و بزرگ تر است.»<sup>۲</sup>

### صداقت

در اسلام صداقت یکی از عناصر ارزشی است. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«لَا تَنْظُرُوا إِلَى كَثْرَةِ صَلَاتِهِمْ وَ صَوْمِهِمْ وَ كَثْرَةِ الْحَجِّ وَ الْمَعْرُوفِ  
وَ طَنْطَنَتِهِمْ بِاللَّيْلِ، أَنْظُرُوا إِلَى صِدْقِ الْحَدِيثِ وَ آدَاءِ الْأَمَانَةِ؛<sup>۳</sup>

برای امتحان مردم، نگاه به زیادی نماز و روزه آن‌ها و کثرت حج و نیکی کردن

آن‌ها به مردم، و سر و صدای آن‌ها در عبادت شبانه نکنید، ولی نگاه به

راستگویی و امانتداری آن‌ها کنید.»

با توجه به نقش سازنده صداقت در روابط اجتماعی و سیاسی، رعایت آن برای همگان اهمیت دارد، و لکن رعایت آن برای مسئولان از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است؛ زیرا که صادقانه برخوردنمودن مسئولان با مردم و گفتن حقایق و واقعیات به آنان، نقش بنیادی در جلب رضایت و اعتماد سازی دارد. اعتماد مردم به دولت مردان بزرگ‌ترین سرمایه برای آنان است. بر این اساس صداقت در نامزدها و مسئولان از بهترین عوامل موفقیت در کار و حافظ آبرو و برآورنده جاهت اجتماعی است. چنانچه مسئول در محیط کار و صحنه‌های اجتماعی از صداقت لازم برخوردار باشد موفقیت او حتمی است، در غیر این صورت حتی اگر فرضاً در ابتدای کار و با اغفال دیگران رسوا نگردد، اما سرانجام روزی با دریده شدن پرده‌ها، دروغ‌گویی او آشکار می‌گردد. با توجه به نقش صداقت در شیوه زمامداری است که علی علیه السلام به مالک اشتر توصیه می‌کند که با مردم صادقانه برخورد نموده و از وعده و شعارهایی که همراه عمل نیست پرهیز کند، زیرا که وعده‌های

۱. ابن‌ماجه، سنن ابن‌ماجه، ج ۲، ص ۱۲۹۷، ش ۳۹۳۲.

۲. شیخ مفید، اختصاص، ص ۲۸.

۳. شیخ صدوق، آمالی، ص ۳۰۳.

بدون عمل و نشان دادن غیر واقع به صورت واقع، موجب خشم خدا و مردم می شود. حضرت خطاب به مالک اشتر فرمود:

«از منت نهادن بر رعیت به جهت احسانی که نموده‌ای و یا بیش از حد جلوه دادن آنچه کرده‌ای پرهیز، و نیز از دادن وعده‌ای که خُلف می‌کنی احتراز کن؛ چه منت نهادن، احسان را بی ارزش می‌کند و زیاده‌نگری روشنایی حق را می‌برد و خُلف وعده موجب خشم خدا و مردم می‌شود.»<sup>۱</sup>

متأسفانه بعضی نامزدهای ریاست جمهوری، برای تقویت مواضع خویش از واقعیت‌های اجتماعی و ظرفیت‌های کشوری تبیین نادرستی می‌کنند و این گونه است که هم مسئولان فعلی را متهم می‌کنند و هم مطالباتی را در مردم ایجاد می‌کنند که وعده‌های توخالی از آب در می‌آید و دولت‌های آینده را نیز به بی‌کفایتی و دروغ متهم می‌نماید. قرآن می‌فرماید:

«كَبُرَ مَقْتًا عِنْدَ اللَّهِ أَنْ تَقُولُوا مَا لَا تَفْعَلُونَ»<sup>۲</sup> نزد خدا بسیار موجب

خشم است که سخنی بگوئید که به آن عمل نمی‌کنید.»

امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

«وَلَا تَعِدَنَّ أَخَاكَ وَعَدًّا لَيْسَ فِي يَدِكَ وَفَاؤُهُ»<sup>۳</sup> هرگز به برادرت

وعده‌ای نده که انجام آن به دست تو نیست.»

رهبر معظم انقلاب اسلامی فرمود:

«کسانی که وارد عرصه انتخابات می‌شوند نباید به مردم وعده‌های نادرست و در باغ سبز غیر منطقی نشان بدهند، بلکه باید با سخنان منطقی و منطبق بر واقعیت و توکل بر خدا پیش بروند.»<sup>۴</sup>

۱. ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۱۷، ص ۱۱۳.

۲. صف، آیه ۳

۳. ابن شعبه حرانی، تحف العقول، ص ۳۶۷

## ۶) تحقیق و مشورت در مورد نامزدها

بعد از آشنایی با برخی خصوصیات نامزدها لازم است مردم تحقیق و مشورت‌های لازم را نیز انجام دهند. البته یادآوری می‌شود که اگرچه مردم ما از رشد و بلوغ سیاسی خوبی برخوردارند و در تشخیص کاندیدهای اصلح کم‌تر دچار مشکل می‌شوند، اما فضای انتخابات به گونه‌ای است که ممکن است برخی را در انتخاب کاندیدای اصلح دچار مشکل کند، زیرا همه نامزدها خودشان را اصلح معرفی می‌کنند. در چنین فضایی بایسته است که با دقت کاندیدها را بشناسند. لازمه این امر این است که مردم هوش‌مندانه و با دقت ویژگی‌های کاندیدها را بررسی نمایند، از این رو است که امام علیه السلام مردم را موظف می‌کند که به خصوصیات کاندیدها توجه کنند:

«و من امیدوارم که اشخاصی که کاندیدا شدند برای ریاست جمهوری، شما توجه کنید و کسی که از همه متعهدتر به اسلام، سوابق سوابق خوب، پیوسته به هیچ طرفی، نه شرقی باشد، نه غربی باشد، نه غرب‌زده باشد، نه شرق‌زده باشد، مسلمان باشد، پیرو احکام اسلام.»<sup>۱</sup>

در این مرحله انسان با توجه به ویژگی‌هایی که اشاره شد می‌تواند با مشورت دیگران و با تفکر و تحقیق، نامزد اصلح را از میان نامزدها برگزیند، چنان‌که علی علیه السلام می‌فرماید:

«رَأَى الرَّجُلَ مِيزَانَ عَقْلِهِ؛<sup>۲</sup> نظر یک فرد میزان عقل اوست.»

## ب) اخلاق انتخاباتی طرفداران نامزدها بعد از انتخابات

طرفداران کاندیدها بعد از انتخابات نیز وظایف اخلاقی و دینی دارند که به برخی آن‌ها اشاره می‌شود:

### ۱) پرهیز از تحقیر رقیبان و طرفداران آن‌ها

یکی از رفتارهای ناسالم و غیراخلاقی پس از پیروزی در انتخابات، تحقیر احزاب یا

۱. صحیفه امام، ج ۱۱، ص ۴۸۵.

۲. علی بن محمد لثی واسطی، عیون الحکم و المواعظ، ص ۲۷۰.

نامزدهای دیگر توسط هواداران رقیب پیروز است. چنین کاری نشان‌دهنده بی‌شخصیتی است. پیامبر صلی الله علیه و آله می‌فرماید:

«حَسْبُ ابْنِ آدَمَ مِنَ الشَّرِّ أَنْ يُحَقِّرَ أَخَاهُ الْمُسْلِمَ»<sup>۱</sup> در بدی فرزند

آدم همین بس که برادر مسلمان خود را کوچک شمارد.

انتظار می‌رود طرفداران کاندیداهای ریاست جمهوری، اخلاق اسلامی را رعایت نمایند و بعد از انتخابات، به هواداران طرف مقابل احترام بگذارند و بار دیگر فضای صمیمیت قبل از انتخابات را به جامعه برگردانند، زیرا هرگونه بی‌احترامی به هواداران و رقیبان انتخاباتی، جامعه عقلانی ما را زیر سوال برده و موجب کینه و کدورت می‌شود.

## ۲) تمکین به نتیجه انتخابات

در جامعه ممکن است به لحاظ قدرت تبلیغات یک جناح سیاسی موفق به برنده شدن در انتخابات گردد و گروه مقابل به فرد برنده انتخابات اعتقاد نداشته باشند، اما با توجه به این‌که اکثریت پذیرفته‌اند که این فرد سکان اداره امور کشور را در دست گیرد، لذا سایر گروه‌ها و جناح‌های سیاسی و طرفداران دیگر نامزدها با پذیرش این انتخابات و فرد برنده از فردای همان روز همچون گذشته به کار و فعالیت خود ادامه داده و چیزی را از دست رفته ندانند.

در این صورت روح تعامل در هنجار سیاسی کشور توسعه می‌یابد و انتخابات اخلاقی چهره خویش را برای رشد و تعالی یک کشور می‌گشاید. انتخاباتی که با مشارکت حداکثری صورت می‌گیرد و با نظارت هزاران بازرسان امین از میان مردم نظارت می‌شود، در نهایت باید با تمکین مردم به رأی اکثریت و نتیجه انتخابات همراه شود.<sup>۲</sup>

۱. ورام بن ابی فراس مالکی اشتری، مجموعه ورام، ص ۱۲۲.

۲. <http://www.farsnews.com>.

## آموزه‌ها و سرگرمی‌ها

حجت الاسلام والمسلمین محمد یوسفیان\*



قرآن کریم می‌فرماید: «فَقُولَا لَهُ قَوْلًا لَّيِّنًا...»<sup>۱</sup> پس با گفتاری نرم به او بگویید...». پوست دست وقتی خشک می‌شود با روغن زدن به آن نرم و لطیف می‌شود؛ یعنی نرمی، خشکی را از بین می‌برد. قصاب‌ها، دائم چاقوی خود را تیز می‌کنند؛ یعنی نرمی گوشت، باعث کندشدن چاقو می‌شود.

خیاط‌ها دائم، قیچی خود را تیز می‌کنند، با این که پارچه نرم و لطیف است؛ بنابراین اگر کسی نقش قیچی بازی کرد، تو نقش حریر، ابریشم و مخمل بازی کن تا او دست از تیزی و تندی بردارد.

---

\* نویسنده و پژوهشگر.

۱. طه، آیه ۴۴.

به همین خاطر خداوند به موسی عَلَيْهِ السَّلَامُ و هارون عَلَيْهِمَا السَّلَامُ فرمود: حالا که پیش فرعون می‌روید با او نرم سخن بگویید.

### نیازهای جامعه

«وَلَا تَتَمَنَّوْا مَا فَضَّلَ اللَّهُ بِهِ بَعْضُكُمْ عَلَى بَعْضٍ...»<sup>۱</sup> برتری‌هایی را که خداوند برای بعضی از شما بر بعضی دیگر قرار داده، آرزو نکنید.»

جامعه همانند پیکر یک انسان، نیاز به بافت‌ها و عضلات و سلول‌های گوناگون دارد. یعنی همان‌طور که اگر یک بدن، فقط از سلول‌های ظریف همانند سلول‌های چشم و مغز ساخته شده باشد دوام ندارد، و یا اگر تمام سلول‌های آن خشن و غیرقابل انعطاف همانند سلول‌های استخوانی باشند، کارایی کافی برای وظایف مختلف نخواهند داشت بلکه باید از سلول‌های گوناگونی که یکی وظیفه تفکر و دیگری مشاهده و دیگری شنیدن و دیگری سخن‌گفتن را عهده‌دار شوند تشکیل شده باشد، هم‌چنین برای به وجود آمدن یک «جامعه کامل» نیاز به استعدادها و ذوق‌های مختلف فکری است، اما به این معنا نیست که بعضی از اعضای پیکر اجتماع در محرومیت به‌سر برند و یا خدمات آن‌ها کوچک شمرده شود و یا تحقیر گردند، همان‌طور که سلول‌های بدن با تمام تفاوتی که دارند همگی از غذا و هوا و سایر نیازمندی‌ها به مقدار لازم بهره می‌گیرند.<sup>۲</sup>

### آثار جهل

«قَالَ هَلْ عَلِمْتُمْ مَا فَعَلْتُمْ بِيُوسُفَ وَ أَخِيهِ إِذْ أَنْتُمْ جَاهِلُونَ»<sup>۳</sup> (یوسف) گفت: می‌دانید که از روی نادانی با یوسف و برادرش چه کردید؟»

کسی که در تاریکی قرار دارد، ممکن است به چاه بیفتد، یا از مسیرهایی برود که نباید برود، در تاریکی هر اتفاقی ممکن است.

۱. نساء، آیه ۳۲.

۲. ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۳، ص ۴۰۷.

۳. یوسف، آیه ۸۹.



جهل و نادانی مثل تاریکی است، انسان نادان گاه کارهایی می‌کند و یا رفتارهایی از خود نشان می‌دهد که بایسته و شایسته او نیست.

پس اگر برادران یوسف از خود برخوردی نشان داده‌اند که هیچ شایسته آنان نبود، چون در تاریکی جهل و جهالت به سر می‌بردند؛ و این همان نکته‌ای بود که یوسف علیه السلام هم به آن اشاره داشت.<sup>۱</sup>

### خزاین خدا

«وَإِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا عِنْدَنَا خَزَائِنُهُ؛<sup>۲</sup> خزائن همه چیزها نزد ماست.»

دیده‌اید که گاه چند کاسه‌ی سفالی کوچک می‌سازند و در فاصله‌های معینی از بالا به پایین قرار می‌دهند که با جریان آب هر کدام به دیگری آب می‌دهد، کاسه‌ی اول به کاسه‌ی دوم و سومی به چهارمی و همین‌طور تا آخر.

کاسه‌ها اگر چه به ظاهر از یکدیگر آب می‌ستانند اما در حقیقت آب از هیچکدام نبوده بلکه از مخزن می‌آید که البته آن هم ناپیداست.

حال، ما آدم‌ها نیز چیزی شبیه همان کاسه‌های سفالی هستیم، اگر چه به ظاهر از دست‌ان یکدیگر دریافت کرده و چیزی می‌ستانیم اما آنچه به چنگ می‌آوریم از خزانه حق است.<sup>۳</sup>

### چگونگی تربیت خدا

«إِسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ ثُمَّ تُوبُوا إِلَيْهِ يُرْسِلِ السَّمَاءَ عَلَيْكُمْ مِدْرَارًا؛<sup>۴</sup> طلب آمرزش و توبه کنید، خداوند آسمان شما را پر باران می‌کند.»

ممکن است کسی این سؤال را مطرح کند که آن‌ها که نه اهل نماز و نه اهل عبادت هستند، باران مفصل و مرتب بر آن‌ها می‌بارد، ما که اهل نمازیم و اعتقاد به خدا داریم،

۱. محمدرضا رنجبر، باران حکمت، ج ۳، ص ۸۱.

۲. حجر، آیه ۲۱.

۳. محمدرضا رنجبر، باران حکمت، ص ۴۳.

۴. هود، آیه ۵۲.

چرا با یک گناه یا چند گناه گرفتار کم‌بارانی بشویم؟ علتش این است که بین شما که اهل نماز هستید یک رابطه تربیتی برقرار است. شما در حوزه‌ی تربیتی خدا هستید و کسانی که در حوزه تربیتی خداوند هستند، تنبیه و تشویق دارند و کسانی که از حوزه تربیتی خارج شده باشند، به خودشان واگذار شده و رفتار خدا با آن‌ها جور دیگری است.

بچه‌ای که مدرسه می‌رود، با بچه‌ای که کوچه‌نشین است و سرپرستی ندارد، فرق می‌کند. از بچه ولگرد کسی نمی‌پرسد مشق تو چطور شد و چرا درس نمی‌خوانی؟ اما بچه پدردار وقتی که تکالیفش را انجام نداد، پدر پول توجیبی او را کم یا قطع می‌کند.<sup>۱</sup>

### توبه‌پذیری خداوند

«إِنَّهُ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ»<sup>۲</sup> همانا او بسیار توبه‌پذیر و بسیار بخشنده است.

آغوش خدا مثل آغوش آسمان است، ندیده‌ای دود هر چه غلیظ و سنگین باشد وقتی به سوی آسمان می‌رود محو و تمام می‌شود.

آدم هم به هر آلودگی که باشد وقتی به سوی خدا حرکت کند پاک و زلال می‌شود و اگر آدمی به سوی او راهی نشود، هر چند لغزش و خطای ناچیزی کرده باشد، دیگر از چشم خداوند می‌افتد.

چک را ندیده‌ای؟ کافیت یک خط خوردگی اندک روی آن اتفاق بیفتد، دیگر از اعتبار می‌افتد. هر چند هم که رقم بالایی روی آن نوشته شده باشد، تازه هر چه رقم بالاتر باشد انسان حساس‌تر می‌شود، مگر آن که توسط خود صاحب چک یعنی همان کسی که آن خطا را مرتکب شده است تصحیح و پشت‌نویسی شود.

حال، انسان نیز درست شبیه چک می‌ماند، حسنات و خوبی‌ها و کارهای نیک او چیزی شبیه همان رقم چک و خطاهایش مثل همان خط خوردگی است که تمام اعمال و حسنات آدمی را از اعتبار فرومی‌اندازد، مگر آن که آن خطاها توسط خود انسان تصحیح

۱. حائری شیرازی، مثل‌ها و پندها، ج ۲، ص ۱۰۹.

۲. بقره، آیه ۳۷.

و پشت‌نویسی شود یعنی توبه شود. با این تفاوت که یک برگ چک تا حدی قابل تصحیح و پشت‌نویسی است یعنی محدودیت دارد و پس از چند بار قلم‌خوردگی دیگر جایی برای تصحیح نمی‌ماند ولی در درگاه خداوند توبه انسان پس از صدها بار خطا و گناه و لغزش نیز پذیرفته می‌شود.<sup>۱</sup>



### ویژگی یاران امام زمان علیه السلام

فلزی که در ساخت ماشین استفاده می‌شود با فلزی که در ساخت هواپیما استفاده می‌کنند کاملاً متفاوت است.

فلزی که در هواپیما استفاده می‌شود، بسیار مقاوم و سبک است و با دقت بسیار ساخته می‌شود، اما در ماشین این طور نیست، فکر می‌کنید علت آن چیست؟

این مطلب روشن است که هواپیما برای هدفی بزرگ‌تر از ماشین ساخته شده و در فضایی خیلی بالاتر از ماشین حرکت می‌کند و اگر در مواد و ساخت آن دقت نشده باشد و در وسط آسمان عیب پیدا کند و خراب شود چه باید کرد؟

اما ماشین اگر در جاده خراب شد، آن را به کناری می‌برند و درست می‌کنند.

کسی که می‌خواهد یار امام زمان علیه السلام شود باید مواد و فلزی همانند فلز به کار رفته در هواپیما داشته باشد، چون برای هدفی بزرگ، الهی و جهانی حرکت می‌کند.

### نگاه امام مهدی علیه السلام

امام زمان علیه السلام همانند پدری مهربان، مادری دلسوز، و رفیق و دوستی صمیمی است.

آیا درهایی را که چشم الکترونیکی دارند، دیده‌ای؟

۱. محمدرضا رنجبر، سلوک باران، ج ۲، ص ۵۵.

وقتی به آن‌ها نزدیک شوی و در مقابل آن‌ها قرار بگیری باز می‌شوند. برای در، هیچ تفاوتی نمی‌کند چه کسی هستی و از کجا می‌آیی، کوچک هستی یا بزرگ، سفیدی یا سیاه، هر چه باشی به روی تو گشوده می‌شود.

امام زمان علیه السلام نیز، هر کسی که به او رو کند، او را می‌پذیرد و آغوش خود را به روی او می‌گشاید، حتی آن‌هایی که به امامان علیهم السلام ظلم کرده بودند، وقتی از کار خودشان پشیمان می‌شدند و پیش آن‌ها می‌رفتند، امامان مهربان ما، آن‌ها را پذیرفته و به آن‌ها کمک می‌کردند.

### توجه امام مهدی علیه السلام

دانشمندان می‌گویند بدن انسان از پنجاه تریلیون سلول تشکیل شده است. این تعداد زیاد سلول در حالی است که هر کدام کاری می‌کند و وظیفه‌ای دارد، ولی همه آن‌ها زیر نظر مغز هستند و همه پیام‌هایی را که دریافت می‌کنند به مغز می‌دهند و از آن‌جا دستور می‌گیرند. مثلاً اگر به سرانگشت شما سوزنی برخورد کند در همان لحظه، سلول‌های آن قسمت این پیام را به مغز منتقل کرده و آن را احساس می‌کنند و از آن‌جا دستور می‌گیرند که چه کاری باید انجام دهند. حتی اگر در یک لحظه به قسمت‌های مختلفی از بدن سرسوزنی برخورد کند، پیام همه آن‌ها در همان لحظه به مغز منتقل شده و مغز حساس می‌شود و پیام همه آن‌ها را می‌گیرد و دستور می‌دهد که چه کاری انجام دهند.

همه انسان‌ها نیز به امام زمان علیه السلام متصل‌اند و همه تحت ولایت و فرماندهی ایشان هستند. بنابراین، شما دوست خوب امام زمان علیه السلام هنگامی که کار خوب می‌کنی، در همان لحظه امام متوجه می‌شود، هر کجا که می‌خواهی باش.

### زمینه‌سازی برای ظهور

شاید دیده باشید بعضی هواپیماها کوچک هستند، مانند هواپیماهای سم‌پاشی که برای سم‌پاشی و از بین بردن آفت‌ها در مزرعه‌ها استفاده می‌شوند و برای بلندشدن از زمین یا فرود آمدن آن‌ها، در کنار مزرعه یک بانده دوپست متری برای آن‌ها می‌سازند و همین اندازه بانده برای فرودشان کافی است، اما اگر هواپیما خیلی بزرگ باشد چطور؟  
حتماً خواهید گفت برای فرود آن هواپیما یک بانده چند کیلومتری محکم، مطمئن و

مستقیم لازم است تا به سلامت بر زمین بنشیند. این مثال بدین جهت بیان شده که بدانید ظهور امام زمان علیه السلام همانند نشستن و فرود آن هواپیمای بزرگ است که باید زمینه‌ها و بستر ظهور آن حضرت فراهم شود.<sup>۱</sup>



### فایده نماز

اگر پلیس راه در قسمت‌های مختلف جاده حضور داشته باشد، چطور بیش‌تر راننده‌ها می‌کوشند مراقب رانندگی خود باشند، نماز هم با توجه به این که در پنج نوبت در شبانه‌روز خوانده می‌شود، همانند پلیس‌هایی که در قسمت‌های مختلف جاده هستند، سبب می‌شود شخص نمازگزار پیوسته مواظب خودش باشد. البته با این که پلیس راهنمایی به دقت مراقبت می‌کند، باز رانندگانی هستند که توجه نمی‌کنند. این عیب برای انسان است و نماز، او را از بدی‌ها و زشتی‌ها دور می‌کند به شرط آن که انسان در نماز از یاد خدا غافل نشود.

### نماز در نامه عمل

نماز صحیح و قبول شده، نشانه‌ی سلامت و درستی بقیه اعمال است، یعنی اگر نمازی قبول نشود، معلوم می‌شود اشکال در اعمال دیگر بوده است، همانند آمپرهایی که در ماشین و جلوی راننده قرار دارد. اگر آمپر سرجای مشخص شده خود باشد معلوم می‌شود موتور و دیگر وسایل ماشین درست کار می‌کنند اما اگر آمپر به سمتی دیگر حرکت کرده باشد باید نگران عیب و اشکال در موتور بود. بنابراین نماز، آمپر و شاخص است که همه اعمال دیگر با آن سنجیده می‌شود.

۱. محمد یوسفیان، پاسخ به ۲۰ پرسش کودکان درباره امام زمان علیه السلام.

### مداومت در نماز

اگر کسی بگوید همان نمازهایی که در روز می‌خوانیم کافی است و نمازهای شب و صبح زود لازم نیست، این مثل این است که گفته شود همان بیمارستان‌ها و داروخانه‌هایی که در روز باز هستند و کار می‌کنند کافی است و هوا که تاریک شد، در آن‌ها را ببندند؛ در حالی که این طور نیست، چون بیماری‌هایی که در روز به سراغ ما می‌آیند و لازم است بر اثر آن‌ها به دکتر و دارو مراجعه کنیم، در شب یا صبح زود هم به سراغ ما می‌آیند؛ بنابراین لازم است بیمارستان‌ها و داروخانه‌های شبانه‌روزی داشته باشیم.

در مورد نماز هم، همین طور است. چون غفلت و فراموشی از یاد خدا، هم در روز و هم در شب مانند بیماری به سراغ انسان می‌آید و سلامت روحی و معنوی و ارتباط با خدا را مورد حمله قرار می‌دهد. باید شبانه‌روز، با خدا ارتباط داشته باشیم.

### خستگی در نماز

شما اگر سیب قرمز و خوش‌بو را خیلی دوست داشته باشید و سبیدی پر از آن را روی سر و دست خود داشته باشید و حرکت کنید، پس از مدتی سر و دست شما خسته خواهند شد و احساس رنج و سنگینی خواهید کرد، اما هیچ‌گاه چنین احساسی را نسبت به سر یا اعضای دیگر خود نداشته و ندارید و این بدان جهت است که سر و اعضای دیگر، جزئی از ما هستند.

حال توجه داشته باشیم که نماز با همه زیبایی‌ها و آرامشی که می‌تواند داشته باشد اگر جزئی از زندگی ما نشود، با آن احساس سختی و سنگینی خواهیم کرد، چنان که گویی باری بر دوش ما دارد، به همین خاطر بعضی‌ها شانه‌های خود را از این بار خالی کرده و آن را ترک می‌کنند.<sup>۱</sup>

۱. محمد یوسفیان، پاسخ به ۲۰ پرسش کودکان درباره امام زمان (عج).



- پدری از پسرش پرسید: پسرم! سعدی را می‌شناسی؟  
پسر گفت: نه بابا، نمی‌شناسم.  
پدر گفت: چطور نمی‌شناسی، ناسلامتی کلاس پنجم هستی!  
پسر گفت: خُب شاید او در کلاس دیگری درس می‌خواند.  
- معلم: چرا تمرین‌های ریاضی‌ات را جواب ندادی؟  
دانش آموز: آخر جواب آن‌ها را بلد نبودم.  
معلم: خُب از خواهرت می‌پرسیدی!  
دانش آموز: نمی‌خواستم مزاحمش شوم، چون برایم مشق می‌نوشت.  
- اولی: کتابی را که به تو دادم خواندی؟  
دومی: بله، آخرش خیلی خوب بود.  
اولی: اولش چطور بود؟  
دومی: هنوز اولش را نخوانده‌ام.  
- پسری در کلاس تقویتی مشغول خوردن خوراکی بود، معلم با عصبانیت گفت: چرا در کلاس خوراکی می‌خوری؟  
پسرک با خونسردی جواب داد: مگر این کلاس تقویتی نیست؟!  
- آدم پرخوری برای عیددیدنی به خانه دوستش رفته بود. هر چه در ظرف پذیرایی بود، خورد. صاحب‌خانه با تعجب گفت: ببینم برای عیددیدنی آمده‌ای یا عیدخوری؟  
در جواب گفت: برای هر سه.  
صاحب‌خانه پرسید: سومی دیگر چیست؟  
گفت: عید گرفتنی.  
- معلم: می‌خواهم فردا که می‌آیید، هر کدام یک کار نیک انجام داده باشید. فردای آن

روز سه نفر دانش آموز گفتند: آقا ما پیرزنی را به آن طرف خیابان بردیم.  
معلم پرسید: چرا سه نفری؟  
گفتند: چون او نمی خواست به آن طرف خیابان برود و ما به زور او را بردیم.  
- اولی: نمی دانی! امروز یک کفش خریدم که لنگه ندارد.  
دومی: کفش بی لنگه خریده‌ای؟ سرت کلاه رفته.  
- مردی به کسی گفت: این همه با گوسفندان بودی، روی تو تأثیر نگذاشتند؟  
گفت: نع، نع، نع.  
- حسین: مامان من رفتم بازی.  
مادر: با این جوراب‌های پاره؟  
حسین: نه با بیچه‌های همسایه.  
- اولی: اگر گفتم خرگوش چه چیزی دوست دارد؟  
دومی: خب معلوم است، هویج!  
اولی: حالا بگو ببینم، خرگوش بی دندان چه چیزی دوست دارد؟  
دومی: آن هم معلوم است، آب هویج.  
- اولی: مدادی که به من دادی نوک ندارد.  
دومی: چه حرف‌ها می‌زنی! مگر مداد، جوجه است که نوک داشته باشد!  
- مادر: پسرم چرا گربه را روی سرت گذاشته‌ای؟  
پسر: برای این که دندان‌هایم را موش نخورد.



## تجربه‌ها و توصیه‌های تبلیغی

رضا مؤمنی\*

### اشاره

یکی از دستاوردهای مهم مبلغان در امر تبلیغ، خاطره‌ها و تجربه‌هایی است که از خود به یادگار می‌گذارند؛ خاطراتی که سراسر عبرت‌آموز و آکنده از تجربیات و دانسته‌هایی ارزشمند می‌باشند. نظر به اهمیت و اثربخشی این نوع خاطرات بر آن شدیم تا خاطرات آموزنده‌ای را که در موضوعات مختلف از زبان مبلغان گرامی بیان شده‌اند ارائه نماییم. باشد که نکات اخلاقی و تجربه‌های تبلیغی آن‌ها، مورد استفاده خوانندگان عزیز قرار گیرد.

### عذرخواهی زیان‌بخش

شاید در مورد افرادی که تازه به میدان خطابه و سخن‌گذاشته‌اند، این نقیصه را مشاهده کرده باشید که هرگاه به کرسی سخن می‌نشینند، احساس رعب و خودباختگی کرده و برای جبران ناکامی احتمالی خویش، از همان آغاز سخن با جملاتی مانند: می‌بخشید؛ حال من مساعد نیست؛ مسافرت بودم؛ وقت مطالعه پیدا نکردم؛ به من

---

\* دانش‌آموخته حوزه علمیه قم.

دستور دادند مزاحم شوم و من اطاعت امر کردم؛ به عذرخواهی می پردازند و هم روحیه خود را خراب تر می کنند و هم در ذهن شنوندگان شک و تردید ایجاد کرده و بذر یأس و ناامیدی می افشانند، در صورتی که این، تقیصه‌ای بزرگ است و باید از آن پرهیز شود. دکتر دیل کارنگی می گوید:

اشتباه بزرگی که یک مبتدی ممکن است در آغاز سخن مرتکب شود، آن است که عذرخواهی کند و بگوید: من سخنران نیستم، آماده برای نطق کردن نیستم؛ حرفی ندارم بزنم؛ نکنید، این کار را نکنید.<sup>۱</sup>

### اخلاص در تبلیغ

حجت الاسلام والمسلمین محسن قرائتی می گوید:

یک سال برای زیارت به مشهد مقدس رفتم. در حرم با حضرت رضا علیه السلام قرار گذاشتم که من یک سال مجانی برای جوان‌ها و اقشار مختلف کلاس برگزار می‌کنم و در عوض امام رضا علیه السلام نیز از خدا بخواهد من در کارم اخلاص داشته باشم.

مشغول تدریس شدم، سال داشت سپری می‌شد که روزی همراه با جمعیت حاضر در جلسه از مسجد بیرون می‌آمدم، طلبه‌ای که جلو من راه می‌رفت، نگاهی به عقب کرد و با آن که مرا دید؛ ولی به راه خود ادامه داد! من پیش خود گفتم: یا به پشت سر نگاه نکن یا اگر مرا دیدی تعارف کن که «بفرمایید جلو!» ناگهان به یاد قرارم با امام رضا علیه السلام افتادم، فهمیدم اخلاص ندارم، خیلی ناراحت شدم. با خود گفتم که قرآن در مورد اولیای خدا می‌فرماید: «**لَا تُرِيدُ مِنْكُمْ جَزَاءً وَ لَا شُكُورًا**» آنان نه مزد می‌خواهند و نه انتظار تشکر دارند. من کار مجانی انجام دادم ولی توقع داشتم مردم از من احترام کنند!

خدمت آیت الله میرزا جواد آقا تهرانی رحمته الله رسیدم و ماجرای خود را تعریف کرده

۱. احمد صادقی اردستانی، روش‌های تبلیغ و سخنرانی، ص ۱۷۸.

و از ایشان چاره‌جویی خواستم. یک وقت دیدم این پیرمرد بزرگوار شروع کرد به گریه کردن، نگران شدم که باعث اذیت ایشان نیز شدم، لذا عذرخواهی کرده و علت را پرسیدم.

ایشان فرمود: برو حرم خدمت امام رضا علیه السلام و از حضرت تشکر کن که الان فهمیدی مشرک هستی و اخلاص نداری، من از خود می‌ترسم که در آخر عمر با ریش سفید در سن نود سالگی مشرک باشم و خود متوجه نباشم.<sup>۱</sup>

### آفت غرور

گاهی انسان، منبری را که چند بار ارائه کرده و بر آن مسلط است، با غرور مطرح می‌کند و می‌پندارد منبرش خیلی خوب خواهدگرفت و همه چیز حل است و این جاست که خدا فراموش می‌شود و چون خداوند به بندگانش محبت دارد، گاهی آن‌ها را تنبیه می‌کند تا از غرور بپرهیزند.

کسی را می‌شناسم که بیست سال منبر می‌رفت و کاملاً بر منبر و سخن، مسلط بود. شبی بر منبر قرار گرفت؛ در حالی که از تسلط بر سخنان و جلسه مست بود ولی تا خواست سخن بگوید، هیچ کلمه‌ای به یادش نیامد؛ حتی «بسم الله الرحمن الرحیم» را هم فراموش کرد! مردم که احساس کردند گویا برای سخنران، مشکلی پیش آمده، برای آماده‌شدن سخنران، شروع کردند به صلوات فرستادن. یکی، دوتا، سه‌تا و... تا این‌که سخنران هم احساس کرد، کار با این صلوات‌ها هم درست نمی‌شود و به‌ناچار از منبر پایین آمد و به‌محض این‌که پای منبر نشست، همه چیز یادش آمد؛ ولی دیگر روی دوباره بازگشتن به منبر را نداشت و این، درس عبرتی برای ما شد که بدانیم همه چیز به دست خداست.<sup>۲</sup>

### در حد و اندازه خود ظاهر شوید!

اگر گردویی در مُشت خود دارید و مردم می‌گویند دُر و گوهری دارید، از حرف آنان غرّه

۱. حسین صنعت‌پور، نیم قرن تدریس و تبلیغ، ص ۲۱.

۲. مهدی چراغی، تجارب مبلغان هنرمند، ص ۱۲۹.

نشوید. آنچه در مشت شماس، گردویی بیش نیست؛ اما اگر دُر و گوهر در دستتان بود و دیگران به تمسخر و تحقیر گفتند این گردو چیست که در مشت دارید، نگران نشوید. شما دست پُری دارید از گوهر؛ و این کم چیزی نیست. این را گفتم که اولاً، بدانید آدم‌ها باید خودشان را، و داشته‌ها و نداشته‌های خودشان را بشناسند و ثانیاً، در حد و اندازه خود ظاهر شوند. این نکته قطعاً از آن کلیدهای طلایی است که در مدیریت تبلیغ به کارتان می‌آید.<sup>۱</sup>

### خودسازی مقدم بر تبلیغ است

سیره بزرگان دین و علما برای مبلّغین دینی الگوی مناسبی است تا بتوانند قبل از بیان پیام تبلیغی، خود را با عمل کردن به آن مزین کنند و پیش از هدایت مردم، خود را از زشتی‌ها نجات دهند.

آیت الله مجتهدی رحمته‌الله در حالات مرحوم ملاً مهدی نراقی می‌فرماید:

وقتی ایشان کتاب جامع السعادات را که در علم اخلاق است نوشت، آن را برای علامه بحرالعلوم در نجف فرستاد. پس از مدتی مرحوم نراقی برای دیدن علامه به نجف رفت. علامه وی را تحویل نگرفت و دیدار ایشان را قبول نکرد. برای بار دوم مرحوم نراقی به دیدن علامه رفت، ولی او همان رفتار دفعه قبل را تکرار کرد. بار سوم که مرحوم نراقی به دیدن علامه رفت، مرحوم علامه نراقی را خیلی تجلیل و احترام کرد، به طوری که مرحوم نراقی تعجب کرد. علامه بحرالعلوم فرمود: دیدم کتاب شما خیلی عالی است، می‌خواستم ببینم آیا این مطالب را در خودتان هم پیاده کرده‌اید یا نه.<sup>۲</sup>

### از خدا و پیغمبر برای مردم حرف بزنیم!

پزشکی از دنیا رفته بود. در مراسم ختم او سخن می‌گفتم و به مناسبت، مطالب گوناگونی از علم پزشکی بیان کردم. در پایان مجلس کسی نزد من آمد و گفت: آقای

۱. حسین سروقامت، شرط بلاغ؛ چهل کلید طلایی در مدیریت تبلیغ، ص ۷۹.

۲. ماهنامه مبلّغان، مرداد و شهریور ۱۳۹۵، ش ۲۰۵، ص ۶۲.

فلسفی، ما این مطالب را و بالاتر از این‌ها را در آخرین ژورنال‌های پزشکی مطالعه می‌کنیم. امروز آمده بودیم ببینیم شما از خدا و پیغمبر ﷺ برای ما چه دارید! به هر کجا رسیدیم یادمان نرود ما آمده‌ایم از خدا و پیغمبر برای مردم حرف بزنیم!

### مثل شیر بگو نمی دانم!

مرحوم آیت الله مجتهدی رحمته الله می فرمودند:

اگر از تو سؤالی یا مسأله‌ای پرسیدند و جوابش را نمی‌دانستی، با جرأت و شهامت، مثل شیر بگو نمی‌دانم و اگر به کسی اشتباهی جوابی دادی، سریع برو و آن را تصحیح کن. روزی شخصی از شیخ مرتضی زاهد رحمته الله مسأله‌ای پرسید. ایشان جواب دادند. وقتی به منزل رفتند، فهمیدند اشتباهی جواب داده‌اند. همان موقع که قدری از شب گذشته بود، به در منزل آن شخص رفته و جواب صحیح مسأله را گفتند. آن شخص گفت: این مسأله که این قدر مهم نبود، فردا می‌آمدید. شیخ فرمودند: از کجا معلوم، شاید تا فردا زنده نباشم.<sup>۲</sup>

### آداب سخنرانی را بیاموزیم

خدا رحمت کند مرحوم فلسفی را، حرف‌های جالبی به منبری‌ها می‌گفت. حرف‌هایی که نشانه تسلط وی به مقوله سخن و سخنرانی است:

چرا هنگام خواندن آیات بهشتی، قیافه جهنمی به خود می‌گیری؟! دست شما خیلی بزرگ است، وقتی هنگام سخنرانی دست خود را تکان می‌دهید، حواس مردم را پرت می‌کنید.

تو منبری خوبی می‌شوی، ولی از اول تا آخر منبر با تسبیح خود بازی می‌کنی! چرا از اول تا آخر یک‌نواخت حرف می‌زدی؟ چرا یک نقطه را نگاه می‌کردی؟ یک منبر بیست دقیقه‌ای این همه آیه و روایت لازم ندارد. در خواندن آیه و روایت افراط می‌کنی!

۱. حسین سروقامت، شرط بلاغ؛ چهل کلید طلایی در مدیریت تبلیغ، ص ۹۰.

۲. جمعی از نویسندگان، زبان؛ بایدها و نبایدها؛ ص ۸۹.

فلان آیه‌ای را که خواندی، یک کلمه را جا انداختی، می‌دانی اگر این اتفاق در یکی از محافل اهل سنت رخ می‌داد، چه اتفاقی می‌افتاد؟ همان وقت وسط مجلس کسی از جا بر می‌خواست و اعتراض می‌کرد.<sup>۱</sup>

### انتظارات مردم از روحانیت

امروز شاید توقعات درست و غلط مردم از روحانیت فراوان باشد و متعدد؛ با هم بخشی از توقعات درست مردم و حوزه را از یک روحانی مرور کنیم:

۱. مردم توقع دارند قرائت قرآن و حمد و سوره و اذکار نماز یک روحانی صحیح و نیکو باشد؛

۲. مردم انتظار دارند روحانی، دعاهای مأثوره را زیباتر و بهتر از مردم قرائت نماید؛

۳. در هنگام قرائت دعا بتواند متن آن را به راحتی و درست ترجمه کند؛

۴. احکام مورد ابتلای عموم مردم را بداند و تا حدودی از احکام اختلافی نیز آگاه باشد؛

۵. در گفت‌وگوها و سخنرانی‌هایش، به وفور و به درستی از آیات و روایات استفاده کند؛

۶. از علوم روز بهره‌مند و به قول معروف به روز باشد؛

۷. اهل مطالعه، تحقیق، نوآوری و استنباط بوده و مطالب تکراری کم‌تری داشته باشد؛

۸. با اصول و کلیات تاریخ اسلام آشنا باشد؛

۹. به تاریخچه و زندگی معصومین علیهم‌السلام مسلط باشد؛

۱۰. درباره مناسبت‌های ملی و مذهبی اطلاعات مفید داشته باشد؛

۱۱. از اخبار و مسائل روز و تحلیل‌های سیاسی آگاهی داشته باشد؛

۱۲. دارای بصیرت سیاسی باشد؛ ولی اهل سیاسی‌کاری و سیاست‌زدگی نباشد؛

۱۳. با قرآن و نیز کتاب‌های اخلاقی، مانند معراج السعاده، چهل حدیث حضرت امام علیه‌السلام و... مأنوس باشد؛

۱. حسین سروقامت، شرط بلاغ؛ چهل کلید طلایی در مدیریت تبلیغ، ص ۸۷ و ۸۸.

۱۴. آراسته و معطر باشد؛
۱۵. منظم باشد و برای حضور در مسجد از دیگران سبقت بگیرد؛
۱۶. اهل وفای به عهد و نسبت به قول و قرارهایش پایبند باشد؛
۱۷. آمادگی لازم برای پاسخ‌گویی به مسائل دینی مردم را داشته باشد و با حضور ذهن کافی، حداقل ۸۰ درصد نیازهای دینی و پرسش‌های آن‌ها را پاسخ دهد؛
۱۸. قرائت نمازش دل‌نشین و مناسب باشد، نه تند و شتاب‌زده؛
۱۹. اصلاح سر و صورت و محاسنش در شأن روحانیت باشد و از داشتن موی بسیار بلند و تراشیدن غیرمتعارف محاسن خود اجتناب کند؛
۲۰. عمامه خود را متناسب و زیبا ببندد؛
۲۱. بدون لباس روحانیت، در اماکن عمومی رفت‌وآمد نکند؛
۲۲. حرکات و سکنات و نوع راه‌رفتن و خندیدن و گفتن و شنیدنش با عموم مردم متفاوت باشد؛
۲۳. اهل ذکر، معنویت، آرامش و امیدبخشی باشد؛
۲۴. برای خارج‌شدن از مسجد تعجیل نکند؛
۲۵. نمازش با اذان و اقامه و تعقیبات همراه باشد؛
۲۶. بعد از نماز جماعت دقایقی را در مسجد بماند و محفل انس داشته باشد؛
۲۷. به هیئت‌أمناء و زحمت‌کشان مسجد احترام بگذارد؛
۲۸. عقیف و باحیا باشد و در هنگام صحبت با نامحرم سر به زیر بوده و چشم در چشم او نیندازد؛
۲۹. در برابر توهین دیگران، اقدام به توهین متقابل ننماید؛
۳۰. اهل ایثار باشد و مثلاً در رانندگی، حق تقدمش را ایثار کند؛
۳۱. در حد متعارف، اهل مزاح و مطایبه باشد؛
۳۲. روحانی باشد؛ یعنی مقید به رعایت امور معنوی و روحانی و انجام مستحبات در کنار واجبات باشد؛

۳۳. در برابر تبلیغ دین و انجام رسالت طلبگی اش چشم داشتی از مردم نداشته باشد؛
۳۴. برای سخنرانی و روضه خوانی هر چه دادند، بپذیرد و نرخ تعیین نکند؛
۳۵. گفتار و کردارش یکی باشد و بیش از آنچه می گوید، از او عمل ببینند؛
۳۶. اهل گریه و اشک و ندبه باشد و هنگام روضه خوانی خودش متأثر باشد؛
۳۷. اهل صلّه رحم، سرزدن به بیماران و گرفتاران اهل مسجد و محله باشد؛
۳۸. قبل از توصیه امور خیر به دیگران، خودش پیش قدم باشد؛ یعنی اگر قرار است مسجد تمیز شود، ابتدا خودش آستین ها را بالا بزند و شروع کند؛
۳۹. در عین وقار، با جوانان و نوجوانان انس داشته باشد و آن ها را جذب کند؛
۴۰. حرمت روحانیت را نگه دارد و برای اقامه نماز جماعت به علمای حاضر در مسجد تعارف نماید؛
۴۱. احترام پیش کسوتان را داشته باشد و بر آن ها مقدم نشود؛
۴۲. برای نماز صبح هم در مسجد حاضر شود؛
۴۳. قوانین راهنمایی و رانندگی را رعایت کرده و با سرعت غیرمجاز رانندگی نکند؛
۴۴. در پمپ بنزین، نانوائی و... صف را رعایت کند؛
۴۵. در آبادانی محله مشارکت داشته باشد؛
۴۶. ادب و نزاکت فرزندانش بهتر از بچه های دیگر باشد؛
۴۷. در مواجهه با مردم با همه یکسان احوال پرسی کند و به کودکان توجه ویژه داشته باشد؛
۴۸. هنگام اذان هر جا که باشد، خود را به نزدیک ترین مسجد و نماز جماعت برساند و در ساعات نماز در خیابان مشغول امور شخصی نباشد؛
۴۹. با رعایت آداب و لوازم، اهل امر به معروف و نهی از منکر باشد؛
۵۰. مدافع نظام اسلامی و ولایت فقیه باشد و از تضعیف نظام پرهیز کند؛
۵۱. در پی حل مشکلات مسجد باشد، نه تشدید اختلافات مردم و هیئت اُمتا؛
۵۲. همانند مردم دست به جیب باشد و در امور خیر به اندازه وسعش مشارکت کند؛



۵۳. اهل خانه و فرزندان ساده‌زیست باشند نه دنیاگرا و تجملاتی؛
۵۴. مسائل مربوط به متأهل‌ها را در جمع مجردها مطرح نکند یا دست‌کم با ظرافت و پوشیده مطرح نماید؛
۵۵. ملاحظه حوصله مخاطب را کرده و مختصر و مفید سخنرانی کند؛
۵۶. در اداره مسجد پویا و بانشاط باشد؛
۵۷. در مجالس جشن و عزا و هیئت و به‌ویژه مجالس جوانان و نوجوانان شرکت نموده و آن‌ها را به حال خود رها نکند؛
۵۸. در خصوص خرافات و افکار انحرافی آگاهی‌بخشی کرده و خود نیز دچار خرافات نشود؛
۵۹. حامی مستضعفان باشد و حلقه اتصال ثروتمندان با فقرا باشد و از هیچ اقدامی برای کمک به مستمندان دریغ نکند؛
۶۰. از ظرایف، نکات بدیع، شعر، داستان و طنز در سخنانش استفاده کند؛
۶۱. با مبانی تربیتی اسلام آشنا باشد و کارهایش مبنای تربیتی دینی داشته باشد؛
۶۲. خوش حساب باشد و حساب و کتابش به مراتب دقیق‌تر از دیگران باشد؛
۶۳. از عزت و آبروی خود، برای حل مشکلات مردم استفاده کند؛
۶۴. بیش از حد ضرورت وقتش را در محافل و مراسم کم‌فایده نگذرانند؛
۶۵. برای سخنرانی و روضه‌خوانی وقت بگذارد و مطالعه کافی داشته باشد؛
۶۶. حامی و راهنمای نیروهای فرهنگی مردمی و خودجوش باشد و تا حد امکان با آن‌ها همراهی و همکاری داشته باشد؛
۶۷. ابتدا خانواده خود را امر به معروف نموده و اصلاح را از نزدیکانش شروع کند؛
۶۸. در هر موقعیتی با روی باز پاسخ‌گوی نیازها و پرسش‌های مردم باشد؛
۶۹. در اماکن عمومی با سعه صدر و بیان زیبا و محترمانه با مردم سخن بگوید؛
۷۰. اگر فقیری را دید، او را دست خالی رد نکند؛
۷۱. در صورت نیاز دیگران به کمک از خودرو پیاده شود و در حد توان کمک کند؛

۷۲. با زندگی‌نامه و احوالات علمای اخلاق و بزرگان حوزه آشنا باشد و آن‌ها را برای مردم بیان نماید؛
۷۳. در مناسبت‌ها و مجالس دینی، وقت قاری، مداح، سخنران بعدی و بقیه را رعایت کرده و طبق برنامه‌ریزی قبلی عمل کند؛
۷۴. به مکان‌هایی که او را در معرض اتهام قرار می‌دهد یا در شأن روحانیت نیست، وارد نشود؛
۷۵. در سلام کردن بر دیگران پیشی بگیرد؛
۷۶. هنگام عبور از خیابان از محل عبور عابر پیاده و در زمان سبز بودن چراغ راهنما حرکت کند؛
۷۷. از انداختن آب دهان در مکان‌های عمومی بپرهیزد؛
۷۸. با اعضای خانواده‌اش خوش اخلاق و مهربان باشد؛
۷۹. لباسش آن قدر بلند نباشد که روی زمین کشیده شود و آن قدر کوتاه نباشد که جلب توجه کند؛
۸۰. در مجامع عمومی، خنده‌های بلند و حرکات سبک نداشته باشد؛
۸۱. از مشاجره با دیگران در مسائل بی‌ثمر خودداری کند؛
۸۲. در خرید لوازم منزل تجمل‌گرا نباشد؛
۸۳. در خرید اقلام مورد نیاز منزل دقت کند تا مورد سوءتفاهم از سوی اقشار محروم قرار نگیرد؛
۸۴. تمیز و آراسته باشد؛ مثلاً دکمه قبا و آستین پیراهن خود را باز نگذارد و از پیراهن یقه‌دار در زیر قبا استفاده نکند؛
۸۵. در مجامع عمومی با صدای بلند با گوشی همراه خود صحبت نکند؛
۸۶. از آهنگ‌های مناسب و در شأن برای گوشی همراه خود استفاده کند؛
۸۷. از مصافحه، دست‌دادن و خوش‌وبش کردن با محارم در اماکن عمومی، که گاهی موجب سوءظن دیگران می‌شود، خودداری کند؛

۸۸. از دویدن با شتاب و عجله راه رفتن و بروز رفتارهای هیجانی شدید در مجامع

عمومی بپرهیزد؛

۸۹. بدون مجوز اقدام به پوشیدن لباس روحانیت نکند؛

۹۰. گاه با لباس و گاه بدون آن دیده نشود.<sup>۱</sup>

---

۱. مهدی اسماعیلی سادیانی، لباس روحانیت در نبرد نمادها، ص ۹۷-۱۰۷.

